



مالزی چگونه پیشرفت کرد؟

- ۱ تکیه بر توان داخلی با نگاه به شرق
- ۲ وحدت اجتماعی و همگرایی فرهنگی

هفته نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیستم | شماره ۹۸۶ | دوشنبه ۶ بهمن ۱۳۹۹ | ۱۱ جمادی الثانی ۱۴۴۲ | ۲۵ ژانویه ۲۰۲۱ | ۱۶ صفحه

ایرج مسجدی در گفت و گوی اختصاصی با صبح صادق
ناامن سازی عراق؛ پروژه کلان آمریکاست



۳ دیدگاه

مهدی سعیدی
تیغ بر شایسته سالاری



۳ دیدگاه

علی حیدری
کوتاهی ممنوع!



۲ سرمقاله

واکاوی جنگ رسانه‌ای جبهه استکبار علیه رهبر معظم انقلاب
در گفت و گوی صبح صادق با دکتر مهدی فضائلی

۴ راهبرد

«آقا» هدف اصلی دشمنان شده است

حاج قاسم در مصاحبه با پایگاه اطلاع رسانی رهبر معظم انقلاب اسلامی گفت: «در بیست سالی که در محضر آقا بودم، نتیجه تقوا را که حکمت می شود، در آقا به طور کامل دیده‌ام؛ در هر چیزی که ایشان شبیه می کنند مطمئن می شوم که در انتهای آن شبیه در می آید و بر هر چیزی که یقین می کنند، مطمئن می شوم موفقیت به دست می آید.» این محصول ۲۰ سال مرادده کسی مانند حاج قاسم با آقا است.

زمانی که آقا فرمودند بروید در سوریه و هیچ نقطه امیدی وجود ندارد، عده‌ای به واسطه اطمینانی که به ایشان داشتند، وارد میدان شدند. دشمن در حوادث سوریه هم دید که معادلات را حضرت آقا بر هم زد و به این نتیجه رسید که این سنگر را باید حتماً آنقدر بزنند که یا دیگر برخی مواضع را نگیرند و برخی اقدامات را نکنند یا اینکه نگاه‌ها را به ایشان تغییر دهند تا ایشان دایره نفوذ و میزان تأثیرگذاری هایش کاهش یابد.

نظام سلطه اذعان داشت که فتنه ۸۸ تمام کننده است و واقعات تنها سنگری که کشور را از لبه پرتگاه نجات داد، شخص رهبری بود. وقتی دشمن دید مهم ترین اقدامی را که می توانست بعد از انقلاب نظام را به پرتگاه برساند، انجام داده و رهبری مانع از تحقق اهداف آن شده، راهبردش را تغییر داد و راهبرد هجمه به سمت ستون و عمود خیمه کشور و انقلاب را برگزید، تا ایشان دیگر نتواند آن کارکردها و اثرگذاری را داشته باشد.

۲ نگاه
سردار یدالله جوانی در گفت و گو با صبح صادق

ترامپ رفت و نظریه نه مذاکره نه جنگ اثبات شد

با حضور «جو بایدن» در کاخ سفید فشارها بر ملت ایران نه تنها قطع نخواهد شد، بلکه به نوعی تداوم می یابد؛ اگرچه ممکن است برای تأثیرگذاری بر انتخابات ایران، گشایش های کوتاه مدت حاصل شود، نکته مهم این است که در مقابل «فشارهای هوشمند» بایدن، ملت ما هم باید به یک «مقاومت هوشمندانه» دست بزنند.

مقاومت حداکثری ملت ایران با هدایت های راهبردی رهبر معظم انقلاب و قدرت پاسخگویی قاطع ایران به هر نوع اقدام نظامی خارجی، سه عامل اصلی شکست آمریکا در اعمال فشار حداکثری هستند. وقتی ملتی با پشتیبانی و تبعیت از رهبری دینی و الهی به مقاومت دست می زند؛ حتماً خداوند پیروزی را نصیب آن ملت می کند.

فشارهای حداکثری، عملیات روانی و جریان تحریف، عوامل سه گانه ای بود که ترامپ را برای رسیدن به اهداف امیدوار کرده بود. از ابتدای سال ۱۳۹۷ و به ویژه بعد از خروج آمریکا از برجام، ترامپ و تیم او با یک ادبیات تهاجمی و با تأیید بر فشارهای حداکثری، اعلام کردند ایران هرگز موفق به برگزاری جشن چهل سالگی انقلاب نخواهد شد!

سر مقاله

کوتاهی ممنوع!

علی حیدری

سردبیر



هفته گذشته وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات اعلام کرد، «محمدجواد آذری جهرمی» به شعبه نهم دادسرای فرهنگ و رسانه احضار شده و در مورد اعلام جرم‌های دادستان کل کشور علیه او، مورد بازجویی قرار گرفته و با قرار التزام آزاد شده است. بلافاصله برخی جریان‌های رسانه‌ای در صدد برآمدند تا علت احضار وزیر ارتباطات را استتکاف وی از فیلتر کردن «اینستاگرام» معرفی کنند و با تمرکز بر این موضوع غیر واقعی، ضمن هجمه به دستگاه قضا با هدف زیر سؤال بردن این اقدام، آذهان عمومی را از اتهامات وارده به وزیر ارتباطات منحرف کنند. پس از این خیرسازی‌ها، روابط عمومی دادسرای عمومی و انقلاب تهران اعلام کرد، این پرونده با شکایت تعداد زیادی از اشخاص حقیقی و حقوقی تشکیل شده و عناوین اتهامی وی، نتیجه گزارش‌های سازمان‌های مردم نهاد، ضابطین و ارگان‌های مختلف است. دادستانی تهران این را اعلام کرد که در دو سال گذشته، هیچ حکم قضایی مبنی بر فیلترینگ یا مسدودسازی شبکه اجتماعی‌ای صادر نشده است و اجرا نکردن مصوبات شورای عالی فضای مجازی و استتکاف از اجرای چندین مصوبه این شورا با ریاست رئیس‌جمهور، دریافت هزینه اضافی اینترنت از مردم تا انجام ندادن وظایف قانونی در قبال جرایم سازمان یافته، مانند فروش مواد مخدر و سلاح، سایت‌های شرط‌بندی در فضای مجازی و... از جمله دلایل احضار وزیر ارتباطات بوده‌اند. با توجه به این موضوع، توجه به چند نکته حائز اهمیت است:

۱- به جرئت می‌توان گفت، همه کشورهای جهان درصددند تا بر فضای مجازی نظارت داشته باشند، تا از یک سو از فواید آن بهره‌مند شوند و از سوی دیگر فارغ از اعتقادات مذهبی، بدنه اجتماعی و فرهنگی جامعه خود را از آسیب‌های این فضا در امان نگه دارند؛ اما متأسفانه فضای مجازی در کشور ما که یک کشور اسلامی و مبتنی بر باورهای دینی است، پله و رهاست؛ از این رو توجه ویژه به موضوع حکمرانی مجازی در نهادهای تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر کشور ضروری است.

۲- امروزه همگان به این واقعیت پی برده‌اند که دشمنان ملت ایران از ظرفیت فرازمانی و فرامکانی فضای مجازی برای به انحراف کشاندن جوانان، ایجاد شبهه در اعتقادات و باورها، ناکارآمد جلوه دادن نظام اسلامی، توسعه فرهنگ و سبک زندگی غربی، ترویج فساد اخلاقی و... بهره‌برداری می‌کنند، حتی قشر به اصطلاح خاکستری جامعه که فارغ از نگاه‌های آرمانی و حتی اعتقادی به مسائل جامعه می‌نگرند، با درک امواج سهمگین فضای مجازی، نسبت به تهدیدات این فضا ابراز نگرانی می‌کنند.

۳- دستگاه قضا که در سال‌های اخیر با رویکرد انقلابی خود منشأ اثر در عرصه‌های گوناگون بوده، وظیفه دارد نسبت به سلامت اجتماعی و فکری مردم که به وسیله فضای مجازی در معرض تهدید قرار گرفته، حساسیت لازم را داشته باشد. بنابراین احضار وزیر ارتباطات به اتهام انجام ندادن وظایف قانونی و استتکاف از انجام امور محوله در حوزه مسئولیتش را نباید دستاویز نگاه‌های سیاسی و انتخاباتی کرد؛ چرا که امنیت اخلاقی و آرامش فکری و روانی مردم آنچنان اهمیتی دارد که هیچ گونه قصوری از مسئولان و مدیران در هر سطح و مرتبه‌ای پذیرفته نیست.

سردار یدالله جوانی در گفت‌وگو با صبح صادق

ترامپ رفت و نظریه نه مذاکره نه جنگ اثبات شد

حسن ابراهیمی

خبرنگار

تحلیل شما از شکست انتخاباتی ترامپ چیست؟

حوادث آمریکا از جنبه‌های گوناگون نیازمند تحلیل است. شکست ترامپ را، باید شکست آمریکا در مقابل مقاومت ملت قهرمان ایران ارزیابی کرد. شکست ترامپ و حوادث چند ماه اخیر در آمریکا، همگی از نشانه‌گان بزرگ افول آمریکا و شکست لیبرال دموکراسی غربی است. این حوادث نشان داد، دشمن اصلی نظام سرمایه‌داری و لیبرال دموکراسی، در درون جوامع غربی و به ویژه در درون آمریکا و آن هم ملت آمریکاست.

جمهوری اسلامی ایران چگونه ترامپ را شکست داد؟

ترامپ بر اساس یک تحلیل آمریکارا از برجام خارج کرد و امیدوار بود که به نتیجه دلخواهش برسد. البته برخی از جریان‌های داخلی ایران و بعضاً دولتی‌ها در شکل‌گیری این تحلیل در ذهن ترامپ و تیم او، نقش برجسته‌ای داشتند. **تحلیل ترامپ این بود که وضعیت داخلی ایران به گونه‌ای است که پس از خروج آمریکا از برجام و تشدید تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی، ایران از بین دو گزینه جنگ یا مذاکره، یکی را در پیش خواهد گرفت. به عبارتی وقتی آمریکا از برجام خارج می‌شود و ترامپ ایران را بر سر دو راهی «جنگ یا مذاکره» قرار می‌دهد، به دنبال این بود که جمهوری اسلامی ناچار به پذیرش مذاکره شود.**

بر اساس همین تحلیل بود که ترامپ مرتب می‌گفت، ایرانی‌ها به زودی تماس می‌گیرند و مذاکره می‌کنند!

خیلی **جالب است اینکه می‌بینم وقتی ترامپ، آمریکا را در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ از برجام خارج کرد و آن پیام را داد، در داخل کشور هفته‌نامه «صدا» که از نزدیک‌ترین نشریات به دولت است؛ تیرا اصلی‌اش را «دو راهی جنگ و صلح» انتخاب کرد. در داخل رسانه‌های جریان غرب‌گرا و نزدیک به دولت و اصلاح‌طلبان، با صراحت بر این نکته تأکید داشتند که جمهوری اسلامی چاره‌ای جز مذاکره با ترامپ ندارد.**

حتی برخی از افراد این جریان، تأکید داشتند در صورت مذاکره نکردن با ترامپ، جنگ می‌شود و آنگاه در حین جنگ مجبور خواهیم بود امتیازات بیشتری به آمریکا بدهیم. آنان با این استدلال، مذاکره با ترامپ را بهترین گزینه می‌دیدند!

اما در چنین شرایط و فضایی، رهبر حکیم انقلاب اسلامی با صراحت، آن جمله تاریخی را فرمودند که: **«نه مذاکره می‌کنیم و نه جنگ خواهد شد.»** اکنون ترامپ ذلیلانه کاخ سفید را ترک کرد و به تاریخ پیوست، و در این میان، درستی آن نظریه «نه جنگ نه مذاکره» اثبات شد. این یک شکست راهبردی برای آمریکا و دولت ترامپ بود.

واکنش‌ها نسبت به موضع رهبر معظم انقلاب در این مدت چگونه بود؟

پس از اعلان صریح این موضع قاطع از سوی رهبر معظم انقلاب که البته به همراه استدلال هم بود، اینکه به چه دلیل ما با آمریکا مذاکره نمی‌کنیم و به چه دلیل جنگ نخواهد شد، خیلی‌ها در داخل و خارج، منتظر این بودند که ببینند چه اتفاقی رخ خواهد داد. در این میان چند نکته قابل توجه و تأمل است و به تحلیل و تبیین نیاز دارد که به اختصار اشاره می‌کنم.

نکته اول اینکه، **با اعلان موضع قاطع حضرت آقا شوک بزرگی به ترامپ وارد شد؛ چرا که**

برخلاف تحلیل و تصورش بود. ترامپ بر این تصور بود که حتماً ایران پای میز مذاکره می‌نشیند. به نظر تحلیل‌های داخل کشور و صحبت‌های برخی از مسئولان دولتی در وصف برجام و اینکه حل بسیاری از مشکلات کشور را به مذاکره با آمریکا گره زده بودند؛ چنین باوری را در ترامپ به وجود آورده بود. لذا ترامپ مدتی دچار این توهم بود که ایرانی‌ها چاره‌ای ندارند و با وجود این موضع رهبر معظم انقلاب، باز هم تصور می‌کرد ایران از موضعش عقب‌نشینی می‌کند. وقتی این اتفاق نیفتاد، از یک طرف واسطه‌هایی چون نخست‌وزیر ژاپن را روانه ایران کرد و از طرفی پیام‌های تهدیدآمیز داد، ولی هیچ کدام کارساز نشد و جمهوری اسلامی بر موضع صحیح خود ثابت قدم ماند.

نکته دوم، عملی شدن تهدید ترامپ در به شهادت رساندن سردار سلیمانی بود. ترامپ با این اقدام که رسماً هم مسئولیت ترور را برعهده گرفت؛ می‌خواست این پیام را به ایران بدهد که آمریکا در موضع برتر قرار دارد و جمهوری اسلامی راهی جز تن دادن به مذاکره ندارد؛ **اما واکنش قاطع ایران در موشک‌باران عین الاسد، محاسبات ترامپ را به هم ریخت. ناتوانی آمریکایی‌ها در اقدام متقابل، نشان داد که آمریکا به هیچ وجه در شرایط مناسب برای آغاز یک جنگ علیه ایران قرار ندارد.**

اما نکته سوم به تحرکات برخی داخلی‌ها بر می‌گردد. از زمان خروج آمریکا از برجام و پیام ترامپ مبنی بر جنگ یا صلح از طریق مذاکره از یک‌سو و تصریح و تأکید رهبر معظم انقلاب بر راهبرد و سیاست «نه مذاکره و نه جنگ» از سوی دیگر، مرتب عده‌ای با ارائه تحلیل‌های گوناگون در رسانه‌های داخلی، این گونه القا می‌کردند که راهبرد و سیاست «نه جنگ و نه مذاکره»، کشور را به پرنگاه برده و نابود می‌کند. صاحبان این تحلیل، بر مذاکره با دولت ترامپ اصرار داشتند. این نگاه حتی در لایه‌هایی از دولت هم وجود داشت. به طور قطع پذیرش مذاکره با ترامپ، خسارت‌های فراوانی را برای ایران به دنبال داشت و این مذاکره برای ترامپ یک پیروزی و موفقیت بزرگ به حساب می‌آمد.

دونالد ترامپ با خروج آمریکا از برجام (توافق جامع هسته‌ای) چه اهدافی را دنبال می‌کرد؟

ترامپ قبل از ریاست جمهوری‌اش، به عنوان فردی شناخته می‌شد که در امور اقتصادی و معامله‌گری، یک هنر ویژه‌ای در امتیازگیری از طرف‌های مقابل دارد. البته شگرد عمده او، برهم زدن معامله و قرارداد انجام شده از سوی شرکت‌ها و مؤسسات با دیگران بود؛ با این استدلال که او از این معامله متضرر می‌شود و سپس با یک عملیات روانی و آن هنر معامله‌اش، قرارداد جدیدی را با امتیازات فراوان به نفع خود منعقد می‌کند! ترامپ به محض ورود به کاخ سفید، همین رویه را در پیش گرفت و آمریکا را از چندین معاهده و توافق‌نامه بین‌المللی و از جمله برجام خارج کرد.

برای ایران، اروپا، روسیه، چین، کره شمالی و چندین کشور دیگر خط و نشان کشید. اروپایی‌ها، چینی‌ها و کره شمالی در برابر او به نوعی نرمش نشان دادند؛ اما جمهوری اسلامی آن هم با تدبیر حکیمانه رهبر معظم انقلاب، محکم در مقابل ترامپ ایستاد. ترامپ مدعی بود برجام توافقی ناقص و به ضرر آمریکاست و باید اصلاح شود!

دونالد ترامپ تصور می‌کرد وقتی ایران از سر ناچاری و ترس از جنگ، به مذاکره تن دهد؛ آنگاه در این مذاکره جدید، ایران را در تمامی حوزه‌ها محدود خواهد کرد و آن راهبرد معروف «مهار ایران» به دست ترامپ اتفاق می‌افتد. ترامپ می‌خواست در مذاکرات جدید، محدودیت‌های هسته‌ای ایران را همیشگی کرده و برنامه موشکی و نفوذ منطقه‌ای ایران را هم محدود کند. حوزه‌های مذاکره مورد نظر ترامپ، همان ۱۲ موردی بود که مایک پمپئو، وزیر خارجه آمریکا مطرح کرد.

ترامپ روی چه مؤلفه‌ها یا عوامل اثر بخشی برای رسیدن به این اهداف حساب باز کرده بود؟

فشارهای حداکثری، عملیات روانی و جریان تحریف، عوامل سه‌گانه‌ای بود که ترامپ را برای رسیدن به اهداف امیدوار کرده بود. از

سال ۱۳۹۷ ترامپ از هر اقدام و ابزاری برای فشار بر جمهوری اسلامی و ملت ایران بهره برد. از ابتدای سال ۱۳۹۷ و به ویژه بعد از خروج آمریکا از برجام، ترامپ و تیم او با یک ادبیات تهاجمی و با تأیید بر فشارهای حداکثری، اعلام کردند جمهوری اسلامی هرگز موفق به برگزاری جشن چهل سالگی انقلاب نخواهد شد!

دونالد ترامپ در شهریور ۱۳۹۷ به مقام‌های اروپایی که برای یک همکاری حداقلی با ایران به منظور حفظ برجام نوعی تمایل داشتند؛ با صراحت گفت، عجله نکنید تا چند ماه دیگر کار جمهوری اسلامی تمام است! این نگاه‌ها و پیام‌ها به ایران هم منتقل می‌شد و عده‌ای در داخل کشور، با تحلیل‌های غلط توی دل مردم را خالی می‌کردند و نظام را برای رفتن به سمت مذاکره تحت فشار قرار می‌دادند.

اما در چنین فضا و شرایطی، رهبر معظم انقلاب در جمع ده‌ها هزار نفری بسیجیان در آذر ماه سال ۱۳۹۷، با اشاره به صحبت‌های ترامپ خطاب به مقامات اروپایی و یادآوری آرزوهای مشابه دیگر رؤسای جمهور ایالات متحده در چهل سال گذشته، با این ضرب‌المثل ایرانی جواب او را دادند: «شتر در خواب بیند پنبه دانه، گهی لپ‌لپ خورد گه دانه‌دانه!»

عوامل اصلی به شکست رساندن آمریکای دوره ترامپ کدام است؟

مقاومت حداکثری ملت ایران با هدایت‌های راهبردی رهبر معظم انقلاب و قدرت پاسخگویی قاطع جمهوری اسلامی به هر نوع اقدام نظامی خارجی، سه عامل اصلی شکست آمریکا در اعمال فشار حداکثری هستند. در جمهوری اسلامی مقاومت در برابر دشمن، مبنای دینی و اعتقادی دارد. لذا وقتی ملتی با پشتیبانی و تبعیت از رهبری دینی و الهی در برابر دشمنان خدا و دین خدا به مقاومت دست می‌زند؛ حتماً مورد نصرت الهی واقعی شده و خداوند پیروزی را نصیب آن ملت می‌کند. بسا اطمینان می‌توان گفت، ملت ما تا زمانی که با وحدت و انسجام از ولایت فقیه پیروی کند، ملتی شکست‌ناپذیر خواهد بود. در سه دهه گذشته، درستی و صدق کلام امام بزرگوارمان اثبات شد که فرمودند: «پشتیبان ولایت فقیه باشید تا به مملکت آسیبی نرسد.» آری ملت ایران با نصرت الهی، شاخ آمریکا و ترامپ را شکست.

به عنوان آخرین سؤال بفرمایید، با رفتن ترامپ و آمدن بایدن، آیا تغییری در سیاست‌های آمریکا در قبال ایران پدید می‌آید؟

بین اهداف جمهوری‌خواهان و دموکرات‌ها در قبال ایران، هیچ تفاوتی وجود ندارد و هر دو حزب دشمن جمهوری اسلامی و ملت ایران بوده و به دنبال براندازی در ایران هستند. تفاوت بین آنها در شیوه‌ها و روش‌های اعمال دشمنی است. جالب است که **«جو بایدن» با اشاره به شکست سیاست «فشار حداکثری» ترامپ علیه جمهوری اسلامی، از سیاست «فشار هوشمندانه» دولت خود علیه ایران یاد می‌کند. بنابراین، فشارها نه تنها قطع نخواهد شد، بلکه به نوعی تداوم می‌یابد؛ اگرچه ممکن است برای تأثیرگذاری بر انتخابات ایران، گشایش‌های کوتاه‌مدت حاصل شود، نکته مهم این است که در مقابل «فشارهای هوشمند» بایدن، ملت ما هم باید به یک «مقاومت هوشمندانه» دست بزند.**



روزنه

ترور ترامپ

احمد برزگر

معان سیاسی
دانشگاه بقیه‌الله(عج)



دونالد ترامپ، چهل‌وپنجمین رئیس‌جمهور آمریکا که در نوامبر ۲۰۱۶ در میان بهت و حیرت کارشناسان و افکار عمومی بین‌المللی به عنوان یک تاجر وارد دنیای سیاست شد و چهارشنبه ۲۰ ژانویه ۲۰۲۱ با جنجال و هیاهوی فراوان کاخ سفید را ترک کرد، در مدت چهار ساله ریاست‌جمهوری خود بدعت‌های فراوانی را هم در رفتارهای فردی و هم در رفتارهای سازمانی خود به جا گذاشت و سبب شد وضعیت رو به افول آمریکای ابرقدرت- که خیلی‌ها در ظاهر آن را نمی‌دیدند- سرعت بیشتری گرفته و به طور علنی در معرض دید جهانیان قرار بگیرد. برخورد توهین‌آمیز با رسانه‌های منتقد، رفتارهای زننده در دیدارهای دیپلماتیک، خروج رسمی از توافقات و پیمان‌های بین‌المللی، حمله طرفداران وی به کنگره و تسخیر ساختمان کنگره نمونه‌هایی از اقدامات بی‌سابقه ترامپ در قامت رئیس‌جمهور آمریکا هستند که به وجهه‌بین‌المللی آمریکا لطمات فراوانی زد. ترور شهید سلیمانی مهمان رسمی مقامات عراقی در بغداد یکی از خطرناک‌ترین اقدامات ترامپ بود که با وجود هدف اولیه ایجاد امنیت بیشتر برای آمریکایی‌ها- منجر به افزایش ناامنی برای مقامات و نیروهای آمریکایی شد؛ چرا که جمهوری اسلامی علاوه بر قدرت‌نمایی در حمله موشکی آشکار به پایگاه نظامی آمریکا، رسماً اعلام کرد که آمران و عاملان ترور شهید سلیمانی را نیز مجازات خواهد کرد. در وهله اول این برداشت به ذهن مخاطب می‌رسد که با پایان ریاست‌جمهوری ترامپ و کاهش حلقه‌های حفاظتی وی، جمهوری اسلامی انتقام ترور شهید سلیمانی را از این جنایتکار به صورت جدی در دستور کار خود قرار خواهد داد، که البته پس از تأکید رهبر معظم انقلاب مبنی بر قصاص عاملان و آمران ترور شهید سلیمانی این گزینه هم محتمل و جدی است، ولی به عقیده نگارنده نباید از یک مسئله غفلت کرد و آن اینکه آمریکایی‌ها پیش‌دستی کنند و ترامپ به دست خود ساختار سیاسی و امنیتی آمریکا ترور شود. برای این احتمال دلایلی وجود دارد که عبارتند از:

۱- حربه‌ای علیه تهران؛ آمریکایی‌ها می‌توانند با ترور ترامپ و فضا سازی پرشدت رسانه‌ای در سطح بین‌المللی، این ترور را به ایرانی‌ها یا نیروهای وابسته به ایران منتسب کنند. حداقل فایده این کار این است که نگرانی مسئولان سیاسی، نظامی و امنیتی آمریکا از انتقام ایران در موضوع آمران و عاملان جنایت فرودگاه بغداد رفع خواهد شد.

۲- چالش طرفداران ترامپ؛ ترامپ با پایگاه اجتماعی ۷۵ میلیون نفری خود می‌تواند در دوره چهار ساله ریاست‌جمهوری بایند چالش‌های جدی سیاسی و امنیتی در حوزه داخلی برای آمریکا ایجاد کند. حادثه بی‌سابقه اشغال کنگره به دست طرفداران تندرو ترامپ این زنگ خطر را به صورت کاملاً رسا و آشکار به صدا آورده است.

۳- پایان کابوس ۲۰۲۴؛ ساختار سیاسی آمریکا که در دوره چهار ساله ترامپ با لطمات فراوانی مواجه شد، به هیچ وجه نمی‌خواهد این دوره بار دیگر تکرار شود؛ اما وجود ترامپ با پایگاه اجتماعی خوب خود همواره این چماق را بالای سر ساختار سیاسی آمریکا نگه می‌دارد؛ لذا حذف فیزیکی این شخص می‌تواند این نگرانی بجا و منطقی را رفع کند.

تیغ بر شایسته‌سالاری

که مدت‌هاست متأثر از اندیشه‌های سکولار است که به مخالفت با اصل نظارت بر خاسته، به واقع اعتقاد خود به رویکرد اسلامی به قدرت و شایستگی برای کسب قدرت را از دست داده و کاملاً سکولار شده است! مسئله صلاحیت‌ها را می‌توان دال مرکزی توزیع قدرت در نظام سیاسی در اسلام دانست. در نظام اسلامی هیچ مسند قدرتی نیست که صاحب آن بدون داشتن صلاحیت، مشروعیت تکیه زدن بر آن را نداشته باشد. هر فرد در نظام اسلامی اگر به اندازه ذره‌ای از قدرت برخوردار باشد، باید به همان اندازه از صلاحیت برخوردار باشد، وگرنه حق اعمال آن قدرت را ندارد و قدرت مذکور نامشروع خواهد بود. به واقع صلاحیت رمز مشروعیت به حساب می‌آید و این منطق جاری در نظام اسلامی است که حاصل آن شایسته‌سالاری و تکیه زدن صاحبان صلاحیت بر مسند قدرت است. در این میان مسئله آن است که صلاحیت‌ها برای نامزدهای کسب قدرت در عرصه‌های مختلف چگونه احراز می‌شود؟ نقش نخبگان در این میانه چیست؟ چه بخشی از این فرآیند بر عهده توده‌های مردم سپرده شده است؟ در یک تقسیم‌بندی

معقولانه برای تحقق شایسته‌سالاری، فرآیندی دومرحله‌ای طرح‌ریزی شده است. شورای نگهبان نهاد حقوقی و مرجعی است که مطابق با قانون اساسی بررسی صلاحیت‌ها در انتخابات مختلف کشور را بر عهده دارد. شورای نگهبان با استعلام از نهادهای قانونی اطلاعات، اعم از دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی، صلاحیت حداقلی نامزدها را مطابق با قانون نوشته‌شده کشور بررسی می‌کند. اما گام دوم احراز صلاحیت‌ها که از آن می‌توان به احراز حداکثری یاد کرد، بر عهده مردم گذاشته شده است. آنچه از آن با عنوان انتخاب اصلاح یاد شده است، در واقع مرحله تکمیلی و پایانی احراز صلاحیت‌هاست که تشخیص و انتخاب آن به مردم واگذار شده است، نه مسئولان و نخبگان. این همان اصل بنیادین نظریه مردم‌سالاری دینی است که خروجی آن شایسته‌سالاری است؛ اما شایسته‌سالاری که با دقت مبتنی بر مردم‌سالاری طرح ریزی شده، در نظام‌های سکولار شایستگی معیار و مبنای انتخابات نیست. در آنجا تنها رضایت مردم است که شاخص‌گزینش قرار می‌گیرد؛ خواه این انتخاب و رضایت بر فردی فاقد شایستگی تعلق گیرد! در نظریه حکومت

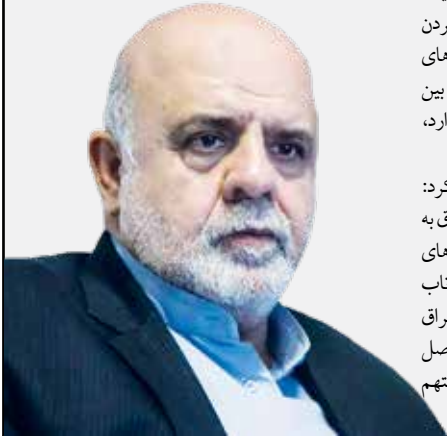
سفیر ایران در عراق در گفت‌وگوی اختصاصی با صبح صادق

ناامن سازی عراق؛ پروژه کلان آمریکاست

منطقه‌ای آنها بوده است. این پروژه از یک مثلث سه ضلعی آمریکا، ناپایان منطقه‌ای آمریکا، یعنی برخی رژیم‌های مرتجع منطقه و رژیم صهیونیستی و ضلع سومی به نام داعش تشکیل شده است. در یک دستورالعمل پنهانی، تقسیم کار مهمی بین این سه ضلع صورت گرفته است؛ آمریکا در ایجاد آشوب و ناامنی با اقدامات تروریستی و فشار بر گروه‌های مقاومت مترصد قدرت گرفتن داعش در عراق است. رژیم صهیونیستی و برخی رژیم‌های مرتجع با اقدامات حمایتی در زمینه مالی و تسلیحاتی به بقایای داعش کمک می‌کنند. این دو ضلع در عراق شرایط را برای ظهور مجدد ضلع سوم، یعنی داعش فراهم می‌کنند. البته باید به این نکته توجه شود که داعش در مقطع فعلی تهدید بالفعل برای عراق به شمار نمی‌آید؛ چرا که ساختار و تشکیلات این گروه تروریستی منهدم شده است و با هوشیاری دولت و ملت عراق و به ویژه گروه‌های مقاومت از جمله حشدالشعبی امکان ظهور و بروز مجدد آن همانند سال ۲۰۱۴ میلادی وجود ندارد. وی همچنین در رابطه با راهبرد کلان آمریکایی‌ها برای عراق و ایجاد آشوب و ناامنی گفت: «راهبرد کلانی که آمریکایی‌ها برای عراق در نظر گرفته‌اند، در

نهایت امر فدرالیسم و تجزیه این کشور است. در راستای تحقق این مسئله ناامنی به شکل گسترده‌ای در سطوح مختلف باید ایجاد شود. شاهد مثال این بحث نیز انتقال سرکردگان گروه تروریستی داعش از منطقه شرق فرات در سوریه به پایگاه «التنف» در نزدیک مرز سوریه با عراق چند روز قبل از انفجار بغداد است. آمریکایی‌ها با ایجاد ناامنی به شکل گسترده به دنبال اهداف خاصی هستند.» مسجیدی تصریح کرد: «آمریکایی‌ها ترجیح می‌دهند حضور غیرقانونی خود را در عراق به عنوان یک نیروی به اصطلاح ضدتروریسم و به محاق بردن مصوبه قانونی پارلمان عراق برای اخراج نیروهای آمریکایی از این کشور که امروز عزم جدی در بین مردم و مسئولان عراقی برای تحقق آن وجود دارد، موجه جلوه دهند.»

سفیر ایران در عراق در ادامه تصریح کرد: «واشنگتن در توجیه حضور خود در عراق به دنبال یک اهرم فشاری علیه دولت و گروه‌های مقاومت است.» وی هدف آمریکایی‌ها و اذتاب منطقه‌ای‌اش را ایجاد اختلافات داخلی در عراق دانست و افزود: «سناریوی مدنظر بر این اصل استوار است که جریان‌های سیاسی یکدیگر را متهم



عکس و مکث



انتقام حتمی است / پوستری که پایگاه خبری رهبر معظم انقلاب با اشاره به حتمی بودن انتقام از قاتلان و آمران شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی منتشر کرده است. پوستری که در آن ترامپ در ویلای شخصی خود مشغول گلف‌بازی است و سایه پیهپاد بالایی سراو دیده می‌شود. نکته‌ای که از دید رسانه‌ها مهم است، ترسی است که دیگر در همه جا بر سر ترامپ سایه انداخته است. انتقام حتمی هست و ترامپ این را می‌داند...



میراث ترامپ / نشریه تایم در شماره جدید خود با این تصویر جلد به وضعیت آشفته‌ای اشاره می‌کند که رئیس‌جمهور جدید آمریکا، جو بایدن با آن روبه‌رو شده است. انبوهی از خرابکاری‌هایی که ترامپ دیوانه به جای گذاشته است و حالا شاید در ظاهر بایدن در نقش فرشته نجات آمریکا می‌خواهد ظاهر شود؛ اما باید دید او می‌تواند تصویری واقعی را که ترامپ از درون وضعیت آمریکا به نمایش گذاشته است، دوباره بزرگ کند؟

مهدی سعیدی

کارشناس سیاسی



روزنامه «اعتماد» در گفت وگو با سعید حجاریان در موزات پروژه هراس افکنی با کلید واژه دولت نظامیان پرونده هجمه به شورای نگهبان را نیز باز کرده است تا بار دیگر شاهد سناریو تکراری این جریان برای انتخابات ۱۴۰۰ باشیم حجاریان در بخشی از کلامش در این مصاحبه مطرح می‌کند: «من می‌گویم ما اشتباه کردیم تن به نظارت استصوابی دادیم و از این به بعد نباید اشتباه‌مان را تکرار کنیم. اگر انتخابات نمایانگر اراده عمومی شهروندان است، باید مسئله نظارت استصوابی از یک طرف و شهروند درجه دوم و باقی سازوکارهای تبعیضی از طرف دیگر حل شود. صریح بگویم، نمی‌شود سرنوشت کشور را به تیغ استصواب سپرد.» حقیقت آن است که یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های جریان چپ با انتخابات در کشور مسئله نظارت بر انتخابات است. این جریان

گروه بین الملل

صبح صادق

ایرج مسجیدی، سفیر جمهوری اسلامی ایران در عراق با اشاره به حوادث اخیر بغداد که در نتیجه آن تعدادی از مردم عراق شهید و زخمی شدند، این اقدام جنایتکارانه را توطئه‌ای از سوی به وجود آوردگان گروه‌های تروریستی دانست.

ایرج مسجیدی، سفیر جمهوری اسلامی ایران در عراق در گفت‌وگوی اختصاصی با هفته‌نامه صبح صادق ابعاد اقدام تروریستی اخیر در بغداد را تشریح کرد و گفت: «آشوب، ترور و اقدامات تروریستی نشئت گرفته از مداخلات خارجی و منافع بازیگرانی است که به صورت غیرقانونی در این کشور حضور دارند. اقدامات تروریستی در عراق و عملیات انتحاری داعش در بغداد نمونه‌ای از ناامنی‌های جلوه داده شده از طرف بازیگران نیابتی در این کشور به نام گروه‌های تروریستی است. گروه‌هایی که هر از چندگاهی با اقدامات تروریستی‌شان سعی در ایجاد مشکلات امنیتی در عراق دارند.» وی افزود: «پروژه ناامن کردن عراق، همواره در دستور کار آمریکایی‌ها و اذتاب



عزم جزم ایران برای تولید واکسن/ عکس اول مربوط به ۹ روز قبل است و عکس دوم مربوط به ۴ بهمن است. کارخانه تولید واکسن کرونای ستاد اجرایی فرمان امام(ره) با مدیریت جهادی مجموعه عمرانی ستاد در حال ساخت است. ساخت این کارخانه با ۲۰۰۰ متر مربع «کلین روم» در کمتر از ۳ ماه یک رکورد است. ایران یکی از کشورهای پیشرو در تولید واکسن کروناست.



نماد خودباوری ایرانی/ بزرگ‌ترین پالایشگاه گاز خاورمیانه در شهرستان بهبهان افتتاح شد. شرکت پالایش گاز بید بلند خلیج فارس با هدف جمع‌آوری گازهای فلر افتتاح شده است. این طرح کمتر از ۳۶ ماه ساخته، تجهیز و آماده بهره‌برداری شد. پروژه گاز بید بلند خوراک پتروشیمی بندر امام و گچساران را نیز تأمین می‌کند و حجم تولید گاز خانگی با افتتاح این طرح بیشتر می‌شود.

تبیین

ریشه دغدغه معیشت



علیرضا جلالیان

روزنامه‌نگار

یکی از دغدغه‌های مهم رهبر معظم انقلاب معیشت مردم است. گرانی و مشکلات معیشتی از چالش‌های مهم این روزهای جامعه ایرانی است و مسئولان کشور بیش از هر زمان دیگر در این باره، نقش تعیین‌کننده‌ای را بر عهده دارند. در سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی خطاب به مسئولان کشور همواره معیشت مردم تأکید می‌شود؛ اما چرا ایشان روی مسئله اقتصاد و در حوزه اقتصاد در بحث تولید داخل تأکید دارند؟

برای واکاوی این موضوع لازم است سیره و روش زندگی ایشان را واکاوی کنیم. ایشان بر همان منش علوی در رابطه با حکومت‌داری عمل کرده و همواره سطح زندگی و معیشت خود را با سطح طبقات پایین مردم تطبیق داده‌اند؛ چیزی که در منش عمده مراجع تقلید و علمای بزرگ می‌بینیم. درباره امام خمینی (ره) هم همینطور بوده است و اصولاً هیچگاه هیچ فردی نمی‌تواند چنین در معادلات ابرقدرت‌های جهان اختلال ایجاد کند مگر اینکه ابرقدرت نفس را نابود کرده باشد.

ایشان تقریباً تنها چیزهای با ارزشی که در خانه دارند، همان کتاب‌هایی است که برای مطالعه دارند. تقریباً در دوره رهبری هیچ وسیله جدیدی به زندگی ایشان راه پیدا نکرده و با همان اسباب و وسایل که عمدتاً هم جهیزه همسرشان است، زندگی می‌کنند. در خصوص اطلاع از وضعیت مردم هم، چون همواره مایحتاج منزل و خانواده را خودشان تهیه کرده و فرزندان و نوه‌های ایشان هم بر همین سلوک ساده‌زیستی و با مردم بودن هستند، هر اتفاق معیشتی که گریبان مردم را بگیرد، گریبان ایشان و خانواده را هم می‌گیرد. در واقع پیگیری‌ها و دلسوزی‌های رهبر معظم انقلاب در خصوص اقتصاد و معیشت بخشی به دلیل همین درک عمیق و میدانی از وضعیت معیشتی است.

در حوزه تربیت فرزندان و کنترل آفازاده‌ها، ایشان به جرت موفق‌ترین مقام سیاسی طول تاریخ انقلاب هستند. اگرچه فرزندان ایشان توانایی علمی یا اجرایی برای قبول بسیاری از منصب‌های حکومتی یا علمی را دارند، اما با تأکید آقا و همراهی فرزندان هیچ گاه در چنین مسئولیت‌هایی قرار نمی‌گیرند.

اما دیگر اصل مهمی که رهبر معظم انقلاب برآن تأکید دارند، همسایه‌داری است. منطقه‌ای که در حال حاضر مجموعه دفتر رهبر انقلاب در آنجا قرار دارد، به علت تمهیدات امنیتی کمی رفست و آمد را برای مردم عادی سخت می‌کند، اما جالب این است که با وجود هر پروتکل امنیتی، آقا تأکید دارند که همسایه‌ها باید در کمال آرامش و امنیت باشند و حداقل مزاحمت هم برای‌شان ایجاد نشود. حتی در مراسم‌های ایام محرم و فاطمیه هم حضرت آقا تأکید دارند که نباید مراسم باعث مزاحمت در رفت و آمد و ایجاد سر و صدا برای همسایه‌ها باشد. البته یکی از مهمانان ویژه افطاری‌های رمضان رهبر معظم انقلاب نیز در روزهای آخر ماه مبارک رمضان، همسایه‌ها هستند.

با تمام این احوالات باید گفت، یکی از مهم‌ترین وجوه عظمت رهبر معظم انقلاب با مردم بودن، مردم‌داری و توجه به وضعیت مردم است، اگرچه برخی مسائل امنیتی سبب می‌شود که این ارتباط مستقیم و در بین مردم نباشد؛ اما از طرق مختلف و حتی با زندگی کردن شبیه مردم میسر شده است؛ موضوعی که شاید تا دیده نشود باور هم نخواهد شد.

واکاوی جنگ رسانه‌ای جبهه استکبار علیه رهبر معظم انقلاب در گفت‌وگوی صبح صادق با دکتر مهدی فضائلی

آقا هدف اصلی دشمنان شده است

گروه گزارش

صبح صادق

با پخش مستند «غیر رسمی» واکنش‌های زیادی از سوی افراد مختلف با گرایش‌های گوناگون از داخل و خارج به وجود آمد. پس از گذشت چند ساعت از پخش این مستند در گوشه و کنار انتقاداتی به پخش آن به واسطه نوع پرداختن به موضوع شد؛ اما عمده نظرات درباره این مستند مثبت بود. در این میان، خط تخریب بعد از یک روز آغاز شد و با یک حرکت رسانه‌ای سعی شد همه نکات مثبت مستند که بخشی از واقعیت‌های زندگی سیاسی و فرهنگی رهبر معظم انقلاب بود، نادیده گرفته شود. بر این اساس و مبتنی بر همین موضوع با مهدی فضائلی، کارشناس حوزه رسانه و عضو دفتر حفظ و نشر آثار رهبر معظم انقلاب گفت‌وگویی را ترتیب دادیم که خلاصه‌ای از آن را می‌خوانید.



عکس: حامد گودرزی

در ابتدا می‌خواهیم در حوزه تقابل رسانه‌ای استکبار با شخص رهبر معظم انقلاب یک تحلیل کوتاه از شما بشنویم.

نظام سلطه بر اساس تجربه‌ای که از دوران حضرت امام (رحل) (ره) داشت، بنایش بر این بود که دوران رهبری آقا را هر طور که شده، بایکوت کند و اجازه ندهد ایشان مطرح شوند و مردم دنیا ایشان را به منزله یک شخصیت تعیین‌کننده در معادلات بشناسند؛ چراکه در دوره امام (ره) این اتفاق افتاد و با وجود محدودیت‌های رسانه‌ای که در آن دوران بود، حضرت امام (ره) در سطح وسیعی شناخته شدند. البته رسانه‌های استکبار پیش از پیروزی انقلاب چون به تشکیل حکومت و پیروزی حضرت امام (ره) باور نداشتند، خیلی ایشان را مطرح کردند و امام یک شخصیت جهانی شناخته شده شد و تحریفات بعدی نتوانست به طور کامل مانع از شناخت مردم دنیا شود. به نظر بنده در مورد حضرت آقا هم تلاش کردند مردم دنیا با ایشان و افکارشان آشنا نشوند. البته تا سال ۱۳۸۸ که ماجرای فتنه را داشتیم و شرایط تغییر کرد. دشمن در جریان فتنه به اهمیت و نقش این جایگاه موضوعاً و مصداقاً بیش از گذشته پی برد؛ بنابراین، خیلی صریح و رو در رو در مقابل آقا قرار گرفتند و ناگزیر شدند که در سیاست خود تجدید نظر کنند.

این راهبرد و سیاست جدید چیست؟ چرا از فتنه سال ۱۳۸۸ این اتفاق افتاد؟

در فتنه سال ۱۳۸۸ به تعبیر آقا اینها نظام را تا لبه پر نگاه بردند و این تعبیر نشان از حجم و پیچیدگی آن طراحی دارد. خود مجموعه نظام سلطه هم اذعان داشت که این حرکت، یعنی فتنه تمام‌کننده است و واقعاً تنها سنگری که کشور را از لبه پر نگاه نجات داد، شخص رهبری بود. خیلی‌ها سنگرشان در ماجرای فتنه دیر یا زود فتح شد؛ ولی همان‌هایی هم که ثابت قدم ماندند، ثبات قدم‌شان مبتنی بر استحکام ستون و بنیانی به نام رهبری بود؛ آنها وقتی دیدند ایشان ایستاده، به پشت گرمی این ایستادگی آنها هم ایستادند.

اگر کوچک‌ترین تزلزلی در رفتار ایشان در آن دوران بود، حتماً سنگر این افراد هم فتح شده بود. ایشان مصداق آن «سکینه فی قلوب المؤمنین...» بودند. وقتی دشمن دید مهم‌ترین اقدامی را که می‌توانست بعد از انقلاب نظام را به پر نگاه برساند، انجام داده و رهبری مانع از تحقق اهداف آن شده، راهبردش را تغییر داد و راهبرد هجمه به سمت ستون و عمود خیمه کشور و انقلاب را برگزید، تا یا ایشان را از میدان به در کنند یا نگاه‌ها به ایشان را طوری کنند که اگر هم هست، دیگر نتواند آن کارکردها و اثرگذاری خودش را داشته باشد.

یعنی منشأ همه این تغییرات در راهبردهای دشمن را از ماجرای فتنه ۸۸ می‌دانید؟

نه از قبل هم زمینه‌هایی بود؛ ولی فتنه ۸۸ خیلی تعیین‌کننده بود؛ البته در فاصله نزدیکی پس از فتنه ۸۸ نیز اتفاقاتی در منطقه افتاد که این مسئله را تکمیل و تشدید کرد. سال ۱۳۸۸ مسئله داخل ایران بود، اما سال ۱۳۸۹ در مسائل منطقه‌ای و بیداری اسلامی و پس از آن هم بحران سوریه در به کارگیری این راهبرد از سوی دشمن بسیار مؤثر بود. یعنی بر اساس طراحی‌های دشمن، قرار بود انتساق بزرگی در منطقه بیفتد که هدف نهایی ایران و انقلاب اسلامی بود، این اقدام هم بسیار پیچیده و با طراحی گسترده‌ای بود. آنجا هم باز تنها کسی که ایستاد و جلوی آن حرکت عظیم براندازانه منطقه‌ای را گرفت، حضرت آقا بودند.

در ماجرای فتنه ۸۸ که داخلی بود، عده‌ای با آقا همراهی داشتند؛ اما در ماجرای سوریه تقریباً هیچ کسی با آقا همراهی نداشت؛ یک عده با صراحت و یک عده هم با ملاحظات مخالفت را بیان می‌کردند، ولی زمانی که آقا می‌فرمایند بروید در سوریه و هیچ نقطه امیدی وجود ندارد، عده‌ای به واسطه اطمینانی که به ایشان داشتند، وارد میدان شدند.

شنیدم جناب سیدحسن نصرالله در جایی گفته‌اند وقتی قرار شد حزب‌الله در ماجرای سوریه ورود مستقیم کند، از قول حضرت آقا نقل شد که ایشان وعده پیروزی داده‌اند. جناب سیدحسن فرماندهان حزب‌الله را جمع می‌کند که با آنها صحبت کرده و ورود حزب‌الله را مطرح کنند. ایشان آنجا با بچه‌های حزب‌الله درباره ورود به جنگ سوریه و پیروزی صحبت می‌کنند؛ در حالی که هیچ گشایشی آن موقع وجود نداشت و حتی امیدی به گشایش هم نبود، خودشان باور نداشتند صحنه سوریه مشمول ظفر و پیروزی باشد، چون حقیقتاً هیچ نشانه‌ای از پیروزی وجود نداشت. دشمن تا پشت کاخ اسد رسیده بود، دو سوم سوریه اشغال شده و وحشت همه جا را گرفته بود، ایشان گفت به واسطه اطمینان به وعده ولی امر و اطمینان قلبی به ایشان این مسئله را هم مطرح کردم و همه پای کار آمدند که بعداً که فتوحات در سوریه به آغاز می‌شود، وعده صادق حضرت آقا آشکار می‌شود.

لذا دشمن دید در آن صحنه هم کسی که معادلات را به هم زد، رهبری بود. برای این موضوع نکته‌ای هم از حاج‌قاسم سلیمانی دارم که عرض می‌کنم. لذا دشمن به این نتیجه رسید که این سنگر را باید حتماً آنقدر بزند که یا دیگر برخی مواضع را نگیرند و برخی اقدامات را نکنند یا اینکه نگاه‌ها را به ایشان تغییر دهند تا ایشان دایره نفوذ و میزان تأثیرگذاری‌هایش کاهش یابد. مسیر این راهبرد دشمن هم ایجاد شبهات، ابهامات و تردیدهایی است که برای دیگران به وجود می‌آورد؛ لذا هر حرکتی از سوی آقا انجام می‌شود، بدون استثنا ایشان مورد هجمه قرار می‌گیرند.

در رفتار سیاسی و رسانه‌ای جبهه استکبار و کفر می‌دیدیم که قبلاً نقاط ضعف ما را مورد هجمه و عملیات رسانه‌ای قرار می‌دادند و برجسته می‌کردند و نقطه قوت را مسکوت می‌گذاشتند. الان طوری شده است که حتی نقاط قوت را هم به نقاط ضعف تبدیل می‌کنند و اجازه نمی‌دهند حتی نقطه‌ای به واسطه سکوت و از کنار آن گذشتن به نقطه امید برای اندکی یا انبوهی از جمعیت تبدیل شود.

ذره بین

- ۱- آقا می‌فرمایند که در تبعیت از رهبری این بحث نیست که مثلاً باید سلاقی و تمایلات ما هم مانند سلاقی رهبری باشد. لازم نیست ما هر جایی خودمان را حتی با ذائقه آقا تطبیق دهیم. جایی امر و نهی است، مواضع اصولی و کلان است که باید کاملاً رعایت و تبعیت شود.
- ۲- اگر کوچک‌ترین تزلزلی در رفتار ایشان در آن دوران (فتنه ۸۸) بود، حتماً سنگر این افراد هم فتح شده بود. ایشان مصداق آن «سکینه فی قلوب المؤمنین...» بودند.
- ۳- فلسفه‌ای که دشمن به سراغ این راهبرد رفته، این است که این جایگاه نجات‌بخش برای کشور و برهم زنده برنامه‌های آنهاست. اینجاست که جمله معروف امام (ره) که فرمودند: «پشتیبان ولایت فقیه باشید تا به ممکلت آسیبی نرسد»، عملاً درک شده است.

من مسجل است، من در چند صحنه‌ای که خودم حضور داشتم از نحوه مواجهه حاج‌قاسم با آقا و متقابلاً آقا را دیدم، واقعاً متفاسوت بود. من نمونه دیگری سراغ ندارم، خیلی ویژه بود و ناشی از یک اتصالات درونی بین آقا و حاج‌قاسم بود. حاج‌قاسم در مصاحبه‌ای که با ایشان کردیم (تنها مصاحبه‌ای بود که در دوران فرماندهی نیروی قدس داشتند)، نکات مهمی گفت. البته برای ما هم عجیب بود که ایشان پذیرفتند مصاحبه کنند!

در این مصاحبه ایشان در یک قسمتی چیزی می‌گوید که خیلی به نظر من مهم است. می‌گوید: «در بیست سالی که در محضر آقا بودم، نتیجه تقوا را که حکمت می‌شود، در آقا به طور کامل دیده‌ام؛ در هر چیزی که ایشان شبیه می‌کنند مطمئن می‌شوم که در انتهای آن شبیه در می‌آید و بر هر چیزی که یقین می‌کنند، مطمئن می‌شوم موفقیت به دست می‌آید.»

این تقریباً عین قول حاج‌قاسم است.

این محصول ۲۰ سال مراده کسی مانند حاج‌قاسم با آقاقت. ایشان را یک حکیمی می‌داند که اگر در یک مسئله‌ای شبهه می‌کنند، واقعاً شبهه درست است و مسئله به نتیجه نمی‌رسد و وقتی مطمئن شوند هم حتماً به نتیجه می‌رسد.

این است که در آن وضعیت وقتی آقا به حاج‌قاسم می‌گویند برو به سوریه با آن مختصاتی که از سوریه گفتم، ایشان هم تردید نمی‌کند، چون به آقا یقین دارد و می‌داند به نتیجه و پیروزی می‌رسد. در ماجرای جدایی اقلیم کردستان، آقا حاج‌قاسم را صدا می‌کنند که سریع برود مسئله را خاتمه بدهد و همه کارهای دیگر را تعطیل کند، حاج‌قاسم همان شب می‌رود و در عرض ۷۲ ساعت بیشتر و کمتر ماجرای اقلیم را پایان می‌دهد و ورق بر می‌گردد. به این باور رسیدن خودش یک درجاتی از حکمت را می‌خواهد. خیلی‌ها مرید قلبی آقا هستند، اما هنوز به این باور نرسیده‌اند، این خودش یک رشد و بلوغ و تعالی روحی می‌خواهد.

حالا صحبت‌های آقا درباره امام (ره) را هم ببینید، همین تعبیر را آقا درباره امام (ره) دارند. می‌فرمایند که امام (ره) یک شخص حکیمی بودند و تعریف می‌کنند که یعنی چی؟ اینکه امام غیب نمی‌دانست و ادعای ما این نیست، امام حکمت داشت و این حکمت سبب می‌شد پشت صحنه را ببیند که این هم به دلیل همین صافی باطن و مبارزه با نفس، تقوا و تعالی روحی ایشان بود.

در واقع شما پاسخ پرسش قبلی را هم به صورت دیگری دارید می‌دهید.

بله در خصوص راهکار، اگر فقط همین مهم را دریافت کنیم که شخص حکیم در رأس نظام است و این شخص حکیم موضع‌گیری‌هایش رفتار، سکوت و حرکتش همه مبتنی بر حکمت است، مسئله حل می‌شود. البته در بسیاری موارد اگر وظایف رهبری را بدانیم و به وجه مختلف مسائل کشور آشنا باشیم و گرفتار حب و بغض‌ها نباشیم، می‌توانیم منطق رفتار حضرت آقا را درک کنیم و تبعیت ما صرفاً تبدی نباشد.

این همان بحث تبعیت محض است، درست است؟

برای اینکه شبهه نباشد این را هم عرض کنم. خود آقا هم می‌فرمایند که در تبعیت از رهبری این بحث نیست که مثلاً باید سلاقی و تمایلات ما هم مانند سلاقی رهبری باشد. لازم نیست ما هر جایی خودمان را حتی با ذائقه آقا تطبیق دهیم. جایی امر و نهی است، مواضع اصولی و کلان است که باید کاملاً رعایت و تبعیت شود. جایی هم هست که سلیقه است و ملزم نیستیم از سلیقه ایشان تبعیت کنیم؛ هر چند سلاقی و تمایلات ایشان هم انصافاً بسیار جذاب و دوست داشتنی است.

برای نمونه، در دوران امام می‌گفتند ایشان عطر «تی رُز» می‌زنند، خیلی از بچه حزب‌اللهی‌ها هم به خاطر همین «تی‌رز» می‌زدند که عطر خوش‌بویی هم بود! اما این تبعیت از امام (ره) نبود. کسی هم که بوی «تی رُز» را دوست نداشت، مخالف امام نبود! ممنونم از وقتی که در اختیار ما گذاشتید.

تنفس مصنوعی

هدف از عضویت رژیم صهیونیستی در سنتکام چیست؟



الله‌کرم مشتاقی

کارشناس بین‌الملل



ستاد فرماندهی مرکزی ایالات متحده آمریکا (سنتکام) که از فروردین ۱۳۹۸ از سوی ایران به عنوان گروه تروریستی به شمار می‌آید، یکی از شش ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح ایالات متحده آمریکاست که از اول ژانویه ۱۹۸۳ برای رصد و ایجاد میدان عملیاتی در منطقه غرب آسیا، خلیج فارس، آسیای میانه و منطقه شاخ آفریقا تأسیس شده است. هم اکنون ۲۷ کشور از مجمع جزایر سیشل در آفریقا تا قزاقستان در آسیای مرکزی در زیر مجموعه این مرکز قرار دارند.

در هنگام تأسیس این مرکز در دوران رونالد ریگان بنا به حساسیت‌های موجود، رژیم صهیونیستی در زیر مجموعه ستاد فرماندهی اروپایی ایالات متحده تعریف شد. آمریکا هر دو سال به تغییراتی در چنین کشورهای زیر مجموعه ستاد‌های شش‌گانه خود دست می‌زند. جابه‌جایی رژیم صهیونیستی از ستاد اروپا به ستاد مرکزی در ابتدا شاید مسئله‌ای بروکراتیک و معمول مانند بسیاری از تغییرات دیگر به شمار آید؛ اما با در کنار هم قرار دادن تحولات سیاسی، نظامی و امنیتی در چند سال اخیر در غرب آسیا روشن می‌شود که این تغییر، جزئی از جورچین آمریکایی- صهیونیستی است که مقامات واشنگتن به منظور تغییرات مورد نظر خود در غرب آسیا به انجام آن مبادرت کرده‌اند. در واقع می‌توان این حرکت را گامی دیگر از سوی محور غربی، عربی و عبری برای فشار به مقاومت که کانون آن در غرب آسیا قرار دارد، برشمرد. برخی از اندیشکده‌ها این تصمیم را در راستای تمرکز آمریکا در شرق آسیا و تمایل برای واگذاری اختیارات خود به رژیم صهیونیستی دانسته‌اند، اگر چه این تحلیل را نمی‌توان به‌صورت کامل رد کرد؛ اما از سوی دیگر نمی‌توان آن را به

عنوان دلیل محوری این جابه‌جایی لحاظ کرد. چه آنکه بنیاد یهودی امنیت ملی(JINSA) نیز دلیل عمده این جابه‌جایی را بخشی از توافق ابراهیم دانسته است. میک مولروی Mick Mulroy) نظامی ارشد آمریکا این جابه‌جایی را پاسخ به حساسیت‌های تل‌آویو نسبت به دشمن شماره یک رژیم صهیونیستی، یعنی ایران برشمرده است. از سوی دیگر، همان‌گونه که جنبش حماس در واکنش به این تصمیم، آن را از پیامدهای سازش حکام عرب با رژیم صهیونیستی دانست، این اتفاق را می‌توان در ادامه سلسله اقدامات رژیم آمریکا در راستای معامله قرن دانست.

معامله قرن یک معامله دو وجهی است که یک وجه آن تقویت جایگاه و امنیت رژیم صهیونیستی و وجه دوم آن تضعیف مقاومت است. تصویب انتقال سفارت آمریکا از تل‌آویو به بیت‌المقدس، ترغیب و اجبار کشورهای عربی برای ارتباط با رژیم صهیونیستی، به شهادت رساندن سردار سلیمانی و انتقال رژیم صهیونیستی از حوزه اروپا به غرب آسیا اقدامات متفاوتی است که در یک مسیر مشترک از سوی واشنگتن انجام می‌شود. همکاری‌های امنیتی-نظامی از دیگر اهداف دو وجهی این تغییر است، اگر چه آمریکا و رژیم صهیونیستی همکاری‌های گسترده امنیتی-نظامی داشته و دارند که نمونه اخیر آن مانور مشترک آنها در قالب مانور آذرخش سخت۳ (Enduring Lightning III) در اکتبر ۲۰۲۰ بوده است؛ اما واشنگتن تلاش دارد هر چه سریع‌تر ارتباطات امنیتی برخی از کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی را تعمیق ببخشد و از حالت نیمه پنهان به حالت آشکار در آورد تا به زعم خود به آرایش قوی‌تر متحدانش در مقابل ایران و محور مقاومت دست زده باشد، حال آنکه محور مقاومت با وجود فشارهای گسترده محور آمریکایی- صهیونیستی از پنج سال گذشته تاکنون در سراسر منطقه از یمن تا سوریه، لبنان، فلسطین و عراق به پیروزی‌های چشمگیری دست یافته است.

رزمایش اقتدار

پیام‌های رزمایش موشکی جمهوری اسلامی ایران



محمدصادق مصطفوی

کارشناس بین‌الملل

محدودیت‌های متعددی رویه‌رو خواهند شد؛ بـد تلاش دشمنان برای افزایش حضور نظامی در منطقه از جمله از طریق اعزام ناوهای جنگی و بمب‌افکن‌های راهبردی برای تغییر رفتار منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران با این اقدام سپاه پاسداران نه تنها خنثی خواهد شد؛ بلکه از حیـز انتفاع نیز ساقط شده و این پیام را به بازیگران معارض خواهد داد که ایران توان پاسخگویی به هر اقدام نظامی را در کوتاه‌ترین مدت و با شدیدترین شکل ممکن خواهد داشت؛ جـ با توجه به اهمیت تسلیحات موشکی برای سایر کشورها و گروه‌های محور مقاومت و پیوند تکنولوژیک برقرار شده در حوزه تسلیحات، این رزمایش نه تنها تقویت‌کننده جایگاه استراتژیک آنها در نگرش دشمن نسبت به توان اقدام متقابل آنها خواهد بود؛ بلکه در حوزه دیپلماسی نیز مقوم محور مقاومت است؛

د نکته مهم دیگری که تکمیل‌کننده بندهای فوق در تأمین منافع جمهوری اسلامی ایران و اثبات توان موشکی این کشور با اجرای رزمایش موشکی سپاه خواهد بود، به توان عملیاتی تسلیحات موشکی سپاه و به ویژه موشک‌های استفاده شده در این رزمایش بر می‌گردد که علاوه بر برد بالا، توان تخریبی گسترده و نقطه‌زنی ویژگی مهم تسلیحات عمل‌کننده مذکور سرعت بالای آنها و توان غافلگیری تجهیزات پدافندی دشمن و بی‌اثر ساختن آنهاست که از نکات مهم رزمایش موشکی سپاه است.

در آخر باید گفت، صحنه بین‌الملل بر اساس مناسباتی سامان‌یافته است که ذیل دکترین واقع‌گرایی و اصل منافع قابل تفسیر و بررسی است؛ از این رو کشوری در عرصه دیپلماسی موفق خواهد بود و کشوری خواهد توانست ضمن تأمین منافع تهدیدهای دشمنان را بی‌اثر کند که توان معتبرسازی تهدیدهای خود برای کشورهای متخاصم را داشته باشد، از این رو این اقدام سپاه پاسداران اهمیت دارد که به شکل راهبردی تأمین‌کننده این موضوع بسیار مهم است.

ابر قدرت موشکی

روزنامه جروزالم‌پست: تصاویر دریافتی از ایران نشان‌دهنده دقت و نقطه‌زنی موشک‌های ایران بود. ایران می‌خواهد نشان دهد یک ابرقدرت موشکی است. ایران در حال نشان دادن تسلیحاتی است که طی سال‌های اخیر و در زمان ریاست‌جمهوری «دونالد ترامپ» ساخته و دولت جدید آمریکا به ریاست «جو بایدن» را به نوعی با یک «عمل انجام‌شده موشکی عظیم» مواجه می‌کند.

اتحاد شکست خورده

جروزالم پست: باب‌المنذب، ورودی باریک دریای سرخ به خلیج عدن است و رژیم صهیونیستی، عربستان سعودی و امارات، برای این تنگه‌اهمیت راهبردی جهت تضمین دسترسی به اقیانوس هند و اطراف آن قائل هستند و از این رو همگان بر اینکه نباید گذاشت باب‌المنذب به دست نماینده ایران یعنی حوثی‌ها بیفتد، اتفاق نظر دارند.

هدف کاستن از اتکای عربستان به درآمدهای نفتی موسوم به برنامه Vision۲۰۳۰ است که همچنین شامل احداث یک شهر تفریحی بزرگ ۵۰۰ میلیارد دلاری (شهر نوم) با هدف رقابت با شهر دویبی به عنوان یک کانون گردشگری است.

تهدید از درون

اندیشکده بگین سادات: رژیم صهیونیستی با تهدیدهای عینی داخلی مواجه شده و به همین دلیل به ایجاد یک نیروی امنیتی قوی نیاز است. آنچه لازم است ایجاد یک نیروی امنیتی قابل توجه بر اساس نیروهای ذخیره و شاید تحت نظر فرماندهی جبهه داخلی یا پلیس مرزی است. این می‌تواند نوعی نگهبان شهری مشابه گارد ملی در ایالات متحده اما گسترش یافته، توانمند و حرفه‌ای‌تر باشد.

جهان

شماره ۹۸۶ | دوشنبه ۶ بهمن ۱۳۹۹

صداقت

پشت پرده اختلافات

میشل عون و سعد حریری

محمد رضا بلوردی

پژوهشگر مسائل منطقه



سه ماه از زمانی می‌گذرد که میشل عون، رئیس‌جمهور لبنان، پس از دیدار و رایزنی با گروه‌های سیاسی مختلف مجلس، سعد حریری، رئیس جریان المستقبل را مأمور تشکیل کابینه جدید لبنان کرد. این تصمیم حدود یک ماه پس از آن صورت گرفت که انفجار مهیب بندر بیروت سبب شد تا دولت حسان دیاب، نخست‌وزیر استعفا کند و رایزنی‌ها برای انتخاب نخست‌وزیر در نهایت به رئیس‌جریان المستقبل ختم شد که در وضعیت کنونی وظیفه‌ای دشوار برای این سیاستمدار ۵۰ ساله لبنانی به حساب می‌آید. کسی که پیشتر هم از سال ۲۰۱۶ رئیس دولت لبنان بود و در ژانویه ۲۰۲۰ زیر فشار افکار عمومی و اعتراضات سراسری علیه فساد و ناکارآمدی، از مقام خود کناره گرفت.

در چنین فضایی، با وجود اقداماتی که حریری دنبال می‌کند، او هنوز نتوانسته است در تشکیل دولت جدید لبنان توفیقی داشته باشد و به واسطه اختلافاتی که درباره چگونگی تشکیل دولت و نیروهایی که به کار گرفته می‌شود با رئیس‌جمهور پیدا کرده است، چشم‌انداز روشنی هم برای این موضوع دیده نمی‌شود. این در حالی است که در روزهای اخیر ویدئویی ناخواسته از مکالمات رد و بدل شده بین میشل عون و حسان دیاب از سوی مسئولان کاخ ریاست‌جمهوری لبنان منتشر شده است که در آن میشل عون، سعد حریری را افسردی دروغگو در امر تشکیل دولت معرفی می‌کند. در ادامه هم حریری در صفحه شخصی خود در توئیتر به اظهارات مطرح شده از سوی میشل عون واکنش نشان داد.

مجموعه این موارد نشان می‌دهد، با وجود وعده‌های سعد حریری برای تشکیل سریع دولت، اختلافات قدیمی بین گروه‌های سیاسی سبب شده است تا طبق معمول تصمیمات مهم مانند انتخاب رئیس‌جمهور، انتخاب نخست‌وزیر و تشکیل دولت، به کندی پیش رود. درباره چرایی اختلافات عون و حریری چند نکته قابل توجه است؛

۱- دو طرف در برنامه‌های سیاسی با یکدیگر اختلافات جدی دارند و هر یک در تلاش هستند تا گزینه‌های مورد نظر خود را در ساختار دولت جدید داشته باشند؛ از همین رو در مقابل یکدیگر کوتاه نمی‌آیند، هرچند برخی هم بر این باورند که جریان ملی آزاد (میشل عون و داماد او جبران بایل) به دنبال این است تا حریری را در تشکیل دولت ناکام بگذارد. ۲- باید مورد توجه قرار گیرد، بهره‌برداری سعد حریری از شرایط کنونی و اعمال نفوذی است که فرانسه پس از انفجار بندر بیروت، در لبنان دارد؛ حریری تلاش می‌کند تا حد امکان امتیازهایی را از میشل عون دریافت کند که به دست آوردن دو وزارتخانه دادگستری و کشور از آن جمله هستند.

۳- نکته دیگر که باعث شده تا چشم‌انداز تحولات لبنان روشن نباشد، به خروج دونالد ترامپ از کاخ سفید برمی‌گردد؛ کسی که مواضع تندی علیه مجموعه محور مقاومت و به طور مشخص حزب‌الله لبنان داشت. از همین‌رو، روی کار آمدن بایدن سبب شده است تا بازیگران داخلی لبنان در زمینه نقش‌هایی که می‌توانند ایفا کنند، تجدید نظر کنند.

یادداشت

سفته‌بازی و افزایش نرخ سود بانکی

رسول بخشی‌دستجردی

اقتصاددان

سؤالی که مدت‌هاست از اقتصاددانان به ویژه متخصصان مسائل پولی پرسیده می‌شود، این است که چگونه می‌توان جلوی رشد نقدینگی را گرفت؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت، دو عامل برای کنترل رشد نقدینگی باید مورد توجه قرار گیرد: عامل اول تقاضای مردم برای دریافت وام با بانک‌هاست؛ چرا که وقتی مردم برای اخذ وام به بانک مراجعه می‌کنند، نباید فکر کرد که بانک‌های ما سپرده‌های مردمی را به عنوان وام در اختیار متقاضیان قرار می‌دهند، چون این طور نیست که بانک‌ها واسطه بین مردم باشند و صرفاً از گروهی پول به عنوان سپرده گرفته و به عده دیگری وام دهند؛ بلکه بانک از هیچ پول خلق می‌کند که این مسئله سبب افزایش نقدینگی و تورم می‌شود.

دومین عاملی که باعث رشد نقدینگی می‌شود، نرخ سود سپرده‌های بانکی است. حدود ۸۵ درصد نقدینگی موجود در حساب‌های مدت‌دار، یعنی سپرده‌های بالای یک سال بوده و سود ۲۰ درصدی- حالا اندکی کمتر یا بیشتر- می‌گیرند، لذا برای کنترل نرخ رشد نقدینگی باید تمایل مردم به دریافت وام کمتر شود. همچنین نرخ سود سپرده بانکی نیز کاهش یابد و حتی به صفر برسد، اما قبل از اینکه نرخ سود سپرده‌های بانکی کاهش یابد، دولت باید جلوی سفته‌بازی را بگیرد؛ یعنی دولت باید روی سفته‌بازی در خانه، زمین، ارز، طلا و خودرو جریمه بگذارد و آن را ممنوع کند.

ضمن اینکه انجام این اقدامات نیازمند کارهای پیچیده نیست و ممنوعیت سفته‌بازی به فناوری خاصی نیاز ندارد؛ بلکه اراده دولت را می‌طلبد تا با تدوین و تصویب قوانین بازدارنده لازم در این مسیر حرکت کند؛ یعنی دولت می‌تواند با تصویب مقررات و قدرت اجرایی پشت آن، تا اندازه بسیار زیادی مانع سفته‌بازی شود، وقتی در این حوزه موفق شویم می‌توانیم نرخ سود سپرده‌های بانکی را نیز کاهش دهیم. ضمن اینکه وقتی موانعی برای سفته‌بازی ایجاد شد، تمایل مردم به دریافت وام از بانک نیز کم می‌شود.

درباره تصمیمات جدید دولت و مجلس در زمینه نرخ ارز در بودجه ۱۴۰۰ نیز باید گفت، بهتر بود مجلس به جای اینکه به دنبال تعیین قیمت جدیدی برای ارز باشد، بودجه ۱۴۰۰ را فقط برای دو ماه اول سال تصویب کند تا فعلاً و تا روی کار آمدن دولت جدید روند بودجه همچنان مانند سال ۱۳۹۹ بوده و در این مدت نرخ ارز کالا‌های اساسی نیز همان ۴۲۰۰ تومان باقی بماند. اگر هم تاکنون رانتی توزیع شده، در نهایت این دو سه ماه باقی مانده نیز همین روند تداوم داشته باشد اگر چه بدون شک حتی توزیع رانت برای یک روز بیشتر امری نکو‌هیده است؛ اما این امر مشروط بر آن است که مقررات لازم برای کنترل سفته‌بازی به سرعت تنظیم، تصویب و اجرا شود. اگر این موضوع عملی شده و دولت و مجلس با ابزارهای خود سفته‌بازی را مدیریت کنند، بدون شک وقتی وارد خرداد ماه می‌شویم نرخ رشد نقدینگی به شدت اکنون نخواهد بود.



علی اصغر ر حمان نژاد

خبرنگار

امروزه ایجاد و گسترش فعالیت بنگاه‌های کوچک و متوسط از نقش مهمی در تحرک اقتصادی کشورها برخوردار است. بنگاه‌های کوچک و متوسط، نهادهای محدود اقتصادی هستند که از طریق انباشت منابع مالی خرد و همچنین کارآفرینی و پیوند با صنایع، زمینه‌ساز توسعه اقتصادی کشورها هستند. در تعریف ارائه شده از سوی «بانک جهانی»، به واحدهای تولیدی و خدماتی، با حداکثر ۳۰۰ نیرو و نیز فروش سالانه کمتر از ۱۵ میلیون دلار، بنگاه‌های کوچک و متوسط می‌شود. البته تعریف این نوع بنگاه‌ها در کشورها و سازمان‌های مختلف جهانی متفاوت بوده و هنوز تعریف واحدی برای این نوع از واحدهای اقتصادی در سراسر دنیا وجود ندارد. در کشور ما نیز تاکنون تعاریف گوناگونی برای این بنگاه‌ها ارائه شده است؛ اما یکی از تعاریف رایج برای این بنگاه‌های مهم اقتصادی، تعریف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران است که براساس آن، واحدها بر حسب تعداد شاغلان تقسیم می‌شوند. در تعریف مذکور واحدی با کمتر از ۱۰ نیروی کار، یک بنگاه خرد است. همچنین واحدهایی با ۱۰ تا ۴۹ نیروی کار، بنگاه‌های کوچک بوده و واحدهایی با ۵۰ تا ۹۹ نیروی کار، بنگاه‌های متوسط هستند. بنگاه‌های کوچک و متوسط در قیاس با بنگاه‌های بزرگ اقتصادی نیازمند نیروی کار بیشتر و سرمایه کمتری هستند؛ به نحوی که در اصطلاح اقتصادی به بنگاه‌های بزرگ اقتصادی بنگاه‌های سرمایه‌بر نیز گفته می‌شود. در مقابل این بنگاه‌ها، بنگاه‌های خرد و متوسط هستند که بدون نیاز به فناوری‌های خاص و با سرمایه‌های عموماً کم، توانایی ایجاد اشتغال بالایی دارند. برای نمونه، ممکن است سرمایه‌گذاری یک میلیارد دلاری در صنعت فولاد کشور صرفاً چیزی حدود چند هزار شغل مستقیم ایجاد کند، اما زمانی که همین رقم در بنگاه‌های خرد سرمایه‌گذاری شود، بی‌شک میزان اشتغال ایجاد شده از آن چندین برابر خواهد بود. براساس نتایج مطالعات

مستقلی که طی چهار دهه اخیر در کشورهایی چون آمریکا، انگلستان، آلمان، فنلاند و کانادا انجام شده است، بنگاه‌های کوچک و متوسط با نیاز کمتر به سرمایه اولیه در مقایسه با بنگاه‌های بزرگ، قادر به ایجاد اشتغال و رشد کارآفرینی در سطح بالایی هستند. همچنین تجربه هندوستان در بهره‌گیری از این بنگاه‌ها در دوده اخیر، به منزله یک نمونه موفق در میان برخی کارشناسان اقتصادی جهان شناخته شده است. از این رو توجه سیاست‌گذاران اقتصادی کشورها طی دهه‌های اخیر به لزوم بهره‌گیری از ظرفیت بنگاه‌های کوچک و متوسط جلب شده است. در کشور ما نیز با توجه به ویژگی‌هایی چون سرمایه نه‌چندان زیاد برای راه‌اندازی و آمار مناسب اشتغال‌زایی، این نوع از بنگاه‌ها همواره مورد توجه فعالان اقتصادی بوده و براساس آمارهای بیش از ۸۰ درصد از تعداد بنگاه‌های صنعتی کشور را شامل می‌شوند. به تازگی مرکز آمار ایران، نتایج آمارگیری از کارگاه‌های صنعتی دارای ۱۰ نفر نیروی کار و بیشتر را منتشر کرده است. براساس گزارش این مرکز، در سال ۱۳۹۶ تعداد ۳۰ هزار و ۳۳۲ بنگاه کوچک و متوسط در کشور فعال بوده که با تعطیلی ۱ هزار و ۳۶۲ بنگاه (حدود ۳/۸ درصد) در سال ۱۳۹۷، این تعداد به ۲۹ هزار و ۱۷۰ واحد رسیده است. نتایج این گزارش نشان می‌دهد، نه تنها تاکنون حمایت لازم و کافی از این مدل از بنگاه‌های مهم تولیدی و خدماتی در کشور ما انجام نشده است؛ بلکه این مجموعه‌ها دچار مشکلاتی هستند که گاهی به ورشکستگی آنها و بیکاری نیروی کار آنها نیز منجر شده است. بی‌شک، بخشی از این مشکلات مربوط به ضعف‌های ساختاری اقتصاد ایران بوده و بخش دیگر به دلیل شرایط نه‌چندان مطلوب سال‌های اخیر اقتصاد کشور است؛ چرا که اقتصاد ایران در سال‌های اخیر با تحریم‌های خارجی و بی‌تدبیری‌های داخلی دست به گریبان بوده و در نتیجه به واحدهای کوچک تولیدی و خدماتی صدمات جبران‌ناپذیری وارد شده است. از سوی دیگر، رکود حاکم بر اقتصاد کشور نیز با شیوع ویروس کرونا، عمیق‌تر شده و این مسئله لزوم توجه و حمایت از تولید به خصوص در این فعالیت‌ها را صدچندان کرده است. براساس آمارهای بین‌المللی، در چند سال گذشته در کشور آلمان سهم بنگاه‌های کوچک و متوسط

در اشتغال ۷۹ درصد و سهم آنها در تولید ناخالص داخلی ۵۴ درصد بوده است. همچنین در کشوری مانند اندونزی سهم این بنگاه‌ها در اشتغال ۹۷ درصد و در تولید ناخالص داخلی ۵۸ درصد بوده است؛ اما در کشور ما بنگاه‌های کوچک و متوسط در حدود ۵۰ درصد از سهم اشتغال و تنها ۳۳ درصد از تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده‌اند. بی‌شک این آمار نه چندان مطلوب، نشان‌دهنده غفلت از ظرفیت عظیم این بنگاه‌ها در کمک به حرکت قطار اقتصادی کشور است. از این‌رو صبح صادق در جهت بررسی دقیق‌تر شرایط بنگاه‌های کوچک و متوسط کشور و فرصت‌ها و تهدیدهای پیش روی آنها با سهراب دل‌انگیزان، اقتصاددان و عضو هیئت علمی دانشگاه رازی کرمانشاه گفت‌وگو کرده است.

♦ مزایای فراوان بنگاه‌های کوچک

«سهراب دل‌انگیزان» اقتصاددان و عضو هیئت علمی دانشگاه رازی کرمانشاه در این زمینه معتقد است: بنگاه‌های کوچک و متوسط چند ویژگی اساسی دارند. میزان سرمایه‌بری پایین برای تأسیس، در کنار میزان اشتغال‌زایی بالای آنها دو مورد از ویژگی‌های مذکور است. هر دوی این موارد از نکات اساسی و مهم برای کشور ما هستند؛ چرا که ما در کشورمان اولاً دچار محدودیت منابع مالی و جذب سرمایه‌گذاری بوده و ثانیاً نیازمند یک اشتغال‌زایی پایدار و گسترده برای نیروی کار مازاد خود هستیم. بنابر این حرکت ما در جهت توجه به این بنگاه‌ها ضروری است. البته در حال حاضر نیز از نظر تعداد، بیش از ۸۰ درصد واحدهای اقتصادی فعال کشور ما در زمره بنگاه‌های کوچک و متوسط قرار می‌گیرند که این آمار، نشان‌دهنده حرکت ناخودآگاه اقتصاد ایران در این مسیر نجات‌بخش است. وی با اشاره به مزیت‌های این نوع از بنگاه‌داری، افزود: راه‌اندازی بنگاه‌های کوچک و متوسط بسیار سریع‌تر از نمونه‌های بزرگ آن است که این سرعت بالای راه‌اندازی به نتیجه‌گیری و تولید سریع‌تر می‌انجامد. مزیت مهم دیگر، سرعت بالای تغییر فناوری در این بنگاه‌هاست؛ یعنی بنگاه کوچک و متوسط قادر است با ورود فناوری سازگار، به سرعت خود را با آن وفق دهد و جریان تولید ادامه یابد. وی درباره مزیت قابل توجه دیگر بنگاه‌های کوچک و متوسط اظهار داشت:

مزیت دیگر بحث سهولت ارتباطات است. بنگاه‌های بزرگ به واسطه ماهیت خود، برای ارتباطات نیازمند یک سیستم دفتری هزینه‌بر و شبکه نمایندگی‌های گسترده هستند؛ اما چنین چیزی برای بنگاه‌های کوچک و متوسط هرگز لازم نیست. همچنین مزیت دیگر بنگاه‌های کوچک و متوسط، نیاز نداشتن به سطح بالای مهارت برای نیروی کار مورد نیاز آنهاست. این اقتصاددان در ادامه بیان داشت: متأسفانه ما در سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای کشورمان، نباید دچار افراط و تفریط شویم. بی‌شک توجه به بنگاه‌های کوچک و متوسط بسیار لازم و ضروری است؛ اما از بنگاه‌های بزرگ نیز نباید غافل شد. این دو در کنار یکدیگر سبب خروج اقتصاد از رکود شده و هیچ کدام جایگزین دیگری نیستند. بنگاه‌های بزرگ، کشور را در سطح جهانی قادر به رقابت کرده و بنگاه‌های کوچک و متوسط، عامل افزایش اشتغال‌زایی هستند. بنابراین هر کدام مزایای خود را دارند و در جایگاه خود نیازمند حمایت‌های دولت هستند.

سهراب دل‌انگیزان در بخش پایانی سخنان خود با اشاره به لزوم حمایت مسئولان در جهت تداوم حیات بنگاه‌های کوچک و متوسط، تصریح کرد: دولت باید کارهای مؤثری انجام دهد. در گام نخست، باید فعالیت این بنگاه‌ها را ارزان‌سازی کند. به بیان ساده‌تر، دولت باید هزینه‌های برخی از بخش‌ها چون فرآیند زنجیره تأمین، آموزش، حمل و نقل، تحقیق، فناوری و حضور در بازار فروش را برای این بنگاه‌ها کاهش دهد. همچنین دولت باید فرآیند این بنگاه‌ها را سریع‌سازی کند، چرا که متأسفانه برخی سازوکارهای معیوب دیوان‌سالاری، فعالان این بنگاه‌ها را پشت در ادارات نگاه داشته است. با این حال دولت با سرعت‌بخشی به فرآیندها و اصلاح روندهای غلط دیوان‌سالاری، قادر به یاری‌رسانی به تولیدکنندگان است. در کنار این مسائل، دولت نباید از بحث اعتمادسازی نیز غافل شود. دولت باید شرایطی ایجاد کند تا یک فضای اعتماد متقابل میان تولیدکننده و دولت به وجود بیاید. در آن صورت تولیدکننده مطمئن خواهد بود که صدای دادخواهی او شنیده شده و حقوق مالکیت او مورد پذیرش قرار می‌گیرد. نتیجه ایجاد این حس اعتماد، قرار گرفتن سرمایه‌های اجتماعی در خدمت تولید است.



افزوده

ابتکار منشأ سود

معنای لغوی و معنای فقهی کلمه مخاطره (ریسک)، بی‌پروایی، عدم اطمینان، تردید بین وجود و عدم، تقابل و تعادل است. نظریه اقتصاد لیبرالی به جایگاه حقوقی تجویز استحقاق کارفرما (مدیر) برای سود در برابر ریسک اشاره دارد و ریسک را مجوز اصلی استحقاق سود و ایجاد آن قرار داده است. در واقع بر این اساس تا ریسک رخ ندهد، سود محقق نخواهد شد. طبق نظر شومپتر، ابتکار که ماهیت نوآورانه و ریسکی دارد، منشأ سود است. برخی از نظریه‌پردازان رشد عوامل تخلف (محقق نشدن رشد) را به کمی درجه‌آمدگی تحمل ریسک و کمی انگیزه سود و قلت تعداد کارفرمایان ریسک‌پذیر در کشورهای توسعه‌نیافته نسبت داده‌اند.



شاخص

پایان انحصار سوئفیت

به گزارش اسپوتنیک، «لیو شیائوچن» معاون مؤسسه تحقیقات اقتصادی شانگهای معتقد است، پکن باید به دنبال ایجاد جایگزینی برای شبکه سوئفیت باشد تا بتواند از خود در برابر تحریم‌های آمریکا حفاظت کند. وی طی سخنانی در یک اندیشکده اقتصادی به نام «مجمع اقتصادی چین» که متشکل از کارشناسان و مقامات ارشد اقتصادی چین است، گفت: ایجاد یک جایگزین برای نظام مالی جهانی که تحت سلطه آمریکاست سخت است، اما امضای توافق شرکت اقتصادی جامع منطقه‌ای که بزرگ‌ترین قرارداد تجارت آزاد در جهان به شمار می‌رود و آمریکا بخشی از این توافق نیست، فرصت‌های جدیدی را ارائه می‌دهد.



منهای نفت

حذف فعالانه

مؤثرترین و پایدارترین راه مقابله با استفاده از اهرم نفت علیه ایران، اداره ارادی کشور بدون نفت است. برنامه اداره کشور بدون نفت، از دو بخش تشکیل می‌شود: بخش اول، برنامه ارادی و فعالانه برای صفر کردن منابع نفتی از بودجه عمومی دولت (نه صفر کردن صادرات آن) و بخش دوم، برنامه لازم برای خنثی کردن اثرات کاهش احتمالی تحمیلی صادرات نفت-ولو تا مرز فرضی صفر- در تراز پرداخت‌ها و بازارهای مرتبط. در واقع باید اقتصاد را بدون اینکه پایداری خود را از دست دهد، وارد مرحله‌ای جدید از بودجه‌ریزی بدون اتکا به منابع استخراجی کرد.



شیعه بودن ما، از ادعا تا عمل

گفتاری از حجت‌الاسلام والمسلمین مرتضی آقانه‌رانی

اینکه حضرت سجاده(ع) خود را با امام علی(ع) مقایسه می‌کند، نشان‌دهنده این مطلب است که باید حضرت امیر(ع)، میزان اعمال قرار گیرد. حال بنگریم که کجاییم؟ با دورکعت نماز مغرور می‌شویم وگاه حال انجام آن را نداریم وبا کسالت بجا می‌آوریم! «چون به نماز ایستند با کسالت برخیزند، با مردم ریا می‌کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی‌کنند.»(نساء/ ۱۴۲) این چگونه عبادتی است؟ مبدا این‌گونه باشیم.

آیا این ادعای ما که شیعه علی(ع) هستیم، با اعمال ما تناسب دارد؟ آیا یک درصد به آن بزرگوار نزدیک هستیم؟ اگر مقایسه کنیم نتیجه آن تنها و تنها شرمندگی است. فردای قیامت امیرالمؤمنین(ع) نزد خدا خجالت می‌کشد که این شخص از امت من است و چنین کرده است و شاید بگوید: آیا من چنین عمل



سیدحسین خاتمی خوانساری

دبیر گروه معارف



پس از غزوه «سویق» بود که به رسول خدا(ص) اطلاع دادند گروهی از «غطفان» قصد دارند در اطراف مدینه به آشوب و بلوا دست بزنند. پیامبر(ص) به اتفاق ۴۵۰ نفر برای مقابله با این جماعت حرکت کردند.

شورش‌ی‌ها از ترس لشکر اسلام به کوه‌های مدینه پناه بردند. در آن هنگام بارانی بارید و لباس‌های پیامبر(ص) تر شد. ایشان از جمع جدا شدند و لباس‌های خود را بیرون آورده و بالای درختی انداختند تا خشک شود و خودشان هم در زیر درخت استراحت کردند. در این هنگام اعرابی که از دور ناظر این جریان بودند، به رئیس خود «دعثور» که بسیار شجاع و بی‌پاک بود، گفتند: «این محمد است که اکنون از اصحاب خود دور افتاده و در اینجا راحت نشسته است، اینک تو می‌توانی او را بکشی.»

دعثور نیز بلافاصله شمشیر برداشت و به‌طرف پیامبر(ص) آمد و بالای سر آن جناب ایستاد و گفت: «یا محمد! چه کسی امروز قادر است مرا از کشتن تو بازدارد؟» حضرت فرمودند: «خداوند»؛ در این هنگام جبرئیل ضربتی به سینه او نواخت و

شمشیر از دستش رهاشد، پیغمبر(ص) بلافاصله شمشیر را برداشتند و فرمودند: «چه کسی قادر است از کشتن تو جلوگیری کند؟» دعثور عرض کرد: «هیچ‌کس قدرت ندارد مرا از دست شما نجات دهد.» دعثور با دیدن عظمت پیامبر(ص) کلمه شهادتین را بر زبان جاری کرد و گفت: «به خدا قسم من پس از این بر ضدّ شما مردم را جمع نخواهم کرد.» پیغمبر(ص) پس از این جریان شمشیر او را پس داد و از آن محل دور شد، دعثور بعد از دیدن رفتار کریمانه پیامبر(ص) خوشاوندان خود را به‌طرف اسلام دعوت کرد و این آیه شریفه در این مورد نازل شد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هُمْ قَوْمٌ أَنْ يَسْطُورُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نعمت خدا را بر خویشان، به یاد آورید؛ آن زمان که گروهی [از دشمنان]، قصد داشتند دست به‌سوی شما دراز کنند [و شما را از میان بردارند] اما خدا دست‌شان را از شما کوتاه کرد. از [مخالفت فرمان] خدا بپرهیزید و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند. (مانده/۱۱)

توکل به خداوند اگر با تمام وجود باشد، چه در تنگناها و چه در گشایش‌ها. خداوند حاضر است فرشتگان را به کمک مؤمنان بفرستد تا آنان را از گرفتاری‌ها نجات دهد؛ اما اگر بخواهیم همراه با غرور و تکبر و خودبرتربینی با مشکلات

مواجه شویم و خودمان را قهرمان میدان مبارزه بدانیم، مطمئناً خداوند ما را همراهی نمی‌کند و با چیزی جز شکست مواجه نخواهیم شد. معمولاً انسان‌ها در موفقیت‌های خود خدا را فراموش می‌کنند و به قوت خودشان می‌بالند، در حالی که خداوند تنها عامل هر موفقیتی است.

اخلاق به ما توصیه می‌کند که به یاد نعمات خداوند باشیم و در هر محفل و مجلس آن را یاد کنیم. اینکه همه خوبی‌ها و پیروزی‌ها را از ناحیه خدا بدانیم، سبب جاری شدن نعمت‌ها به سمت ما می‌شود. نکته دیگری که در رفتار رسول خدا(ص) دیده شد، این بود که ایشان قدرت خداوند را تنها قدرت برای دفع شرّ و گرفتاری می‌دانستند و آن را نیز به ما یادآوری فرمودند. در روایات و ادعیه هر جا که می‌بینیم ائمه اطهار(ع) از دفع شر و رفع بلاها و گرفتاری‌ها سخن گفته‌اند، تنها به قدرت بی‌نهایت خداوند اشاره شده و تنها نجات‌دهنده را خدا معرفی کرده است.

برای نمونه، امام رضا(ع) می‌فرماید: «هرکس بگوید «لا حول و لا قوة الا بالله» خداوند ۹۹ بلا را از وی دفع می‌کند که آسان‌ترین آن خفگی و نفس تنگی است.» (مکارم‌الاخلاق، ص ۳۶۰) همچنین در حرز امام جواد(ع) آمده است: «یا نوُرُ یا بُرْهانُ یا مُبینُ یا مُنیرُ یا رَبُّ اَکْثَنِی السُّرُورَ وَاَقَابَ الدُّهُورَ وَاَسْتَلْکَ النُّجَاةَ یَوْمَ یُنْفَخُ فِی الصُّور.»؛

که انسان اندکی به خود آید. اندکی کارهای خود را برانداز کنیم، ببینیم آیا خدا بدان راضی است؟ اگر گناهی را مرتکب می‌شویم و نمی‌توانیم به یک‌باره آن را رها کنیم، سعی کنیم حداقل کمتر آن را انجام دهیم تا آرام آرام بتوانیم آن را ترک کنیم. حیف است که در دل امام زمان(ع) جایی نداشته باشیم.

امام هفتم(ع) می‌فرمود: «در عرفات پیوسته علی بن یقطین به ذهنم می‌آمد و از ظهر عرفات تا غروب، متصل به او دعا می‌کردم.» ای کاش لحظه‌ای در دل امام عصر(ع) باشیم و ایشان برای‌مان دعا کنند. در این‌صورت، اگر ما را به جهنم هم ببرند، برای‌مان بهشت است، چون او به یاد ماست. هرچند چنین کسی را به جهنم نخواهند برد، چراکه محبت حقیقی، اطاعت می‌آورد و اطاعت هم باعث نجات است. رفاقت با خداوند، بسیار لذت‌بخش است.

ای نور و ای دلیل روشن و ای آشکارکننده ای نوربخش پروردگار کفایتیم کن از شرور و آفات روزگار و از تو خواهم رهایی را در روزی که دمیده شود در صورت؛ (مفاتیح‌الجنان) کسی که در دفع شرور و گرفتاری کافی است، خداوند است. یکی از تأکیدات ائمه طاهرین(ع) و سفارشات ایشان، دور ماندن از شرور آخرالزمان است. در بیشتر روایات از این شرور به عنوان فتنه یاد شده و دستورات زیادی برای در امان ماندن از آن به دست ما رسیده است که در میان آنها اول توکل به خداوند و دوم معرفت و شناخت پیدا کردن به دین و ائمه معصوم(ع) است.

شناخت کافی از دین راه را برای مؤمنان روشن می‌کند تا از گرفتاری‌ها هر عصری نجات پیدا کنند و دیگر انسان‌ها را نیز نجات دهند. حضرت مهدی(عج) به سیدبن طاووس خواندن دعایی را توصیه می‌فرماید که در آن از خداوند معرفت می‌خواهیم برای استحکام قلب و ایمان در گرفتاری‌های بزرگ زندگی مان؛ آن‌دعا این است: «اللَّهُمَّ اَنْتَ عَرَفْتَنِي نَفْسِكَ وَ عَرَفْتَنِي رَسُوْلَكَ وَ عَرَفْتَنِي مَلَا ئِكَتَكَ وَ عَرَفْتَنِي نَبِيَّكَ وَ عَرَفْتَنِي وُلَاةَ اَمْرِكَ اللَّهُمَّ لَا اَخْذُ اِلَّا مَا اَعْطَيْتَ وَ لَا اُوْقِي اِلَّا مَا وَقَيْتَ اللَّهُمَّ لَا تُعَيِّبُنِي عَنْ مَنَازِلِ اَوْلِيَايَكَ وَ لَا تُرِغْ قَلْبِي بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنِي اللَّهُمَّ اهْدِنِي لِوَلَايَةِ مَنْ افْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ.»

راهنا

الگوی تحول

حجت‌الاسلام والمسلمین نجارزادگان نویسنده و استاد دانشگاه با بیان اینکه مهم‌ترین راهکار قرآن برای ایجاد انگیزش، انذار و تشبیر است اظهار داشت، قرآن فرموده است که رسالت این کتاب، بشارت و انذار است و حتی انبیاء به عنوان مبشر و منذر ارسال شده‌اند. قرآن از گروهی دعوت به تفقه در دین می‌کند تا بروند و مردم را انذار کنند. اگر کسی بخواهد از قرآن برای تحول الگو بگیرد، باید بیشترین سرمایه‌گذاری را روی مباحث انگیزشی داشته باشد و نه بینشی؛ ما می‌دانیم خدا دوست دارد نماز اول وقت بخوانیم؛ ما می‌دانیم خدا دزدی، گران‌فروشی، دروغ و... را دوست ندارد، ولی آنچه اهمیت دارد، انگیزه فعل است.



حکمت

معنای حریم خصوصی

پرسش: منظور از حریم خصوصی که ورود در آن بدون اذن افراد جایز نیست، کدام است؟

پاسخ: مراد از حریم خصوصی مجموعه‌ای از گفتار، کردار و زندگی شخصی افراد است که آن را در یک چهار دیواری محصور قرار می‌دهند و راضی به ورود دیگران در این حیطه نیستند، جز به اذن و اجازه خود.

برگرفته از کتاب احکام هدایت سیاسی براساس فتاوی رهبر معظم انقلاب



دین

شماره ۹۸۶ | دوشنبه ۶ بهمن ۱۳۹۹

صداقت

آیه

به خبر فاسقان اعتماد نکنیم

محمدرضا قضایی

کارشناس علوم اسلامی

زندگی بشریت بر روی کره خاکی با دو جمله رشد کرد و مرفقی شد: «فکر کردن» و «انتقال تفکرات»؛ در زمینه موضوع اول در قرآن آیات زیادی وجود دارد که به‌طور صریح انسان‌ها را به تفکر و اندیشه توصیه می‌کند، اما در مورد دوم هم مستقیم و غیرمستقیم و از فحوای آیات می‌توان به لزوم اطلاع‌رسانی و انتقال افکار و اخبار رسید. یکی از آیاتی که علما هم بحث‌های بسیار زیادی در مورد آن دارند، آیه «نبأ» است. خداوند

در سوره حجرات آیه ۶ می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِبَهْأَةٍ فَتُصْيبُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ تَادِيبِينَ»؛ ای اهل ایمان! اگر فاسقی خبری برای‌تان آورد، خبرش را بررسی و تحقیق کنید تا مبادا از روی ناآگاهی، گروهی را آسیب و گزند رسانید و بر کرده خود پشیمان شوید. اگرچه علمای اصولی شیعه بر روی راستی آزمایی در مورد «خبر واحد» و انواع خبرها بحث کرده‌اند، اما از هویت خود خبر و خبررسانی نیز غافل نبوده‌اند. انسان‌ها هر روز با اخبار متعددی مواجه می‌شوند که به آسانی از کنار آن می‌گذرند و لزومی نمی‌بینند در مورد صحت آن تحقیق کنند، مگر اینکه خبر خاصی باشد. شأن نزول این آیه ماجرای جالبی دارد. «شیخ طوسی» می‌فرماید:

«ابن عباس و مجاهد و یزید بن رومان و قتاده و ابن ابی لیلی گویند: این آیه درباره «ولید بن عقبه» نازل گردیده هنگامی که رسول خدا(ص) او را برای گرفتن زکات از طایفه بنی‌المصطلق فرستاده بود. طایفه مزبور به عنوان احترام و استقبال از نماینده پیامبر(ص) بسرای گرفتن زکات از محل خود بیرون آمده بودند. ولید که قبل از اسلام با آنان اختلافات شخصی داشت، تصور کرد آنان خیال کشتن او را دارند. لذا مراجعت کرد و نزد پیامبر(ص) آمد و گفت: «یا رسول الله طائفه بنی‌المصطلق از دادن زکات امتناع ورزیده‌اند.» در صورتی که چنین نبوده است. خداوند مسلمانان را به تحقیق

در مورد اخبار مهم به ویژه اخباری که از انسان‌های فاسق شنیده می‌شود، امر فرموده است. حساسیت بالای مؤمنان بر روی شنیده‌ها نشان از تقوای آنان دارد و هر چه به شنیده‌ها تکیه شود، از تقوای الهی و اجرای دستور خداوند فاصله گرفته می‌شود. حال سؤال این است که در کجا باید تحقیق شود و در کجا نباید بشود؟ اولاً در اخباری که می‌تواند آبرو، جان و مال افراد یا گروهی را تهدید کند، باید تحقیق شود؛ وگرنه هر خبری شامل تحقیق نمی‌شود. ثانیاً در حوزه مسائل شخصی افراد نباید جست‌وجو کنیم و برعکس در این محل باید اخبار را نشنویم و در مورد صحت آن تحقیق نکنیم. این تحقیقات فقط در موضوع اخبار نیست، بلکه در هر موضوعی که نیاز است، باید تحقیق صورت بگیرد. خداوند در آیه ۹۴ سوره نساء می‌فرماید: «هر گاه در راه خدا گام بر می‌دارید و سفر می‌کنید، تحقیق و بررسی کنید و به کسی که اظهار ایمان می‌کند نگویند تو مؤمن نیستی.» در عصر کنونی نقل و انتقال تفکرات، اندیشه‌ها و اخبار بسیار زیاد است، اما دقت برای پیدا کردن صحت اخبار کمتر از قبل شده است. یکی از آسیب‌های گسترش امکانات خبری، انفجار اخبار جعلی و زودباور شدن انسان‌هاست و تنها متقیان و محققان هستند که در این چاه ویل نمی‌افتند.

پرونده
شماره ۱۹۸۶ / دوشنبه ۶ بهمن ۱۳۹۹
مسابق پیشرفت-۲
مالزی مسیر توسعه را چگونه طی کرد؟

پیش درآمد

 	
الگوی پیشرفت مالزی	
در ایران هم قابل اجراست؟	
برای استفاده از تجربیات توسعه‌ای می‌توان از مدل‌های کشورهای مختلف استفاده کرد؛ گاهی اوقات برخی بحث‌ها در همه کشورهای افراطی می‌شود؛ زمانی می‌گفتند الگوبرداری توسعه از کشورهای پیشرفته، اشتباه است. این تئوری‌ها به عبارتی کشورهای اطراف مالزی همگی یک دوره‌ای از رشد و شکوفایی را توأم با هم پیش گرفته‌اند و به توسعه اقتصادی رسیدند. متأسفانه، محیط اطراف ایران از لحاظ همسایگان، محیط مطلوبی برای رشد نیست. کشورهای اطراف مالزی مانند سنگاپور، اندونزی، فیلیپین، تایلند و چین کشورهای همستد که همگی در پی رشد و توسعه اقتصادی هستند. اینطور نیست که کشورهای اطراف ایران به دنبال پیشرفت اقتصادی باشند، اما متأسفانه در فغدغه‌های سیاسی-امنیتی گیر افتاده‌اند؛ در حالی که محیط منطقه مالزی یک محیط اقتصادی-تکنولوژیک بوده و هست. مؤلفه دیگر این است که ایران منابع نفتی بیشتری از کشور مالزی دارد و همین امر سبب شکل‌گیری اقتصاد زائتی شده است؛ یعنی با فروش نفت امر جاره به مملکت اداره می‌شود، اما با توجه به اینکه مالزی به اندازه ما منابع نفتی ندارد، ناچار است برای اداره امور کشور خود، کار تولید کند و خلافتی به خرج دهد. مقوله دیگر مربوط به فرهنگ است؛ در فرهنگ منطقه شرق آسیا نظم و انضباط کاری و وجدان کاری زیاد است، اما در فرهنگ رایج معمول ایران، نظم و انضباط کاری کمتر است. مؤلفه دیگر بحث شفافیت است؛ البته به تازگی در مالزی فساد زیاد شده است، اما زمانی که رشد و توسعه در مالزی شروع شد، زمامداران مالزی شفافیت و رشد و توسعه را از خود شروع کرده و آلودگی‌های اقتصادی و مالی را از خود پاک کردند. مالزی با توجه به اینکه با محیط بی‌الملل روابط خوبی دارد، اما استقلال خود را حفظ کرده و هیچ که توسعه مالزی با استقلالش منافات نداشته است. استقلال به معنای مداخله سیاسی-سیاسیم، حکومت‌ها اقتدارگرا هستند و اقتصاد، آزاد است. مالزی پیشتر یک الگوی توسعه مبتنی بر سرمایه‌داری مدل ژاپن است. اگر قرار باشد که ایران الگوی را جهت پیشرفت اتخاذ کند، می‌تواند مستقیم از ژاپن پیشرفت‌اتخاذ کند، چراکه مالزی، سنگاپور و اندونزی در قیاس با ما پیشرفته هستند و در قیاس با دیگران خیلی پیشرفت‌نیستند.	
 	

 	
دبیر گروه پرونده: متین معجوب	
مصابحه و گزارش: ژهرا ظهورند	



نسخه پیشرفت-۲

۱ تکیه بر توان داخلی با نگاه به شرق

مرتضی ایمانی‌راد در کتاب «مدیریت توسعه مالزی» می‌نویسد: «مالزی در جنوب شرق آسیا واقع شده و از دو قسمت کاملاً مجزا تشکیل شده است. کشور مالزی همانند دیگر کشورهای جنوب شرقی آسیا دارای نژادهای مختلف است. در قرن پانزده میلادی با ورود اسلام به این کشور تحول جدیدی آغاز می‌شود، همچنین یکی از غنی‌ترین کشورها از نظر منابع طبیعی در آسیای جنوب شرقی است. از قبل از سال ۱۹۸۰ میلادی بیش از ۵۰ درصد از مردم این کشور فقیر بودند و البته از سال ۱۹۶۳ دولت در این کشور شکل می‌گیرد و ایالت‌های مختلف تحت یک حکومت مرکزی ملی قرار می‌گیرند.» مشرق در مطلبی می‌نویسد: بحران اقتصادی در سال ۱۹۹۷ میلادی در نتیجه خروج سرمایه‌داران آمریکایی و صهیونیستی از تایلند آغاز شد و در کره جنوبی، اندونزی و مالزی منتشر گردید. این مورد در ایران هم خیلی رواج پیدا کرد؛ زیرا آمری می‌خواستیم از مدل توسعه غربی استفاده کنیم، اما این نکته را باید مد نظر داشت که وقتی مدل کشورهای توسعه‌ای توسعه‌ای شرق آسیا الگو قرار می‌گیرد، این مدل چیزی جز مدل سرمایه‌دارانه نیست. سرمایه‌داری سه الگو دارد که یک مدل آن آمریکایی، مدل دیگر ژاپنی و مدل سوم الگوی اروپایی است.

کشورهای آسیای جنوب شرقی سعی کردند الگوی سرمایه‌داری ژاپن را اتخاذ کنند که در این الگو، دست دولت برای مداخله در اقتصاد خیلی بسته نیست؛ در حالی که در الگوی سرمایه‌داری دیگر آمریکا که شناید به نوعی افراطی‌ترین نوع مدل سرمایه‌داری در آن حاکم است، سود حرف اصلی را می‌زند؛ در این مدل دولت و به خصوص وقتی جمهوری‌خواهان و ترامپ بر سر کار بود، دولت مطلقاً حق مداخله در اقتصاد را نداشت و در حد کمی می‌توانست به نفع طبقات فقیر مداخله کند. در مدل الگوی سرمایه‌داری اروپایی به ویژه کشورهای که سوسیال دموکرات هستند، دولت این امکان را به سرمایه‌داری می‌دهد که به سمت جلو حرکت کند، اما در عین حال که نگرش‌های سوسیالیستی دارد یک نوع بازگشت به سمت طبقات محروم هم دارد و دولت به آنها کمک می‌کند تا آنها بتوانند روی پای خود بایستند و به سمت جلو حرکت کنند. کشور مالزی، الگوی سرمایه‌داری ژاپنی را اتخاذ کرد؛ الگوهای مارکسیستی از بین رفته و دیگر جواب نمی‌دهد و الآن الگوهای توسعه‌ای مانند چین وجود دارد که سوسیالیسم با طعم یا مشخصات چینی خوانده می‌شود که در این سوسیالیسم، حکومت‌ها اقتدارگرا هستند و اقتصاد، آزاد است. مالزی پیشتر یک الگوی توسعه مبتنی بر سرمایه‌داری مدل ژاپن است. اگر قرار باشد که ایران الگوی را جهت پیشرفت اتخاذ کند، می‌تواند مستقیم از ژاپن پیشرفت‌اتخاذ کند، چراکه مالزی، سنگاپور و اندونزی در قیاس با ما پیشرفته هستند و در قیاس با دیگران خیلی پیشرفت‌نیستند.

علی‌اکبر نیکوایپاوهوشگر و استاد دانشگاه در گفت‌وگو با صبح صادق ضمن اشاره به فقیر بودن کشور مالزی در نیم قرن پیش گفت: در حدود ۴۰ تا ۵۰ سال پیش، مالزی جز فقیرترین کشورهای دنیا بود. در آن زمان حدود ۵۵ درصد مردم مالزی فقیر بودند؛ در حالی که الآن فقر را به ۵ درصد رسانده‌اند. الگوی موفقیت اجتماعی و اقتصادی کشور مسلمان مالزی می‌تواند مورد توجه هر کشوری از جمله کشور ما نیز قرار گیرد؛ مالزی کشوری چند فرهنگی است؛ یعنی ۴۰ درصد آن مسلمان هستند؛ ولی از سایر ملل همچون چین و هند نیز در این کشور حضور دارند. وی افزود: گذشته از حضور اقوام مختلفی که در مالزی زندگی می‌کنند، این کشور در نیم قرن پیش تحت مستعمره انگلیسی نیز بود. طبیعی است که پیشرفت اقتصادی وقتی میسر می‌شود که تقدم اهداف اجتماعی و فرهنگی مانند صلح و امنیت اجتماعی حفظ شود. به عبارتی تا صلح داخلی و امنیت اجتماعی و فرهنگی یا هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در کشوری وجود نداشته باشد، غیر ممکن است یا به سختی ممکن است که آن کشور بتواند قدم‌های مداومی برای رشد و پیشرفت اقتصادی بردارد. در واقع توسعه اقتصادی مانند رشد، رفاه و عدالت اجتماعی با صلح و امنیت اجتماعی و فرهنگی شروع می‌شود. این استاد دانشگاه اظهار کرد: اجزایی از توسعه، همین توسعه اجتماعی، فرهنگی، امنیتی و سیاسی است که ابتدا پیش زمینه‌های رشد و پیشرفت اقتصادی هستند. اگر صلح اجتماعی وجود نداشته باشد و قبایل یا عشیره‌های موجود در یک کشور با همدیگر در حال ستیز و جنگ باشند، غیر ممکن است یا به سختی امکان‌پذیر است اقدامات اقتصادی در راستای اجرای برنامه‌های میان‌مدت و طولی مدت به نتیجه برسد، لذا در کشوری که تشنج، ستیز و درگیری‌های سیاسی وجود داشته باشد، رشد اقتصادی از طریق رشد سرمایه‌گذاری‌ها و افزایش بهره‌وری

چگونه پیشرفت کرد؟

اخلاق و مهارت ژاپنی‌ها در سیاست داخلی خود پیاموزد و الهام بگیرد. در همان ایام گفته بود: «مدت زمان طولانی به غرب چشم دوختیم، اما غرب دیگر الگوی مناسبی برای مالزی نیست. از آنجایی که ژاپن پیشرفت شده و همچنان پویایی در حال توسعه بودن خود را حفظ کرده است، پس بهتر است این کشور الگوی مناسب توسعه برای ما باشد. ما به‌توشه وژوانه دنیای اقتصاد ماهرهای محمد از مخالفان ملی کردن صنایع بود و اجازه نداد تا صنایع مالزی ملی شوند و این خدمت بسیار بزرگی بود که در بسیاری از کشورهای دیگر همتای مالزی صورت نپذیرفت.

برنامه ماهاتیر محمد توانست ارزش رینگیت مالزی را تا ۱۰ فوریه ۱۹۹۸ تا ۲۵۵/۵ در برابر هر دلار برساند و پس از آن در رقمی میان ۲۱۶ تا ۲۱۸ تثبیت کند. با این حال از سال ۱۹۹۸ میلادی، رکودی بی‌سابقه در کشور آغاز شد. بخش شهرسازی با ۲۳ درصد کاهش رویه‌رو شد و به همین شکل در سایر بخش‌ها این کاهش اتفاق افتاد. ماهاتیر محمد برای حل این مشکل، بیش از رینگیتی که توانست در سید دولت جمع کند، برای فعالیت‌های تولیدی خرج کرد؛ زیرا تحرک بخشیدن به اقتصاد داخلی در کوتاه‌مدت برایش مهم‌تر از کسری آوردن در بودجه دولت به صورت‌وقت بود. بالاخره از سال ۱۹۹۹ میلادی، ثبات اقتصادی در مالزی حکمفرما شد. اما این به معنای رف کامل آثار بی‌نبرد نبود. نکته اصلی در برنامه وی این بود که به وعده‌های صندوق بین‌المللسی پول اهمیت ندهد. ماهاتیر محمد می‌دانست گرفتن وام‌های بیشتر، یعنی افتادن از چاله سرمایه‌گذاران خارجی به چاه سازان‌های بین‌المللی و می‌دانست بهترین راه برای حل این بحران مالی، تکیه بر کسانی است که از همه نسبت به کشور مالزی دل سوزند؛ یعنی مردم این کشور. او اولاً از مردم شروع خواست و ثانیاً از آن‌س‌های نظارتی جدیدی ایجاد کرد تا سیاست‌های اضطراری‌اش به خوبی در سراسر کشور اجرا شود. در نتیجه اقدامات ماهاتیر محمد، رشد اقتصادی اگرچه در پایین‌ترین حد خود، اما مثبت شد و این بار یک روند آرام و اثباتی را در پیش گرفت.

به گزارش ایرنا ماهاتیر محمد در سیاست‌گذاری اقتصادی سعی کرده نوعی نگاه به مشرق را مطرح کرده و بر مواردی، چون پذیرش اصول اخلاقی کار و اسلوب‌باز ژاپن و کره جنوبی، اقتصاد متمایل به بازار که خصوصی‌سازی وسایل و خدمات عمومی، مهارت‌ار و تاپریدر در آن نقش مهمی داشتند و نیز افزایش داد و ستد با همسایگان آسیایی تأکید ورزید. در

داد تا نقدینگی موجود در دستان مردم، در سید دولت قرار گیرد. هزینه‌های غیرضروری دولت را نیز به صورت موقت به میزان ۱۸ درصد کاهش داد تا دولت به صورت غیر مستقیم به تزریق رینگیت در کشور نپردازد. به گزارش روزنامه دنیای اقتصاد ماهاتیر محمد از مخالفان ملی کردن صنایع بود و اجازه نداد تا صنایع مالزی ملی شوند و این خدمت بسیار بزرگی بود که در بسیاری از کشورهای دیگر همتای مالزی صورت نپذیرفت. برنامه ماهاتیر محمد توانست ارزش رینگیت مالزی را تا ۱۰ فوریه ۱۹۹۸ تا ۲۵۵/۵ در برابر هر دلار برساند و پس از آن در رقمی میان ۲۱۶ تا ۲۱۸ تثبیت کند. با این حال از سال ۱۹۹۸ میلادی، رکودی بی‌سابقه در کشور آغاز شد. بخش شهرسازی با ۲۳ درصد کاهش رویه‌رو شد و به همین شکل در سایر بخش‌ها این کاهش اتفاق افتاد. ماهاتیر محمد برای حل این مشکل، بیش از رینگیتی که توانست در سید دولت جمع کند، برای فعالیت‌های تولیدی خرج کرد؛ زیرا تحرک بخشیدن به اقتصاد داخلی در کوتاه‌مدت برایش مهم‌تر از کسری آوردن در بودجه دولت به صورت‌وقت بود. بالاخره از سال ۱۹۹۹ میلادی، ثبات اقتصادی در مالزی حکمفرما شد. اما این به معنای رف کامل آثار بی‌نبرد نبود. نکته اصلی در برنامه وی این بود که به وعده‌های صندوق بین‌المللسی پول اهمیت ندهد. ماهاتیر محمد می‌دانست گرفتن وام‌های بیشتر، یعنی افتادن از چاله سرمایه‌گذاران خارجی به چاه سازان‌های بین‌المللی و می‌دانست بهترین راه برای حل این بحران مالی، تکیه بر کسانی است که از همه نسبت به کشور مالزی دل سوزند؛ یعنی مردم این کشور. او اولاً از مردم شروع خواست و ثانیاً از آن‌س‌های نظارتی جدیدی ایجاد کرد تا سیاست‌های اضطراری‌اش به خوبی در سراسر کشور اجرا شود. در نتیجه اقدامات ماهاتیر محمد، رشد اقتصادی اگرچه در پایین‌ترین حد خود، اما مثبت شد و این بار یک روند آرام و اثباتی را در پیش گرفت.

به گزارش ایرنا ماهاتیر محمد در سیاست‌گذاری اقتصادی سعی کرده نوعی نگاه به مشرق را مطرح کرده و بر مواردی، چون پذیرش اصول اخلاقی کار و اسلوب‌باز ژاپن و کره جنوبی، اقتصاد متمایل به بازار که خصوصی‌سازی وسایل و خدمات عمومی، مهارت‌ار و تاپریدر در آن نقش مهمی داشتند و نیز افزایش داد و ستد با همسایگان آسیایی تأکید ورزید. در

تیکوایپاوهوشگر داشت: هدف افزایش سود از طریق کاهش هزینه‌های تولید موجب شد که این شرکت‌ها فعالیت‌های تولیدی کاربر خود را مانند موتورآب به کشورهای با نیروی کار گسری ارزان قیمت منتقل کنند. بسیاری از کشورهای مالزی، اندونزی، چین و هندوستان توانستند به یمن کارگران ارزان قیمت، آزادسازی و امنیت، سرمایه‌های هگفت شرکت‌های چند ملیتی را به کشورهای خود منتقل کنند که تداوم آن موجب شد محصولات تولیدی این شرکت‌های چند ملیتی به کشورهای صنعتی از جمله آمریکا صادر شود و در نهایت همین شرکت‌ها کم کم توانستند به رقیبان سرسختی برای آمریکا تبدیل شوند. همین امکانات هم برای مالزی به وجود آمد و مالزی توانست فضای مطمئن و مناسبی برای سرمایه‌گذاری خارجی فراهم کند که حاصل آن تبدیل این کشورها از فقیر به کشورهای نیمه صنعتی و نوظهور شده است. این استاد دانشگاه افزود: اولین شرط این سرمایه‌گذارها در یک کشور امنیت است که سرمایه‌شان در خطر نباشد و در کشوری که نزاع فرهنگی و اجتماعی و تورم وجود داشته باشد، سرمایه‌گذاران را به شدت می‌ترساند. مهم‌ترین هدف اقتصادی بیشتر کشورهای دنیا، ثبات اقتصادی و ثبات قیمت‌هاست؛ زیرا تورم بیابان‌های اقتصادی و اجتماعی را به نابودی می‌کشاند. در کل مدیریت و شایسته‌سالاری نقش بسیار مؤثری در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها بازی می‌کند. «ماهاتیر محمد» طی دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی، یعنی در طول بیش از ۲۰ سالی که نخست‌وزیر کشور مالزی بود، توانست موفقیت‌های بیش‌گرفته را در مالزی به وجود بیاورد.

نیکوایپاوهوشگر با اشاره به اینکه تشخیص‌راه صحیح پیشرفت بسیار مهم است، تصریح کرد: هدف غایی یا ایده نهایی یک کشور و اینکه قرار است در ۵۰ سال پیش‌رو و در نهایت در چه جایگاهی قرار گرفته

دوره طولانی مدت صادرات او بر مالزی بود که این کشور به منزله یکی از توسعه‌یافته‌ترین کشورهای مسلمان واقع در شرق آسیا، در کمتر از چهار دهه از یک کشور فقیر و کم‌درآمد به کشوری توسعه‌یافته با درآمد چشمگیر تبدیل شده و رآیند صنعتی شدن و فعال بودن به عنوان یک اقتصاد مولد را طی کرد. بررسی دیدگاه‌های این رهبر توسعه‌گرا که در سال ۱۹۶۳ نماینده کشور مالزی در کشورهای دیگر همتای مالزی صورت نپذیرفت.

کوشی طو کرد، در واقع بیان‌کننده عمق زوایای اندیشه‌ای یکی از رهبران توسعه‌گرا در جهان اسلام است که کشورش روند توسعه را اگرچه دورتر از برخی کشورهای دیگر شرق آسیا آغاز کرد، اما به سرعت با مدیریت در غرب، اصلاح ساختار مدیریت سیاسی- اقتصادی با هدف توسعه نگاه به شرق جست‌وجو می‌کنند؛ چون او با همین راهبرد سیاسی و اقتصادی، یعنی تکیه بر تولید ملی، توسعه صادرات، خصوصی‌سازی، جذب سرمایه‌گذاران خارجی، الگوبری از کشورهای به‌وق منطقه و تعامل فعال با کشورهای جهان و قدرت‌های بر تر اقتصادی با محوریت نگاه به شرق توانست کشورش را به نخستین کشور پیشرفته اسلامی و هفدهمین کشور پیشرفته جهان تبدیل کند.

ماهاتیر محمد در سخنرانی مشهور خود در سال ۲۰۰۵ در ایران گفت: «ایران یکی از پیشگامان تمدن بوده است که مالزی در مقایسه با آن هیچ ارزشمندی اقتصادی ندارد؛ اما اندیشه درست) بسیار سریع پیشرفت کنیم». پس از فروکش کردن بحران مالی، کارشناسان مالزیایی و اقتصاددانان در سراسر جهان، توصیه‌هایی را به کشورهای در حال توسعه ارائه دادند تا از بروز رخدادهای مشابه، جلوگیری شود که عبارتند از: «لزوم عدم تکیه مردم آن در فقر مطلق به سر می‌برند. این کشور در آن زمان، به طور عمده مواد خام و کشاورزی شامل قلع، نفت، کائوچو، و روغن نخل تولید می‌کرد. دلار و سهم در زمان استقلال حدود ۲۵۰ دلار و سهم تولیدات صنعتی در صادراتش، ناچیز و در حد ۱۳ درصد بود. این کشور طی شش دهه به صورت شتابان به کشوری صنعتی تبدیل شده است؛ به نحوی که تا پایان سه ماهه دوم سال ۲۰۱۹ مو موفق شد رشد ۴/۹ درصدی را به ثبت برساند که ۴/۲ درصد بیشتر از رشد سه ماهه نخست این کشور و حدود ۱/۲ درصد بیشتر از نرخ پیش‌بینی شده بود. همچنین درآمد سرانه مالزی در سال ۲۰۱۹، ۲۸۸۳ دلار ارزیابی شده است. در بین دیگر بخش‌های اقتصادی، حمل‌ونقل و خدمات مالی از رشد عجیب ۲۲/۹ درصدی در دهه نژاد، رونق داشت. بخش تولید در سه ماهه منتهی به ژوئن ۲۰۱۹ ۴/۳۰۲ درصد و رشد بخش خدمات ۶/۱ درصد اندازده‌گرمی شدند.

توسعه در جهان معرفی کرده، سیاست‌های این کشور برای بالا بردن رفاه اجتماعی و درآمد خانوار از طریق ایجاد اشتغال با ارزش افزوده بالاتر بوده است. طبقه متوسط در این کشور، اکثریت جامعه را تشکیل می‌دهند و به توجه به اینکه یکی از شاخصه‌های ثبات سیاسی و اجتماعی در یک کشور، بالا بودن درصد طبقه متوسط جامعه است، لذا در مالزی با توجه به اینکه بخش متوسط ۷۰ درصد از جامعه را شامل می‌شود، قابل قبول به خود اختصاص داده‌اند، نشان‌دهنده ثبات نسبی اجتماعی در این کشور است.

مالزی در چه شاخصه‌هایی بهترین رشد را داشته است؟

همان‌طور که گفته شد مالزی یکی از کشورهای جهان سوم بود و در زمان پس از استقلال، وضعیت استثنایی داشت. حدود

نیمی از مردم این کشور در فقر مطلق به سر می‌بردند. به علاوه اختلاف نژادی همراه با تبعیض طبقاتی به شدت در مالزی دیده می‌شد؛ اما همین کشور جهان سومی به سرعت به پیشرفت‌های قابل توجهی دست یافته است و آن را در حوزه‌های مختلف می‌توان مشاهده کرد. پیشرفت چشمگیر مالزی و نقش مهمی که «ماهاتیر محمد» در دوران نخست‌وزیری خود در فاصله سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۹۷، به اقتصاد این کشور داشته است، به گونه‌ای است که از آن جمله می‌توان به مؤلفه‌هایی همچون استفاده از عقلانیت و تعادل، مذاکره و گفت‌وگو به جای جنگ، تکیه بر الگوی توسعه شرقی در قالب برنامه‌های درازمدت، مبارزات و کوتاه‌مدت توسعه اقتصادی اشاره کرد. از سال ۱۹۷۰، سه برنامه بلندمدت توسعه در مالزی به اجرا درآمد؛ نخست، سیاست نوین اقتصادی طی سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۹۷، هدف این سیاست زوددن فقر، هماهنگی اقتصادی میان اقوام، توسعه اقتصادی بر اساس الگوی جایگزینی واردات و صنعتی شدن در پنج سال آخر برنامه بود. در سال ۱۹۷۶ پس از یک برنامه پنج



پیش گرفت و زمینه مساعدی برای گسترش ارتباط با سایر کشورها و رشد سرمایه‌گذاری خارجی در این کشورها فراهم شد. در همین راستا قیمت ارزان نیروهای کارگری در جهان سوم مزید سرمایه‌داری برای سود بیشتر بود که شرکت‌های چند ملیتی را بر آن داشت که از هزینه‌های ارزان نیروی کار جهان‌سوم بهره‌برداری و با تولیدات ارزان‌تر از کشورهای فروش این تولیدات در کشورهای صنعتی سود خود را حداکثر کنند. کشور مالزی از اولین کشورهایی بود که از این موقعیت بهره‌برداری کرد و کشور خود را در چهل سال گذشته به رشد بالای اقتصادی نزدیک کرد. امنیت و ثبات داخلی در مالزی به منزله یکی دیگر از مؤلفه‌های مهم در جذب سرمایه‌گذاری خارجی بوده است. مالزی در این دوران با استفاده از این راهبرد زمینه را بساری ورود صنایع کشورهای توسعه‌یافته به کشور خود فراهم کرد. به باور کارشناسان، مالزی الگویی از هماهنگی نژادی شمرده می‌شود که چندین نژاده با صلح و به دور از هر گونه آشوب در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند. یکی از شاخصه‌های مهم اقتصاد مالزی که این کشور را به عنوان کشوری موفق و در حال توسعه در جهان معرفی کرده، سیاست‌های این کشور برای بالا بردن رفاه اجتماعی و درآمد خانوار از طریق ایجاد اشتغال با ارزش افزوده بالاتر بوده است. طبقه متوسط در این کشور، اکثریت جامعه را تشکیل می‌دهند و به توجه به اینکه یکی از شاخصه‌های ثبات سیاسی و اجتماعی در یک کشور، بالا بودن درصد طبقه متوسط جامعه است، لذا در مالزی با توجه به اینکه بخش متوسط ۷۰ درصد از جامعه را شامل می‌شود، قابل قبول به خود اختصاص داده‌اند، نشان‌دهنده ثبات نسبی اجتماعی در این کشور است.

مالزی با تکیه بر چه الگو‌هایی پیشرفت کرد؟

ماهاتیر محمد در دوران نخست‌وزیری خود در فاصله سال‌های ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۳ خود در تلاش زیادی در راستای رشد مالزی در همه حوزه‌ها انجام داد و از الگوها و سیاست‌های موفق در مالزی به اجرا درآمد، کوتاه‌مدت توسعه اقتصادی اشاره کرد. از سال ۱۹۷۰، سه برنامه بلندمدت توسعه در مالزی به اجرا درآمد؛ نخست، سیاست نوین اقتصادی طی سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۹۷، هدف این سیاست زوددن فقر، هماهنگی اقتصادی میان اقوام، توسعه اقتصادی بر اساس الگوی جایگزینی واردات و صنعتی شدن در پنج سال آخر برنامه بود. در سال ۱۹۷۶ پس از یک برنامه پنج

نگاهی به مسیر توسعه مالزی در گفت‌وگوی صبح صادق با دکتر بهاره سازمند
دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

توسعه در سایه الگوی بومی پیشرفت

«مالزی» که یکی از کشورهای پیشرفته و صنعتی در جهان شناخته می‌شود، حدود نیم قرن پیش کشوری فقیر بود؛ اما در دهه‌های گذشته با اقداماتی که انجام دادند، توانستند به این پیشرفت صنعتی برسند و جایگاه خود را از لحاظ اقتصادی در جهان پیدا کنند. به همین منظور با دکتر «بهاره سازمند» دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید:

ساله، میزان فقر از ۴۹ درصد به ۳۵/۱ درصد کاهش یافت. دوم، سیاست نوین توسعه طی سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۹۱. هدف این سیاست، سپردن ۳۰ درصد از کل فعالیت‌های اقتصادی به بومیان و نیز شتاب‌بخشی به توسعه بود. در این سیاست به جای تکیه بر فناوری کاربر، بر فناوری سرمایه‌بر و ساخت کالا تأکید شد. همچنین از اهداف این سیاست، ایجاد زیرساخت‌های برای رسیدن به افق ۲۰۲۰ بود. سوم، چشم‌اندازی سه ساله یا چشم‌انداز ۲۰۲۰ طی سال‌های ۲۰۲۰-۱۹۹۱. بر اساس این برنامه، مقرر شد بود مالزی در سال ۲۰۲۰ به یک کشور صنعتی درجه یک در سطح جهان تبدیل شود، یعنی کشوری کاملاً توسعه‌یافته از لحاظ اقتصادی، عدالت اجتماعی، رفاه و توسعه انسانی جهت افزایش کیفیت زندگی، ارزش‌های اجتماعی و معنوی، غرور ملی و هواری. بنابراین، چشم‌انداز ۲۰۲۰ بر اساس «توسعه جامع» بنا شد. بر اساس این شعار، دولت و کشور باید به استانداردهای زندگی مردم تا سطح ملت‌های توسعه‌یافته بایند باشند. در بعد سیاسی و اجتماعی نیز ماهاتیر معتقد بود رهبری اقتدارگرا برای مالزی در مرحله توسعه، کاملاًمدت‌ار حکومت دموکراتیک بود. توسعه غربی است، دوره‌نخست‌وزیری ماهاتیر محمد، قوم‌گرایی همچنان مسئله اصلی سیاسی و اجتماعی به شمار می‌آمد؛ اما رشد اقتصادی چشمگیر در بیشتر بخش‌ها در دوره زمامداری ماهاتیر، بستری آramی برای حکومت مالزی فراهم کرد. تنش‌های قومی نیز در سطح پایانی باقی ماندند؛ زیرا مردم به این نتیجه‌رسیدند که در این صورت نیازهای‌شان برآورده خواهد شد و رفاه بیشتری آنها پیدا می‌شود. همچنین ماهاتیر با وجود کنترل شدید نهادهای اجرایی «هیچ کار از تنش و شوه‌های پلیسی برای تحکیم قدرت خود استفاده نکرد و توانست حمایت گسترده مردم را به دست آورد و مالزی را از یک کشور عمدتاً کشاورزی به کشوری توسعه یافته از لحاظ فناوری تبدیل کند.

پیش گرفت و زمینه مساعدی برای گسترش ارتباط با سایر کشورها و رشد سرمایه‌گذاری خارجی در این کشورها فراهم شد. در همین راستا قیمت ارزان نیروهای کارگری در جهان سوم مزید سرمایه‌داری برای سود بیشتر بود که شرکت‌های چند ملیتی را بر آن داشت که از هزینه‌های ارزان نیروی کار جهان‌سوم بهره‌برداری و با تولیدات ارزان‌تر از کشورهای فروش این تولیدات در کشورهای صنعتی سود خود را حداکثر کنند. کشور مالزی از اولین کشورهایی بود که از این موقعیت بهره‌برداری کرد و کشور خود را در چهل سال گذشته به رشد بالای اقتصادی نزدیک کرد. امنیت و ثبات داخلی در مالزی به منزله یکی دیگر از مؤلفه‌های مهم در جذب سرمایه‌گذاری خارجی بوده است. مالزی در این دوران با استفاده از این راهبرد زمینه را بساری ورود صنایع کشورهای توسعه‌یافته به کشور خود فراهم کرد. به باور کارشناسان، مالزی الگویی از هماهنگی نژادی شمرده می‌شود که چندین نژاده با صلح و به دور از هر گونه آشوب در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند. یکی از شاخصه‌های مهم اقتصاد مالزی که این کشور را به عنوان کشوری موفق و در حال توسعه در جهان معرفی کرده، سیاست‌های این کشور برای بالا بردن رفاه اجتماعی و درآمد خانوار از طریق ایجاد اشتغال با ارزش افزوده بالاتر بوده است. طبقه متوسط در این کشور، اکثریت جامعه را تشکیل می‌دهند و به توجه به اینکه یکی از شاخصه‌های ثبات سیاسی و اجتماعی در یک کشور، بالا بودن درصد طبقه متوسط جامعه است، لذا در مالزی با توجه به اینکه بخش متوسط ۷۰ درصد از جامعه را شامل می‌شود، قابل قبول به خود اختصاص داده‌اند، نشان‌دهنده ثبات نسبی اجتماعی در این کشور است.

الگوی توسعه مالزی چقدر بومی بوده و با استقلال و بدون توجه به حمایت کشورهای توسعه‌یافته پیشرفت رسید؟

علیرغم الگوبری از کشورهای توسعه یافته، به نظر می‌رسد الگوی توسعه مالزی را می‌توان یک الگوی بومی دانست. اگرچه این کشور از راه دور به امر دیده می‌شود؛ اما از زمان پس از استقلال و به خصوص توسعه بومی مالزی آغاز شد، نکته مهم این است که برخی از نمودهای این توسعه و پیشرفت از جمله خصوصی‌سازی، توسعه صادرات، گسترش سرمایه‌گذاری خارجی و غیره با مضادیک توسعه غربی یکی است، اما سه اینها با مبانی کاملاً بومی تحت رهبری اقتدارگرای ماهاتیر و بسا تکیه بر الگوی توسعه شرقی که مبتنی برارزش‌های اجتماعی همچون سخت‌کوشی، امانتداری، صرف‌جویی و احترام به قوانین و حقوق دیگران محقق شده است. بستر این کار هم آموزش و پرورش است. دولتمردان مالزی به دنبال تربیت شهروندان فرهیخته، دین باور، قانونمند، درستکار، اخلاقی و مفید برای جامعه هستند.

تقویم انقلاب

باند فرودگاه امام(ره)!

سیدمهدی حسینی
مورخ و پژوهشگر

پس از فرار پهلوی و اعلام خبر تصمیم امام(ره) برای بازگشت، عوامل باقیمانده رژیم شاه در برابر این تصمیم امام(ره) مستأصل مانده بودند. عوامل ضد انقلاب و سران باقیمانده ارتش رژیم شاه از قبیل سر لشکر قره‌باغی، طوفانیان، بدره‌ای، رحیمی و ربیعی که هر کدام سمت‌های بالای سیاسی- نظامی رژیم شاه را به عهده داشتند، جنگلی به برنام‌های ژنرال هایزر آمریکایی دلخوش بودند و تلاش می‌کردند از دولت‌نیم‌بند در حال متلاشی شدن بختیار حمایت کنند. همچنین با همه امکانات سیاسی، نظامی و امنیتی، تبلیغاتی و رسانه‌ای‌شان بسیج شده بودند تا از مراجعت امام خمینی(ره) به ایران جلوگیری کنند! ژنرال هایزر گروه نظامیان را شکل داده بود تا ابتکار کشور را در دست گیرد و دولت بختیار بتواند آتش برافروخته شده انقلاب را فرو نشانند. امام(ره) تصمیم قاطع خود را گرفته بودند و اعلام کردند «من باید به ایران بروم اگر قرار است خون من ریخته شود باید در کنار جوانان وطنم باشم.» بختیار به دنبال فرصت می‌گشت تا ورود امام(ره) به ایران را به تأخیر اندازد. وقتی بختیار اعلام کرد تمامی فرودگاه‌های ایران برای ورود امام خمینی(ره) به ایران بسته است، وحدت و همبستگی ملی مردم فشرده‌تر شد. برای نمونه گروهی از علمای تراز اول کشور از جمله آقایان آیت‌الله مطهری، صدوقی، دستغیب و... در مسجد دانشگاه تهران تحصن کردند. هر روز گروه گروه از اقشار مختلف مردم در داخل و خیابان‌های اطراف دانشگاه تهران تجمع می‌کردند و شعارهای انقلابی سر می‌دادند و با قرائت قطعنامه‌هایی حمایت‌شان را از موضع متحصنان اعلام کرده و سیاست بختیار در ممانعت از ورود امام خمینی(ره) را محکوم می‌کردند. در این رابطه واقعاً گروه نظامیان در مانده شده بودند. ژنرال هایزر در خاطر آتش در این باره می‌نویسد: «وقتی وارد شدم، گروه دور تیمسار ربیعی جمع شده بودند. او روزنامه‌ای در دستش بود و آشفته به نظر می‌رسید. او روزنامه را به طرف من گرفت و پرسید چرا اوضاع اینقدر خراب است. او تیر روزنامه را نشان داد. تیرتر روزنامه این بود: «امام خمینی جمعه می‌آید.» اولین کسی که مجادله کرد، تیمسار ربیعی بود که بسا کلماتی احساسی گفت: «اگر آمریکا قویاً از ما حمایت می‌کند پس چرا نمی‌تواند کاری در مسود [امام]خمینی بکند؟» ربیعی همیشه کاری می‌کرد که من احساس کنم مادر انجام وظیفه خود قصور کرده‌ام...» ژنرال هایزر در قسمتی دیگر از خاطر آتش با این‌ عنوان آورده است: «اکنون نوبت آخرین انفجار است» و از آن به بزرگ‌ترین تهدید فاجعه‌آمیز یاد می‌کند و می‌نویسد: «آن بازگشت زودرس [امام]خمینی است.» ابتکار عمل کاملاً از دست آمریکایی و بقایای رژیم پهلوی گرفته شده بود! خلبان‌های اعصاب‌کننده هم مشغول آماده کردن یک هواپیما بودند که به پاریس برود و امام خمینی(ره) را به ایران بیاورد. از آن سو همه عوامل وفادار به شاه در جست‌وجوی راهکار ممانعت از ورود امام(ره) بودند. اما هیچ کدام عملی نشد و چاره‌ای جز تسلیم باقی نماند و فرودگاه مهرآباد آماده فرود آمدن هواپیمای امام(ره) شد؛ در حالی که یک ملت فریاد برآورده بود: «خمینی، خمینی، قلب ما، باند فرودگاه‌توست.»

مهدی سعیدی

دبیر گروه تاریخ

پس از فرار شاه از کشور در ۲۶ دی ماه ۱۳۵۷، اوضاع کشور به طور کلی از دست رژیم پهلوی خارج شد. بختیار بی‌عرضه‌تر از آن بود که بتواند امور را در دست گیرد. رعب بر دل ژنرال‌های ارتش شاهنشاهی نیز افتاده بود و آنان نیز مستأصل‌تر از آن بودند که جرئت کودتا داشته باشند! در بهمن ۱۳۵۷ گام به گام انقلاب در حال پیشروی بود و شمارش معکوس مرگ پهلوی فرارسیده بود. **۱ بهمن:** امروز شاپور بختیار اعلام کرد کسانی که در خیابان‌ها به تظاهرات و راهپیمایی دست می‌زنند، چهار دسته‌اند: برای تفریح به خیابان‌ها می‌آیند، یا کمونیست هستند، یا پیرو آیات عظامند یا از روی ایمان در تظاهرات شرکت می‌کنند. **۲ بهمن:** «سناتور فرانک چرچ» رئیس کمیته روابط خارجی سنای آمریکا به دولت کارت پیشنهاد کرد از حمایت دولت ایران خودداری کند؛ زیرا این حمایت مردم ایران را خشمگین‌تر کرده، سقوط دولت را تسریع می‌کند. **۳ بهمن:** امام خمینی(ره) فرمودند: «افکار عمومی و اراده مردم، قانون است. ما با استناد به همین قانون رژیم موجود را تغییر خواهیم داد.»

۴ بهمن: به دستور بختیار تانک‌ها در فرودگاه مهرآباد مستقر شدند و باند‌های فرود را بستند. به کلیه شرکت‌های هوایی اعلام شد که به ایران پرواز نکنند. **۵ بهمن:** امروز بختیار از امام خمینی(ره) خواست سفر خود به تهران را به مدت سه هفته به تأخیر اندازد. امام این تقاضا را رد کرد و گفت در رأس موعد مقرر به تهران خواهیم رفت. **۶ بهمن:** «ارمزی کلارک» دادستان کل اسبق آمریکا، «ریچارد فالک» استاد دانشگاه پرینستون آمریکا و «دان لوثی» نماینده سسازمان‌های مذهبی آمریکا در پاریس ضمن ملاقات با امام اظهار امیدواری کردند «انتقال قدرت در ایران با آرامش صورت گیرد و عدالت برای همه محقق شود و مردم ایران و آمریکا به هم عشق بورزند.» **۷ بهمن:** بختیار گفت برای ملاقات با آیت‌الله خمینی اگر لازم باشد به پاریس خواهم رفت. امام بلافاصله در پاسخ فرمودند: «آنچه ذکر شده است که شاپور بختیار را با سمت نخست‌وزیری می‌پذیرم، دروغ است. تا استعفا ندهد او را نمی‌پذیرم؛ چون او را قانونی نمی‌دانم.»

۸ بهمن: ده‌ها نفر از روحانیون در مسجد دانشگاه تهران در اعتراض به بسته بودن فرودگاه مهرآباد، به تحصن دست زدند. آیات عظام طالقانی، مطهری، ربانی‌شیرازی، منتظری، نوری‌همدانی، صدوقی و جمعی از مدرسین حوزه علمیه قم از جمله متحصنان بودند.

۹ بهمن: بختیار گفت فرودگاه‌ها همه باز است، ولی من به هیچ‌وجه استعفا نخواهم داد. امام(ره) نیز خطاب به مردم گفتند: «خان اصلی را با خفت بیرون کردید. این نتیجه را هم که حاشیه‌ای بیش نیست، از صحنه خارج کنید.»

۱۰ بهمن: تحصن روحانیونی که به رژیم بختیار معترض هستند، در دانشگاه گسترش یافت و هزاران روحانی و اقشار مختلف مردم به متحصنان پیوستند. تظاهرات و راهپیمایی‌های سراسری در بیشتر شهرهای کشور علیه بختیار ادامه یافت و مطبوعات نوشتند دو میلیون نفر شهرستانی برای استقبال از امام(ره) در تهران به سر می‌برند. **۱۱ بهمن:** امام خمینی(ره) در آستانه حرکت از پاریس به تهران از مهمان‌نوازی دولت فرانسه و اهالی منطقه نوفل لوشاتو تشکر کردند. **۱۲ بهمن:** امام خمینی(ره) در ساعات اولیه بامداد امروز با یک فروند هواپیمای ایرفرانس فرودگاه پاریس را به مقصد تهران ترک کردند. ایشان در ساعت ۹ صبح پس از ۱۴ سال دوری از وطن در میان استقبال پرشور و میلیونی مردم به ایران بازگشتند. روزنامه کیهان طول جمعیت استقبال‌کننده را ۳۲ کیلومتر اعلام کرد.

۱۳ بهمن: هزاران نفر از مردم سراسر کشور برای دیدار با امام(ره) در مدرسه علوی و در طول خیابان مجاور آن (خیابان ایران) صف کشیدند. دولت اسرائیل از بازگشت امام به ایران شدیداً آبراز نگرانی کرد.

۱۴ بهمن: امام خمینی(ره) گفتند «مذاکراتی با رهبران ارتش داشته‌ایم و اگر لازم باشد باز هم خواهیم داشت.»/ امروز جواد شهرستانی شهردار تهران در ملاقات با امام از شغل خود استعفا داد./



شمارش معکوس پایان پهلوی

امروز ژنرال هایزر آمریکایی با یک بالگرد از محوطه ستادفرماندهی ارتش به فرودگاه مهرآبادرفت و راهی مرکز فرماندهی خود در اشتوتگارت آلمان شد.

۱۵ بهمن: با حکم امام(ره) بازرگان به‌ عنوان نخست‌وزیر موقت جمهوری اسلامی تعیین شد. این در حالی بود که بختیار اعلام کرده بود «به آیت‌الله خمینی اجازه تشکیل دولت موقت را نمی‌دهم.»

۱۶ بهمن: طی مراسمی در مدرسه علوی تهران، امام خمینی(ره) در حضور ۴۰۰ خبرنگار مهندس مهدی بازرگان را به‌ عنوان نخست‌وزیر رسماً معرفی کردند. **۱۷ بهمن:** شاپور بختیار در واکنش به انتخاب مهندس مهدی بازرگان به‌ عنوان نخست‌وزیر، تصریح کرد که «یک مملکت، یک حکومت دارد و یک قانون اساسی ولاغیر.../ لایحه انحلال ساواک به تصویب نمایندگان مجلس شورای ملی رسید؛ اما پس از آن بسیاری از نمایندگان از مقام خود استعفا کردند.

۱۸ بهمن: ارتشبد قر‌باغی رئیس ستاد ارتش گفت: ارتش از دولت قانونی حمایت خواهد کرد و مداخله نکردن در سیاست نخستین اصلی است که نیروهای مسلح باید در نظر داشته باشند.

۱۹ بهمن: صدها نفر از همافران با اونیفورم نظام با امام(ره) ملاقات کردند. در این ملاقات امام (ره) گفتند: «ما می‌خواهیم سرنوشت‌مان را خودمان تعیین کنیم نه سفارت آمریکا و سفارت شوروی. ما می‌خواهیم مملکت خودمان را خودمان تعمیر کنیم نه یهودی‌ها و اسرائیل...»

۲۰ بهمن: مهندس بازرگان نخست‌وزیر موقت جمهوری اسلامی ایران، در مراسمی که در دانشگاه تهران برگزار شد، برنامه‌های دولت خود را در ۶ ماده اعلام کرد.

۲۱ بهمن: پادگان ارتش در شرق تهران شاهد زد و خورد مسلحانه افراد گارد شاهی با همافران بود. درگیری زمانی آغاز شد که همافران در حال مشاهده برنامه تلویزیونی ورود امام(ره) به کشور بودند.

۲۲ بهمن: جنگ خونینی که از نیمه شب گذشته میان لشکر گارد از یک سو و نیروی هوایی از سوی دیگر در گرفت، به همه خیابان‌های مرکزی تهران سرایت کرد و مردم با تمامی توان خود به یاری نیروی هوایی شتافتند. در ساعت ۱۰:۳۰ شورای عالی ارتش در بیانیه‌ای اعلام کرد برای جلوگیری از هرج و مرج و خونریزی در مناقشه فعلی بی‌طرف می‌ماند. در ساعات بعد از ظهر با تصرف شهربانی، دانشکده افسری، رادیو تلویزیون و پادگان‌های تهران، «صدای انقلاب» در روی صفحه تلویزیون نقش بست و سقوط رژیم ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی را اعلام کرد.

حافظه

زلزله در لیسبون

مروری بر نابودی پایتخت پرتغال و پیامدهای آن

در تبیین و توجیه مصیبت و «شر» برانگیخت. تا قبل از زلزله لیسبون تفکرات مردم در مورد زلزله بر اساس تفکرات ارسطو یا تفکرات مذهبی بود. در تفکر مذهبی زلزله یک بلای الهی برای مردم گناهکار بود! وقوع زلزله آن هم وقتی که مردم در کلیسا مشغول دعا بودند، شوک سهمگینی را به مردم وارد کرد و آنها را واداشت تا به شیوه علوم تجربی زلزله و اثرات آن را مشاهده کنند. پس از ویرانی کلیساهای شهر، اضطراب و سردرگمی میان شهروندان مؤمن به کلیسای کاتولیک ایجاد شده بود که پس از آن برای عبادت باید به کجا بروند. این پرسش مطرح شده بود که چرا چنین زلزله‌ای به وقوع پیوسته است؟ کلیسای کاتولیک و پروتستان هر دو بر قرار گرفتن مشیت الهی در توجیه این فاجعه اصرار می‌ورزیدند؛ والا گریدا، کشیش معروف آن زمان در اولین سالگرد این زلزله تاتار و موزیک و رقص و گایبازی را دلیل فاجعه بزرگ لیسبون دانسته و از مردم شهر خواسته بود، توبه کنند. این در حالی بود که مبلغان پروتستان دادگاه تفتیش عقاید و فساد حاکم بر کلیسای کاتولیک را جرایم این واقعه می‌دانستند.

روز اول نوامبر سال ۱۷۵۵ که در تقویم کلیسای کاتولیک روم «روز قدیسان» نامیده شده است، زلزله‌ای لیسبون را بیش از سه دقیقه لرزاند. همراه زلزله یک سونامی (ابر-موج) قدرتمند تمامی سواحل پرتغال را در هم کوفت. در این روز مرگبار، شهر ۲۵۰ هزار نفری لیسبون، پایتخت بسیار زیبا و مرفه امپراتوری استعماری پرتغال خود را آماده تدارک جشن مذهبی توسن می‌کرد. ناگهان شهر لیسبون بر اثر وقوع سه زلزله پیاپی با قدرت فوق‌العاده‌ای که امروز قدرت این زلزله‌ها بین ۷/۸ و ۹ درجه در مقیاس ریشتر تخمین زده شده است، به ویرانه‌ای تبدیل شد. شدت زلزله به اندازه‌ای بود که از سواحل شمالی قاره آفریقا تا فنلاند واقع در اسکاندیناوی لرزه‌های آن احساس شدند. بیش از ۶۰ هزار نفر از مردم لیسبون در زیر آوار کشته می‌شوند. کلیساها فرو می‌ریزند و مردمی که شاهد مراسم جشن مذهبی «توسن» بودند، در زیر آوار گرفتار شده و جان می‌بازند. این رویداد نه تنها شوک کوبنده‌ای بر روان جمعی اروپا فرود آورد که اندیشوران بزرگ زمانه را به بحث و جدل درباره اعتبار مقوله‌ها و مفاهیم کهن الهیاتی



دهلیز

احزاب سیا

نقش سازمان سیا در شکل‌گیری حزب ایران نوین

دارد. مروری بر کتاب «یادداشت‌های علم»، نوشته اسدالله علم، وزیر دربار و شخصیت بانفوذ دربار پهلوی به خوبی بخشی از فساد ساختار حکومت پهلوی و نفوذ بیگانگان در آن را نشان می‌دهد. اسدالله علم در خاطرات روز ۳۰ تیر ۱۳۵۲ خود به نقش قاطع آمریکایی‌ها در تشکیل حزب ایران نوین و سپس نخست‌وزیر شدن منصور و دیرپا شدن دولت حزب ایران نوین در تحت حمایت همان محافل خارجی اشارات صریح و معناداری می‌کند: «... در دوران نخست‌وزیری من، یک خارجی آمریکایی از طریق دیگر آمد. حسنعلی منصور را به عنوان لیدر روشنفکران تراشیدند و به شاهنشاه قبولانندند که این شخص و این روشنفکران، ایران را گلستان خواهند کرد. فوراً آسمعاً و طاعتاً اطاعت کردم. مطلب که من قدری شور بود که در انتخابات نسبتاً آزادی که من انجام دادم [انتخابات دوره بیست‌ویکم مجلس] منصور که کاندید وکالت تهران بود و می‌خواست وکیل درجه یک تهران باشد، وکیل دوازدهم شد. بعد از ظهر قرائت آراء، راکول پدر سوخته وزیر مختار آمریکا سراسیمه پیش من دوید که دستم به دامنت بگو منصور را بالا بیاورند. باری وکیل درجه اول نشد ولی چند ماه بعد نخست‌وزیر ایران بود. و حالا هم هنوز همان حزب [ایران‌نوین] بر سر کار است و آقای هویدا نفر دوم منصور و مغز متفکر او بعد از کشته شدن منصور نخست‌وزیر هست که هست، حالا هشت سال می‌گذرد...»

رژیم پهلوی به معنای واقعی رژیمی خودکامه بود که اجازه هیچ فعالیت سیاسی بیرون از اختیار و کنترل خود را به فعالان سیاسی آن دوران نمی‌داد. در این میان حتی نزدیکان شاه و موافقان رژیم پهلوی نیز مستثنی نبودند، چه رسد به مخالفان و منتقدان! اما از سویی دیگر در این نظام خودکامه بیگانگان مرسوم الید بودند و هر کاری دوست داشتند، به ثمر می‌رساندند و شاه‌دیکتاتور در برابر آنان خوار و ذلیل و حرف‌شنو بود! حتی فعالیت سیاسی احزاب نیز در این کشور از سوی آمریکایی‌ها و دستگاه‌های اطلاعاتی- امنیتی آنان مدیریت می‌شد. «حزب ایران نوین» ساخت سازمان سیا است که برای مدت‌ها مهم‌ترین حزب سیاسی کشور بود. ساواک در سندی محرمانه فاش کرده است، «یاتسویچ» رئیس وقت دفتر «سیا» در تهران در تأسیس «حزب ایران نوین» و سپس تنظیم اسامنامه آن نقش مستقیم داشته است. اسدالله علم نیز در خاطرات خود به نقش قاطع آمریکایی‌ها در تشکیل «حزب ایران نوین» اشاره



سیاست نامه

اندیشه سیاسی **فضل‌الله نوری** - ۱۰

طرده سلطه فرهنگی بیگانه

فتح‌الله پریشان

دبیر گروه اندیشه

شیخ فضل‌الله نوری در کنسار تلاش برای راهایی کشور از استعمار سیاسی و اقتصادی، به سیطره فرهنگ و نظام فکری و حقوقی غرب بر کشورمان نیز حساسیت منفی داشت و ستیزش با مشروطه‌خواهان، عمدتاً بر سر همین امر بود: «دین اسلام، اکمل ادیان و اتم شرع است و این دین دنیا را به عدل و شورا گرفت. آیا چه افتاده است که امروز باید دستور عدل ما از پاریس برسد و نسخه شورای ما از انگلیس بیاید؟»^۱ در واقع، به تعبیر اندیشمندان و مورخان، شیخ نوری «برخلاف آنچه که عده‌ای گمان می‌پرند، مخالف با مشروطه [=تحدید سلطنت] نبود... بلکه می‌فرمود: مشروطه‌ای که در فرنگستان ساری و جاری است، با مشخصات خاصی که دارد شایسته اجرا در ایران نیست. ایرانیان باید مشروطه‌ای منطبق بر سُنن ملی و مذهبی خود برقرار کنند و... شعارش این بود: وَ عَلَیْکُمْ بِالْمَشْرِوْطَهِ الاسلامِ». ^۲ در مشروطه‌ای که شیخ شهید دنبال می‌کرد، عدالت و حکومت قانون وجود داشت، عدالت‌خانه، مهاری بود که شیخ متناسب با امکانات و مقتضیات زمانه، برای تعدیل خودکامگی‌ها و رفع استبداد تهیه دیده بود. او خود در لوائح ایام تحصن در حضرت‌عبدالمعظم(ع) تصریح دارد که انگیزه‌اش از برافراشتن درفش عدالت‌خواهی در صدر مشروطه، تغییر رژیم خودکامگی و محدود کردن اختیارات شاه و دولت به وسیله نمایندگان مردم بوده است. ^۳ شهید نوری، کار خلاف شرع و قانون را از هر کسی می‌دید بر می‌آشت و انتقاد می‌کرد، چه شاه باشد و چه مدعیان دروغین عدل و آزادی. یکی از همسایگان شیخ که در روزهای پرآشوب اواخر مشروطه اول با شیخ دیدار داشته، شرحی از شکایات زیادوی از اعمال خلاف قانون شاه و مشروطه‌چیان تندرو به دست داده است. ^۴ در همان ایام، شیخ نامه‌ای به عضدالملک نوشت و ضمن دفع این شایعه که وی در صدد پناهندگی به سفارت‌خانه‌های خارجی است! باز بر اجرای قانون و دوری از هرج و مرج در کشور تأکید کرد. سخنان فوق، حاکی از قانون‌خواهی و قانون‌مداری شیخ است که در تأیید آن، می‌توان به شواهد دیگری، همچون انتقادات تند وی (در لوائح ایام تحصن) به آشوب‌گری گروه‌های فشار و مداخلات بی‌رویه انجمن‌های قارچ گونه صدر مشروطه و نیز تأکیدش بر لزوم تکمیل و تصویب سریع قانون اساسی اشاره کرد. ^۵ همچنین می‌توان به کلام استوار وی در آغاز رساله «تذکره‌الغافل» اشاره کرد که می‌نویسد: «... حفظ نظام عالم، محتاج به قانون است و هر ملتی که تحت قانون داخل شدند و بر طبق آن عمل نمودند، امور آنها [یسته] به استعداد قابلیت قانون‌شان منظم شد...». ^۶ دعوی شیخ با دیگران، هرگز بر سر «تحدیل» اختیارات شاه و «تعدیل» مظالم دولت نبود؛ چرا که شیخ در لزوم این گونه امور هیچ نوع تردیدی نداشت. فراموش نکنیم که وی پانزده سال پیش از طلوع مشروطه، لحظه‌ای را در پیوستن به نهضت تحریم که مستقیماً اراده شاهانه(استبداد) و مداخله بیگانه(استعمار) را هدف گرفته بود، درنگ نکرده بود. دعوا بر سر این بود، حال که قرار است استبداد مطلقه سلطنتی محدود و مشروط به یک سری قوانین شود، این قوانین باید همان قوانین شرع باشد که ملت مسلمان ایران از عمق جان بدان‌ها ایمان دارد.

منابع در دفتر نشریه موجود است.



شکل‌گیری انگاره **بازی با سرمایه‌های مردم** و پیامدهای آن

نشانه‌روی امر اجتماعی



حمزه عالمی

دکترای اندیشه سیاسی



امر اجتماعی «The Social» مفهومی مهم و گویا در دانش جامعه‌شناسی است که هرچند برخی آن را در مقابل امر سیاسی «The political» که به دولت اشاره دارد با مفهوم جامعه یکسان می‌دانند و به این ترتیب از بار معنایی آن می‌کاهند، اما به نظر می‌رسد استفاده از همان مفهوم امر اجتماعی، چشم‌انداز مهمی را در تحلیل نسبت مسائل جامعه با دولت ارائه می‌کند. امر اجتماعی در یک تعریف ساده عبارت است از آن نقاط و امکان‌هایی که روح اجتماع که همانا همکاری و ارتباط است، در آن موقعیت‌ها مجتمع شده و سبب تولید یک نیروی اجتماعی می‌شود. امر اجتماعی حرکتی در بستر جامعه و مبتنی بر اراده اجتماعی مردم است، اما شکل‌گیری آن بی‌ارتباط با امر سیاسی نیست و دست‌کم فضا و موقعیتی که دولت‌ها بر جوامع حاکم می‌کنند، در شکل‌گیری نوع امر اجتماعی و اهداف و جهات مورد نظر آن تأثیرگذار است.

وجود امر اجتماعی در یک جامعه که برخاسته از پیوندها و روابط طبیعی در یک اجتماع بشری است، به این معناست که جامعه انرژی و نیرویی درون‌زا دارد که سبب شکل‌گیری نظامات اجتماعی و حرکت و پویایی آن جامعه می‌شود و این حرکت به‌طور طبیعی در تعامل یا تقابل با امر سیاسی قرار می‌گیرد. بنابراین امر اجتماعی قابل نادیده گرفتن نیست. دولتمردان در هر جامعه‌ای باید ضمن به رسمیت شناختن امر اجتماعی، رابطه مطلوبی با آن

در پیش گیرند. منظور از رابطه مطلوب، لحاظ کردن مطالبات و خواسته‌های برخاسته از امورات جامعه در سیاست‌گذاری‌هاست. در عین حال بدیهی است که هر دولتی (نظام سیاسی) ارزش‌های خاص خود را دارد و به طور طبیعی به انتشار و نهادینه‌سازی ارزش‌های خود در جامعه می‌پردازد و خواسته‌های جامعه را هدایت و مدیریت می‌کند. این وضعیت تعاملی و تقابلی میان امر اجتماعی با امر سیاسی در هر جامعه‌ای موضوعی طبیعی است، اما مسئله مهم این است که بدانیم این وضعیت چه زمانی بحرانی می‌شود؟

به نظر می‌رسد این موضوع زمانی به سوی بحران نزدیک می‌شود که دولتمردان جوهره شکل‌گیری امر اجتماع را هدف قرار دهند و باید گفت در رابطه با جامعه کنونی ایران برخی از اقدامات دولت را می‌توان نشانه‌ای علیه امر اجتماع تلقی کرد.

نشانه‌های نشانه‌روی امر اجتماعی

فراوانی مشکلات متعدد اقتصادی در جامعه امروز ایران، موضوعی روشن و غم‌انگیز است، اما مهم‌تر از اینها آثار و تبعات روحی این مشکلات است که به صورتی خرنده بخش‌هایی از جامعه را تحت تأثیر خود قرار داده و سبب افزایش آسیب‌های اجتماعی شده است. چنین وضعیتی گویای نشانه‌روی امر اجتماعی است و در این وضعیت آنچه بیش از همه مؤثر است، تحولات بازارهای پولی، سرمایه‌ای و ارزی است. طی یک سال گذشته بخش‌های مهمی از این بازارها، همچون بازار بورس، ارز، طلا و سکه با نوسانات بسیار زیادی مواجه شده که حاصل آن ضرر قابل توجه بخش زیادی از مردم است.

از منظر موضوع این یادداشت، نکته مهم در این است که بازارهای مذکور–درست یا غلط– به کانون

اجتماع و انباشت امید و انگیزه بخش‌های زیادی از مردم ایران تبدیل شده‌اند و انرژی حاصل از اجتماع شمار زیادی از مردم، یعنی آن انرژی و نیرویی که جوهر امر اجتماعی است، حول چنین بازارهایی شکل گرفته است؛ بازارهایی که در مرحله اول تولیدی نبوده و می‌توانند مبتنی بر سرمایه‌های کاغذی و بدون پشتوانه باشند و البته این مشکلی است که بازار بورس ایران را اکنون درگیر خود کرده است.

به این ترتیب امر اجتماعی در جامعه امروز ایران در فضایی غیر اصیل شکل گرفته است؛ فضایی که ریشه‌ها و بنیان‌های معتبری ندارد و نتیجه آن افزایش سرگردانی، بی‌قراری و رفتارهای غیرمدنی در جامعه ایران خواهد بود، به ویژه اینکه مروری بر پیام‌های مردم ذیل اخبار مربوط به بورس، نشانه‌های پُر رنگی از احساس فریب‌خوردگی آنان از سوی سیاست‌های دولت در زمینه بورس را نشان می‌دهد.

علاوه بر این، بازارهای مذکور اگر از ظرفیت‌های معتبری هم برخوردار باشند، باز هم برای اینکه به مرحله تولید وارد شوند، نیازمند دخالت امر سیاسی هستند و در چنین شرایطی است که امر اجتماعی وابسته به امر سیاسی می‌شود و این وضعیتی است که اکنون در جامعه ایران جریان دارد. به این ترتیب امر اجتماعی در جامعه ایران از سوی خطر بزرگی همچون سرگردانی، احساس فریب‌خوردگی و به تبع آن بی‌قراری تهدید می‌شود.

در جوامع شبکه‌ای امروز افراد جامعه درون فضاها و وضعیت‌هایی در هم تنیده و مرتبط با یکدیگر زندگی می‌کنند و هویت آنها در چنین محیطی شکل می‌گیرد، هر چند زنده بودن ارزش‌های دینی در جامعه ایران بخش‌هایی از هویت فرد ایرانی را تأمین و پشتیبانی می‌کند، اما در

آفاق

نظریه نظام **انقلابی** - ۳۷

آسیب‌ها و چالش‌ها



محسن محمدی الموتی
استادیار مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی(ره)

با گذشت بیش از چهار دهه از حیات انقلاب اسلامی، می‌توان آن را در تحقق اهدافش موفق دانست، اما هنوز انتظارات فراوانی متوجه این انقلاب است که باید جامه عمل و تحقق به خود بگیرد. بنابراین، سؤال مهمی که اکنون مطرح می‌شود، این است که چرا نظام انقلابی انتظاراتی را که متوجه آن بوده است، به‌طور کامل محقق نکرده است؟ هدف از آسیب‌شناسی ارائه شده در سلسله نوشتارهای آتی این است که تصویر نسبت‌آروشنی از وضعیت کنونی نظام انقلابی در دهه پنجم حیات آن ارائه شود. در ادامه، تلاش می‌شود به مهم‌ترین این آسیب‌ها و موانع در سه سطح ایده‌ای، ساختاری و کارگزاری اشاره شود. مزیت این تقسیم‌بندی آن است که نگاهی کل‌گرایانه دارد و همه ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را در بر می‌گیرد.

الفد در سطح ایده

منظور از ایده در اینجا، مجموعه دیدگاه‌ها، مباحثات و اندیشه‌ورزی‌هایی است که درباره اداره کشور مطرح می‌شود. این حوزه را می‌توان اساسی‌ترین حوزه مرتبط با اداره کشور دانست؛ زیرا هر گونه تغییر، ولو جزئی، در این حوزه، تغییرات وسیعی در سطح ساختارها و در عملکرد کارگزاران بر جای خواهد گذاشت.

فراز و فرود **جلال‌الدین طاهری اصفهانی** - ۲

علاقمند ساده‌لوح!



پس از رحلت امام(ره)، آیت‌الله طاهری به واسطه برخی نزدیکان و اطرافیان خود از نظام فاصله گرفت. روز سه‌شنبه ۱۸ تیرماه ۱۳۸۱ خبر غیر منتظره استعفای آیت‌الله سیدجلال‌الدین طاهری اصفهانی، امام جمعه اصفهان خبرهای دیگر را تحت‌الشعاع خود قرار داد. آیت‌الله طاهری با انتشار نامه سرگشاده و وه‌ل‌آورد، خطاب به ملت ایران از امامت جمعه اصفهان استعفا داد. بعد از اینکه موجی از بدبینی را به مردم القا کرد، درباره موضوعی که می‌توان گفت از همان اول علت اصلی نامه این چنینی بود، می‌گوید: «موضوعی را که باید در صدر مطالبم به رشته تحریر می‌کشیدم مطرح می‌کنم و می‌پرسم حصر فقهی وزین و مجاهدی نستوه و مرجعی مبارز که ثانی اثنین انقلاب و از اساطین نظام و اوتاد حوزه و اعظام فقه و افاخم کشور است با کدام عقل و نقل و آیه و حدیث و عرف و شرع و سیاست قابل توجیه است؟ سوابق مستحسن و مدارج علمی چه فقیه و مرجعی همسنگ حضرت آیت‌الله منتظری مدظله است؟...». «حال جای این سؤال باقی است که چرا تا زمان





فواد ایزدی، کارشناس سیاسی: اظهارات آنتونی بلینکن، وزیر پیشنهادی خارجه بایدن، در جلسه سنای آمریکا گفته است: «ایران تروریست‌ترین کشور منطقه برای مقابله با فعالیت‌های مخرب منطقه‌ای ایران با اسرائیل هماهنگ هستیم. برای بازگشت به برجام موضوع توانمندی موشکی و حضور منطقه‌ای ایران هم باید مذاکره شود.»



مهدی محمدی، تحلیلگر سیاسی: سیاست «بیانیه در مقابل بیانیه» که آقایان ظریف و روحانی از آن سخن می‌گویند، اگر به معنای پذیرش بازگشت آمریکا به برجام «قبل» از لغو مؤثر تحریم‌ها باشد، خطایی بسیار بزرگ و به معنای اجزای تداوم سیاست فشار حداکثری به دولت بایدن است.



محمد مهدی رحیمی، فعال فضای مجازی: وزیر خارجه گفته است، سیاست‌مان در مواجهه با بایدن «اقدام در برابر اقدام» است و اقدام در برابر بیانیه و امضا را نمی‌پذیریم. باید از آقای ظریف پرسید پنج سال زمان نیاز بود تا به فهم تدبیر رهبری برسید که از ابتدا گفته بودند «تعهد در مقابل تعهد»؟ راستی تکلیف «امضای کری تضمین است» چه می‌شود؟



ابلهان عمر، نماینده ایالت مینه‌سوتا در کنگره آمریکا: ترامپ یک هیولا است. ما هرگز نباید میلیون‌ها انسانی را که از بی‌رحمی و قساوت او رنج کشیده‌اند، فراموش کنیم. او با لابی‌گری تحریم‌های فلج‌کننده‌ای علیه مردم ایران وضع کرد [تحریم‌هایی که] مردم ایران را از ضروری‌ترین ملزومات پزشکی در دوران همه‌گیری [کرونا] محروم کرد و باعث مرگ هزاران نفر شد.



امیرحسین ثانی، فعال فضای مجازی: بدیهی است که بازگشت آمریکا به برجام بدون لغو تحریم‌ها برای ایران ضرر هم دارد؛ اما اگر آمریکا به برجام برگردد و طبق متن برجام تحریم‌هایی را که قرار بود لغو کند هم لغو کند، باز اتفاق خاصی نخواهد افتاد؛ چون اصلی‌ترین تحریم، تحریم چرخه دلار بود که طبق متن برجام سر جای خود باقی مانده است.



مجید خسروان‌جم، کاریکاتورست: به مستند پرتره ضبط کردم با یک بانوی هشتاد ساله. بعد از فوت همسرشون، دیگه لب به چایی نزندند. دلیل؟ «همسرم گفت چایی دم کنم، حوصله نداشتم، خودم رو به نشیندن زدم، خوابش برد، از خواب بیدار نشد.» با چشم‌های بارونی چند بار تکرار کردند: «حیف از آخرین چایی که با هم نوشیدیم.»

نگاهی به پشت پرده تبلیغ گسترده یک پیام‌رسان مشکوک

سیگنال فریب!

از این‌رو به نظر می‌رسد هدف از تبلیغات گسترده در رابطه با امنیت پیام‌رسان سیگنال چیزی جز تبدیل کردن این پیام‌رسان به یک منبع جدید اطلاعاتی برای سرویس‌های جاسوسی آمریکایی نیست؛ چرا که بسیاری از کاربران با این توهم که امنیت اطلاعات خصوصی و کاری آنها در این پیام‌رسان از امنیت بالایی برخوردار خواهد بود، قربانی سرویس‌های اطلاعاتی غربی خواهند شد.



به تبلیغ و ترغیب افکار عمومی جهان به سمت استفاده از پیام‌رسان سیگنال دست زده‌اند که طی دو هفته اخیر با نقض آشکار حقوق بشر و حریم خصوصی شهروندان معترض آمریکایی علاوه بر رصد و شناسایی معترضان و معرفی آنها به نهادهای امنیتی، حذف هواداران ترامپ از فضای مجازی را در دستور کار خود قرار داده و آشکارا از این اقدام خود دفاع می‌کنند.

کاربران جهانی این پیام‌رسان باید به این نکته اشاره کرد که شرکت فیس‌بوک عملاً یکی از بدنام‌ترین شرکت‌های آمریکایی در حوزه رعایت حریم خصوصی کاربران است؛ چرا که مدتی قبل مشخص شد این شرکت در جریان انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ میلادی آمریکا و در قبال دریافت پول، اطلاعات ۸۷ میلیون کاربر خود را در اختیار شرکت انگلیسی «کمبریج آنالیتیکا» قرار داده و این شرکت با استفاده از این اطلاعات و تجزیه و تحلیل روان‌شناختی کاربران، اطلاعات لازم را برای هدف قرار دادن ادراک رأی‌دهندگان آمریکایی به نفع کمپین انتخاباتی دونالد ترامپ مهیا کرده بود. این رسوایی موجب شد تا «کمپسیون تجارت فدرال آمریکا» این شرکت را به دلیل درز اطلاعات و نقض حریم خصوصی کاربران محکوم به پرداخت جریمه ۵ میلیارد دلاری کند؛ اما همان‌گونه که پیشتر اثبات شده، فیس‌بوک شرکتی نیست که از تجارت پر سود فروش کلان داده‌های کاربران «Big Data» خود دست بردارد؛ به همین دلیل نیز موج مهاجرت از واتس‌آپ به دیگر پیام‌رسان‌های مدعی حفاظت از حریم خصوصی کاربران آغاز شده است که در صدر این پیام‌رسان‌ها پیام‌رسان مشکوک «سیگنال» وجود دارد!

سیگنال «Signal» یک پیام‌رسان متن‌باز با امکان ارسال پیام‌های متنی، صوتی و تصویری رایگان و امن است که از طریق یک بنیاد به ظاهر غیر انتفاعی راه‌اندازی شده است و کاربران تنها با ثبت شماره تلفن همراه خود امکان استفاده از این پیام‌رسان را دارند.

جالب است که رسانه‌های غربی در حالی

نوید کمالی

دبیر گروه رسانه



طی هفته گذشته ماجرای سیاست گذاری جدید واتس‌آپ در رابطه با به اشتراک‌گذاری اطلاعات کاربران این پیام‌رسان با فیس‌بوک به یکی از جنجالی‌ترین خبرهای حوزه رسانه و فضای مجازی جهان بدل شد؛ چرا که تعداد کاربران این پیام‌رسان بالغ بر ۲ میلیارد نفر است و هر گونه دست درازی به اطلاعات خصوصی کاربران بخش قابل توجهی از جمعیت جهان را با تهدید امنیتی روبه‌رو می‌کند.

ایسن جنجال از جایی آغاز شد که واتس‌آپ بدون هرگونه اطلاع‌رسانی قبلی با نمایش یک اطلاعیه به کاربران خود اعلام کرد که اگر مایل به استفاده از نسخه جدید این پیام‌رسان هستند، باید با قوانین جدید آن موافقت کنند و اگر تا تاریخ ۸ فوریه موافقت خود با این قوانین را اعلام نکنند، حساب واتس‌آپ آنها برای همیشه غیر فعال خواهد شد.

این اطلاعیه وقتی داد کاربران را در آورد که مشخص شد مهم‌ترین هدف واتس‌آپ از طرح این درخواست گرفتن تأییدیه کاربران برای ارائه ریز اطلاعات مربوط به فعالیت‌های آنها به شرکت فیس‌بوک است؛ چرا که ارائه اطلاعات کاربران به این شرکت بدون جلب موافقت کاربران می‌تواند پیامدهای حقوقی سنگینی را برای مدیران این پیام‌رسان به همراه داشته باشد.

برای درک بهتر چرایی اعتراض و نگرانی

شکوه شریفی

دکتری اقتصاد



طی سال‌های اخیر، مداخلات آمریکا در امور داخلی کشورهای گوناگون نشان داده است که فضای مجازی در جعبه ابزار سیاست خارجی واشنگتن به یک سلاح کشتار جمعی تبدیل شده است و در این زمینه مطالعه مقاله پیتر سینگر و امرسون بروکنیک در مجله «فارین پالیسی» به تاریخ اکتبر ۲۰۱۸ با عنوان «جنگ آینده لایک خواهد شد» می‌تواند به درک بهتر ماهیت فضای مجازی در دستگاه سیاست خارجی آمریکا کمک کند.

این دو پژوهشگر در این مقاله تأکید کرده‌اند که فضای مجازی صحنه جنگ واقعی است و

در این جنگ آنچه کاربران به اشتراک می‌گذارند، تعیین‌کننده چیزی است که در صحنه نبرد رخ می‌دهد؛ در این جنگ کلمات و به خصوص تصاویر منتشر شده از سوی کاربران نقش مهمات جنگی را ایفا می‌کنند، کار این مهمات جنگی بیش از آنکه گفتن خبر یا بیان نکته‌ای باشد، دفن حقایق با استفاده از پرت کردن حواس مخاطبان است. این نکته می‌تواند رازگشای چرایی سر و صدای آمریکایی‌ها در رابطه با اعمال محدودیت اینترنتی در دیگر کشورها به ویژه ایران باشد! جالب است که آمریکایی‌ها حتی اجازه دسترسی ملت ایران به دارو و مواد غذایی وارداتی را نمی‌دهند؛ اما همواره خود را نگران دسترسی مردم به اینترنت نشان می‌دهند!

مسارک دیوویتز، مدیر اجرایی بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها که نقش عمده و آشکار او در پخت و پز طراحی سیاست‌های ضد ایرانی آمریکا بر

کسی پوشیده نیست، به همراه دنیل شاپیرو، سفیر سابق آمریکا در سرزمین‌های اشغالی در مقاله‌ای مشترک در ایام اغتشاشات دی ماه سال ۱۳۹۶ در نشریه «پولیتیکو» نوشته بودند: «دولت آمریکا باید اطمینان حاصل کند که شرکت‌هایی، مانند تلگرام، توییتر، اینستاگرام با درخواست حکومت ایران مبنی بر مسدود کردن کانال‌های مورد استفاده معترضین برای سازماندهی و برقراری ارتباط، موافقت نکنند.»

آمریکایی‌ها در جریان اعتراضات اخیر این کشور اثبات کردند که بدون واهمه و رودربایستی حساب‌هایی اینترنتی فعالی را که حتی احساس کنند لازم است از دسترس خارج شود، مسدود می‌کنند؛ اما در مقابل مردم دیگر کشورها و به ویژه مردم کشور ما را به استفاده از بسترهای ارتباطی آمریکایی تشویق و ترغیب می‌کنند و متأسفانه ما و مردم ما بعضاً دوستی «آش را با جاش» تقدیم

بازتولید استعمار در فضای مجازی

دشمن می‌کنیم! مداخلات آمریکا در امور داخلی کشورهای مختلف طی سال‌های اخیر نشان می‌دهد، فضای مجازی به یک سلاح کشتار جمعی در جعبه ابزار سیاست خارجی واشنگتن تبدیل شده است و دیگر نیروهای نظامی آمریکایی یا وابسته به آمریکا نیستند که حکومت‌ها را سرنگون می‌کنند، بلکه این نقش به نیروهای سفید و به ظاهر مردمی سپرده شده است و این مردم عادی هستند که ناخواسته با قراردادن اطلاعات خود در فضای مجازی به پیشبرد اهداف صاحبان اصلی این شبکه‌ها که آمریکایی و عمدتاً صهیونیست هستند، کمک می‌کنند. لذا باید پذیرفت که ارائه اطلاعات شخصی به شبکه‌های اینترنتی آمریکایی از توییتر و فیس‌بوک گرفته تا واتس‌آپ و سیگنال عملاً خدمت به توطئه دشمنان کشورمان بوده و زمینه‌ساز استعمار نوین است.

خبر خوب

ایمن در معدن!

لباس هوشمند معدن کاران



کار در معدن و استخراج منابع زیرزمینی همواره برای معدن‌کاران سخت و خطرناک بوده است، به همین دلیل یک گروه از دانشمندان جوان و فناور کشورمان در قالب یک استارت‌آپ ایرانی موفق به طراحی و ساخت لباس کار هوشمند برای معدن‌کاران شده‌اند تا به صورت لحظه‌ای

علامین حیاتی افراد و گازهای خطرناک معدن را به مرکز کنترل ارسال کرده و از جان معدن‌کاران حفاظت کنند. رویکرد اصلی این تیم طراحی و توسعه راهکارهای نوآورانه با هدف حمایت از ایجاد پلتفرم‌های اقتصادی و کسب و کارهای نوپا است.

پژواک

تبلیغ برای اشغالگران!

محکومیت عرضه تولیدات صهیونیست‌ها



تصاویر محصولات کشاورزی شهرک‌نشینان صهیونیست که در دبی به فروش می‌رسد، با موجی از محکومیت در شبکه‌های اجتماعی همراه شد. فعالان شبکه‌های اجتماعی معتقدند حکومت امارات در حالی برای محصولات صهیونیستی در این کشور تبلیغ می‌کند که این محصولات در زمین‌های به

سرقت رفته از فلسطینی‌ها کاشته شده است. امارات چند روز پیش نخستین محموله از محصولات کشاورزی شهرک‌نشینان صهیونیست را وارد خاک خود کرد که دولت وابسته به تشکیلات خودگردان فلسطین نیز این اقدام امارات را محکوم کرد.

نرم افزار

تذکره

جعبه ابزار مذهبی در دسترس



در دسترس بودن مناسبت‌های مذهبی و یساده داشتن این مناسبت‌ها همیشه یکی از دغدغه‌های افراد است؛ «تذکره» یک اپلیکیشن تقویم، اذان‌گو و یادآور مذهبی است که بنا دارد به شما در انجام امور ساده و مهم معنوی روزانه‌تان کمک کند. اموری مانند یادآوری برای قرائت روزانه قرآن، ختم چند

صلوات یا اذکار روز، پرداخت روزانه مبلغی صدقه، قرائت فاتحه‌ای برای آموزش روح عزیزان در گذشته، خواندن به موقع نمازهای روزانه، بجا آوردن نمازهای قضا از جمله امکانات این تقویم ایرانی جدید است.

یادداشت

جشنواره فجر در هاله‌ای از ابهام!

آرش فهیم

منتقدسینما



جشنواره فیلم فجر در نحوه برگزاری اش یک نمونه کم‌نظیر و شگفت‌انگیز در میان رویدادهای معتبر سینمایی جهان به شمار می‌آید؛ جشنواره‌ای که هر سال شیوه و ساختار برگزاری‌اش، تغییر می‌کند و هیچ چشم‌انداز و برنامه مشخصی ندارد. طوری که در هر دوره، بخش‌هایی جدید به آن اضافه می‌شود و بخش‌هایی حذف؛ نحوه نمایش فیلم‌ها، جوایز و حتی مرکز (کاخ) جشنواره نیز هیچ‌گاه ثبات ندارد. اما سسی‌ونهمین دوره جشنواره فیلم فجر، در زمینه بی‌برنامگی، رکورددار است. تا زمان نگارش این یادداشت که فقط چند روز به آغاز برگزاری «مهم‌ترین رویداد سینمایی ایران» باقی است، هنوز حتی مشخص نیست که آیا فیلم‌های جشنواره برای مردم و اهالی رسانه اکران خواهد شد یا نه!

ماجرای این قرار است که با توجه به شیوع ویروس کرونا و خطرات تجمع افراد در سالن‌های سینما و صفوف دریافت بلیت و... امسال همه جشنواره‌های سینمایی به سمت مجازی شدن یا لغو برگزاری رفتند؛ اما مدیران جشنواره فجر، ابتدا ساده‌ترین راه را برگزیدند؛ یعنی این گونه طراحی کردند که فیلم‌ها فقط برای داوران نمایش داده شود و برندگان، بدون دیده شدن از سوی مردم و منتقدان، جوایز خود را دریافت کنند. در نهایت نیز تصمیم مدیران جشنواره تغییر پیدا کرد و گفتند که جشنواره با حضور تعداد کمی از اهالی رسانه برگزار خواهد شد و سپس اعلام کردند که هنوز همین تصمیم هم قطعی نشده است و... خلاصه تا اینجا ی کار، همه چیز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد! این در حالی است که تقریباً همه جشنواره‌های معتبر و مهم سینمایی جهان، خود را با شرایط کرونایی تطبیق داده‌اند. برای نمونه، جشنواره برلین، با دو ماه تأخیر در فصل بهار برگزار خواهد شد تا هم شیوع ویروس کرونا کاهش یافته باشد و هم به دلیل افزایش دمای هوا، اکران آثار در فضای باز انجام شود. جشنواره فیلم کن، اصلاً مراسم و نمایش فیلم نداشت و فقط فیلم‌های برگزیده با نشان‌واره این جشنواره به گردونه اکران جهانی پیوستند. مراسم اسکار ۲۰۲۱ نیز به دلیل همین شرایط با چند ماه تأخیر در فصل بهار برگزار خواهد شد. اما مسئولان جشنواره فیلم فجر، اصراری بی‌دلیل برای برگزاری این جشنواره در زمان و در سالن‌های همیشگی دارند!

نکته در خور تأمل این است که در سیاست‌ها و برنامه‌های اعلامی مدیران سی‌ونهمین جشنواره فیلم فجر، همچنان همان بی‌هویتی و فقدان راهبرد برای تأثیرگذاری و جریان‌سازی در سینما دیده می‌شود. برای نمونه، در شرایطی که کشورمان با چالش‌ها و بیم و امیدهای متفاوتی مواجه است؛ از جریان‌های منطقه‌ای و جهانی مرتبط با کشورمان از جمله مسائل جبهه مقاومت و آمریکا گرفته تا مبارزه با ویروس کرونا- اما برای جشنواره فجر هیچ طرحی خاصی جهت بازتاب این رویدادها به زبان سینماصورت نگرفته است! اینها همه دست به دست همه داده است تا بسیاری از علاقه‌مندان سینما، آن شوق و علاقه‌سال‌های قبل برای حضور در جشنواره فجر و پیگیری فیلم‌ها را نداشته باشند.

بیگانه پر تناقض و با خانمان جذاب!



نسیم اسدپور

دبیر گروه فرهنگ

این شب‌ها، رسانه ملی با دو سریال جدی و طنز با مخاطبان خود روبه‌رو شده است که به نظر می‌رسد، هر کدام از این دو مجموعه تلویزیونی، حال و اوضاعی متفاوت از دیگری دارد و نمره‌ای متفاوت از آن دیگری می‌گیرد.

♦ بیگانه‌ای با من است

فصل اول سریال «بیگانه‌ای با من است» تمام شد و حالا پخش فصل دوم این سریال ۵۰ قسمتی از شبکه دوم سیما آغاز شده و هر شب ساعت ۲۱:۳۰ بر روی آنتن می‌رود. سریالی که به دلیل ماجراهای پیچیده‌اش و پس زمینه خانوادگی‌اش تا حدی مورد استقبال مخاطبان به ویژه خانم‌ها قرار گرفته است، اما آیا هر سریالی که مورد توجه قرار بگیرد، لزوماً سریال خوبی است؟!

فیلمنامه خوبی دارد و می‌تواند آموزنده باشد؟! قطعاً این گونه نیست؛ چرا که فیلم‌های بسیاری هستند که به واسطه نوع پردازش فیلمنامه شاید جذاب باشند اما مملو از آموزه‌های منفی هستند. «بیگانه‌ای با من است» هر چند مفهومی با ارزش دارد و آن هم نکوهش دروغ و تأکید بر راستی و درستی است، اما این مفهوم با ارزش در قالب فیلمنامه‌ای بیان شده که پر از اتفاقات بدون علت است! همه اتفاقات تصادفی است و این یکی از جدی‌ترین ضعیف‌های فیلمنامه است؛ برای نمونه، همه چیز دست به دست هم می‌دهد تا دقیقاً سر یزنگاه‌های مختلف، «نسا» از دسترس کسانی که «مینو» را می‌شناسند و او خودش را به عنوان مینوی دروغین جازده است، دور بماند. در واقع می‌توان گفت، پایه و اساس فیلمنامه بر روی اتفاقات تصادفی، عجیب و غریب و دور از واقع قرار دارد و احتمالاً نیز برای باز شدن گر‌های موجود در داستان، نویسنده مجبور می‌شود باز هم دست به دامن همین اتفاقات تصادفی شود و همین باعث می‌شود تا سلیقه بینندگان نیز به این گونه داستان‌های بی‌علت و معلول عادت کند، مانند آنچه در سریال‌های ضعیف کره‌ای شاهد هستیم.

جالب این است که از طرفی گاهی حتی همین اتفاقات تصادفی هم به خوبی کنار هم قرار نگرفته‌اند؛ برای نمونه، نسا یا همان مینوی قلابی، وقتی متوجه می‌شود که داماد خانواده به هویت واقعی او پس‌ی برده، خانه را ترک نمی‌کند و دلایش را هم بی‌خانمانی و بی‌پولی می‌داند، این در حالی است که در جای جای فیلمنامه به وجود یک گردنبند عتیقه که به نسا هدیه داده شده و همان می‌تواند مشوق او برای فرار باشد، اشاره می‌شود. یکی از ضعف‌های دیگر این سریال را در شخصیت‌پردازی‌ها می‌توان جست‌وجو کرد؛ بیشتر شخصیت‌های اصلی داستان دروغگو هستند و آنهایی هم که حقیقت‌جو و راستگو هستند و تعدادشان به اندازه انگشتان دست نمی‌شود، نادان و ساده‌لوحند؛ به گونه‌ای که حرفه‌های دروغ را به راحتی باور می‌کنند و گول آنها را می‌خورند و جالب است در مواردی حتی به راحتی با خیانت و دروغ یک نفر کنار می‌آیند! مانند آنچه در قسمت آخر فصل اول شاهد بودیم که در آن، جاوید خیانت می‌کند، غیر عمد زن صیغه‌ایش را می‌کشد و دروغ می‌گوید؛ اما باز هم با عزت به آغوش خانواده راستگوی همسر اصلی‌اش باز می‌گردد!

♦ با خانمان

و اما سریال این شب‌های شبکه سوم سیما، سریالی طنز با بازیگران حرفه‌ای و توانمند است. «با خانمان» خیلی خوب از پس لحظه‌های شیرین کم‌دی برآمده است و می‌توان گفت با خانمان یکی از بهترین سریال‌های طنزی است که در سال‌های اخیر از شبکه‌های تلویزیون پخش شده است.

برداشت

حراج گراف!

نگاهی به حاشیه و متن حراج پر سروصدای تهران!

برای گالری‌دارها، ارائه پیشنهادهای کاذب در چنین حراج‌هایی است؛ برخی افراد که مجموعه‌هایی از آثار هنری و تجسمی دارند، با شرکت در حراج تهران و ارائه پیشنهادهای بسیار بالا برای برخی آثار هنری، در ظاهر ممکن است زبان کنند و یک اثر را با قیمت گزافی بخرند، اما واقعیت این است که افزایش سطح قیمت‌ها باعث می‌شود تا کل مجموعه آنها هم با یک افزایش قیمتی مواجه شود

TEHRAN
حراج تهران
AUCTION

عمله هنرمندان مجال چندانی برای عرضه ندارد و همین مسئله سبب شده است تا چرخ صنعت هنری و تجسمی در کشور، بسیار دشوار به گردش دربیاید. در چنین شرایطی، برپایی حراج‌هایی مانند حراج تهران، می‌تواند فرصتی برای عرضه آثار هنری باشد؛ ولی مسئله اصلی قیمت‌گذاری در این حراج‌هاست. قیمت‌گذاری در این حراج‌ها بر چه اساسی است؟ یکی از راه‌های بالا بردن قیمت

شاهرخ صالحی

روزنامه‌نگار

چند سالی است که در تهران عرضه آثار هنری با نام «حراج تهران» برگزار می‌شود. امسال هم سیزدهمین دوره این حراج که با عرضه ۱۱۰ اثر هنری برگزار شده بود، مورد بحث بسیار قرار گرفت و این سؤال مهم را ایجاد کرد که تأثیر این حراج در صنعت هنری و تجسمی ایران کجاست؟! با وجود اینکه سالانه هنرمندان بسیاری در کشور آثار هنری و تجسمی تولید می‌کنند، اما به جز معدودی از هنرمندان که با برپایی گالری و نمایشگاه‌های انفرادی و گروهی آثار خود را عرضه می‌کنند، آثار

نمایشگاه

دو قرن طراحی

بازدید از آثار هنرمندان برجسته



نمایشگاه مجازی «دو قرن هنر طراحی در ایران» آغاز به کار کرد. این نمایشگاه تا ۳۰ بهمن ۱۳۹۹ به صورت مجازی و در صفحه اینستاگرام موزه هنرهای دینی امام علی(ع) با شناسه @ iram_art به نمایش در می‌آید. این نمایشگاه نگاهی به سیر و روند ۲۰۰ سال هنر طراحی در ایران است که در آن آثار هنرمندانی، چون ابوالحسن مستوفی غفاری «ابوالحسن اول»، ابوالحسن غفاری «صنیع‌الملک»، علی‌اکبر مزین‌الدوله، محمد غفاری «کمال‌الملک» و... در معرض دید علاقه‌مندان قرار می‌گیرد.

سرود

اون چیه که، اون کیه که

چاپ پنجم اثر مصطفی رحماندوست



«اون چیه که، اون کیه که» سروده مصطفی رحماندوست برای پنجمین بار بازنشر شد. این کتاب مجموعه‌ای از چیستان‌های شیرین و خواندنی است که به زبان شعر برای کودکان هفت سال به بالا (نوخوان) سروده شده است. کتاب شعر «اون چیه که، اون کیه که» که برای اولین بار در سال ۱۳۸۶ از سوی کانون به چاپ رسیده، با تصویرگری علی خدایی آراسته شده است. علاقه‌مندان می‌توانند این اثر را از فروشگاه‌های محصولات فرهنگی و فروشگاه اینترنتی محصولات کانون، به نشانی «shop.kpf.ir» خریداری کنند.

یادداشت

ما و کتاب‌های دفاع مقدسی

محسن باقری‌اصیل‌نسب

خبرنگار

باز هم دفاع مقدس خط‌شکنی کرد؛ این بار در حوزه کتاب و کتابخوانی. چند روزی است که اولین نمایشگاه مجازی کتاب تهران شروع به کار کرده و با استقبال مخاطبان روبه‌رو شده است. اولین تجربه برگزاری مجازی نمایشگاه کتاب را انتشارات «سوره مهر» با مشارکت چندین انتشارات فعال در حوزه دفاع مقدس، در شهریور و مهر امسال پایه‌گذاری کرد. این تجربه موفق سبب شد که وزارت ارشاد هم آستینی بالا بزند و کاری کند که قدری از ضرر و زیان ناشران به دلیل برگزار نشدن نمایشگاه کتاب در سال جاری، جبران شود.

کتاب‌های دفاع مقدسی، چندین و چند سال است که مانند روزهای حماسه و جهاد، خط‌شکنی می‌کنند و همچنان در بازار کتاب، جزء پرفروش‌ها هستند. همین چند روز پیش کتابی که خاطرات خودنوشت شهید حاج قاسم سلیمانی است و انتشارات مکتب حاج قاسم منتشر کرده، در عرض چند روز به چاپ بیست‌ونهم‌رسید.

در این سال‌ها نمونه‌های زیادی بوده‌اند که نشان داده‌اند کتاب‌های حوزه ادبیات پایداری، به ویژه کتاب‌های خاطرات شفاهی و روایت‌های زنده و بی‌واسطه، همواره توانسته‌اند نظر مخاطبان‌شان را جلب کرده و به فروش بالایی دست پیدا کنند.

انتشارات سوره مهر در نمایشگاه مجازی کتاب با عنوان روشنی‌های خاطره‌ها، با اینکه می‌توانست به تنهایی محصولات خود را به مخاطبانش عرضه کند؛ اما از ناشران موفق در این عرصه دعوت کرد تا در این حرکت فرهنگی همراهی‌اش کنند. انتشارات روایت فتح، بعثت ۲۷، شهید کاظمی و یا زهر(س) از جمله ناشران فعالی بودند که سوره مهر را در این اقدام همراهی کردند. استقبال مخاطبان هم بیشتر از آن چیزی بود که انتظار می‌رفت. مخاطبان تهرانی خیلی زود و فقط چند ساعت بعد از خریدهای‌شان کتاب‌ها را تحویل می‌گرفتند و خوانندگان شهرستانی نیز با ارسال رایگان از طریق پست، خیلی زود به کتاب‌های‌شان دسترسی پیدا می‌کردند.

در این میانه انتخاب مناسب کتاب‌های دفاع مقدس از بین انبوهی از تولیدات این سال‌ها هم از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. حالا که امکان خرید مجازی با امکانات مناسب برقرار شده، توصیه می‌کنیم قبل از خرید هر کتاب در حوزه دفاع مقدس، نام کتاب را در جست‌وجوگرها درج کنید و از خلاصه آن و اطلاعات اولیه‌اش مطلع شوید. سپس فهرست از بین همه نام‌ها و کتاب‌هایی که انتخاب کرده‌اید، بنویسید تا بتوانید به‌خوبی از بین آنها گزینش کنید. همچنین پیشنهاد می‌کنیم کتاب‌های خوب و خواندنی این حوزه را از بین منشورات نشرهای شهید کاظمی، سوره مهر، ستاره‌ها، ۲۷ بعثت، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، روایت فتح، فاتحان، یا زهر، نارگل و امثال آن انتخاب کنید. بی‌شک، حساسیت این ناشران در انتخاب آثار مفید، می‌تواند خیال‌تان را برای یک خرید مطمئن و جذاب، راحت کند. با این همه، هیچ راهی، جای تحقیق درباره کتاب‌ها، قبل از خریدشان را نمی‌گیرد.



میشم رشیدی‌مهر آبادی دبیر گروه دفاع مقدس

در دو شماره گذشته به بهانه همزمانی این روزها با اجرای عملیات کربلای ۵ در منطقه شلمچه و در دی‌ماه سال ۱۳۶۵ نگاهی به جلسه مهم فرماندهان ارشد جنگ تحمیلی برای تصمیم‌گیری آغاز این عملیات داشتیم. در این جلسه که ساعت ۲۲ هفده دی‌ماه ۱۳۶۵ با حضور آقای هاشمی‌رفسنجانی و فرماندهان سپاه در قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء(ص) آغاز شد و تا سحرگاه فردایش (۱۸ دی‌ماه) ادامه داشت، موضوعات مهمی بیان شد که بخشی از آن را مرور کردیم و حالا ادامه ماجرا را می‌خوانید...

در این جلسه، فرماندهان مختلف نظرات‌شان را بیان کردند. برادر محسن رضایی با اخذ نظرات مختلف، مخالف بود و برخی نیز با انجام عملیات در آن شرایط موافقت داشتند.

برادر محمدعلی جعفری معتقد بود، مگر آیه قرآن است که ما تا ۱۰ روز دیگر حتماً و در هر شرایطی عمل کنیم؟... جلسه بار دیگر به بن‌بست رسید. اظهارات برخی حاضران حاکی از آن بود که اگر دستور است و قرار نیست مسائل حل شود، آن را آقای هاشمی بگوید. با این وضعیت مسئولیت نتایج عملیات متوجه آقای هاشمی می‌شد. به همین دلیل لازم بود تصمیم‌گیری نقش فرماندهان سپاه در تصمیم اتخاذ شده را بیشتر توضیح دهد و نقش آن را در این خصوص یادآور شود. حتی آقای هاشمی هم که قبلاً با قاطعیت، انجام عملیات را تکلیف کرده بود، دچار تردید شده بود و سعی داشت به یقین برسد.

حجت‌الاسلام هاشمی گفت: اگر من نظامی باشم، با مجموعه اطلاعات خود، تصمیم را روشن‌تر می‌گیرم. نمی‌توانم همین‌طور بگویم که

بزنیذ و بروید. بعد از عملیات کربلای ۴ آقایان فرماندهان آمدند و گفتند ما تصمیم گرفتیم ظرف یک هفته تا ۱۰ روز در شلمچه بچنگیم. ارتشی‌ها هم بودند. همه گفتند خوب است. بعد از آن هم هر چه به من اطلاع داده شد، نشان می‌داد واحدها دیگر حرفی ندارند. تأخیر برای ما الان خسارت نظامی دارد. اما الان مسئولان، قبول ندارند. چگونه می‌شود تصمیم گرفت؟

برادر سنجقی، مشاور آقای هاشمی در سپاه، نظر جالبی داد و گفت: شما با آقا محسن جلسه بگذارید، به یک تدبیر برسید و ابلاغ کنید تا برادران بروند پای کار. دیگر کسی چیزی برای گفتن ندارد. هر کس چیزی ته دلش بود، گفته است... اما آقای هاشمی هنوز مردد بود و می‌خواست به نتیجه قطعی برسد. او موافق بود که عملیات ۱۰ روز به تعویق بیفتد تا وضعیت مهندسی صحنه نبرد بهتر شده و تاریکی شب هم برای انجام عملیات، بیشتر شود. برادر غلامپور معتقد بود دشمن عکس هوایی می‌گیرد و نیازی نیست کسی عملیات را لو بدهد! آقای هاشمی هم می‌گفت: به نظر می‌رسد تا ۱۰ روز دیگر همه چیز لو می‌رود... جلسه، بار دیگر به بن‌بست رسید.

برادر رحیم صفوی هم به آقای هاشمی گفت: دیگر شما با آقا محسن می‌توانید تصمیم بگیرید. اینجا دیگر اصلاً جای نظر نیست. ما حرف‌های‌مان را زده‌ایم. اگر قرار است عملیات نکنیم، همه امکانات باید بروند عقب، جایی که قابل عکسبرداری نباشد.

هاشمی گفت: نیرویی که این کار را بر سرش بیاوریم، ۱۰ روز دیگر دوباره بخوابیم بیاوریم تا در اینجا بچنگد، دیگر چه اعتمادی به فرمانده‌اش دارد؟

برادر محسن هم معتقد بود: اصلاً امشب جزء عملیات است و اگر بگویم عمل نشد، خود، یک شکست است. حالا که شده، یک وضع خاص و

اضطراری است.

آقای هاشمی هم ادامه داد: حالا این عملیات ۵ یا ۱۰ روز به تأخیر بیفتد، مسئله‌ای نیست؛ اما آنچه آدم می‌فهمد این است که مجموعه فرماندهان سپاه که حالا مسئول جنگ هستند، دیگر در شرایط آینده، قدرت تصمیم‌گیری برای عملیات نخواهند داشت؛ چرا که هیچ عملیاتی در آینده بدون این محدودیت نخواهد بود.

برادر محمدزاده ادامه صحبت را اینگونه پی‌گرفت که: امام گفته‌اند که این جنگ ممکن است ۲۰ سال هم طول بکشد. سپاه هم می‌خواهد ۲۰ سال بچنگد. بحث این را هم ندارد که یک پیروزی در لحظه به دست بیاورد. سپاه می‌خواهد ۲۰ سال بچنگد، ولو اینکه این ۲۰ سال جنگ هم کربلا باشد...

هاشمی گفت: شما فکر می‌کنید امام(ره)

می‌خواهند ما اینطوری بچنگیم؟

محمدزاده گفت: ما اینطوری فهمیدیم. یک ماه و نیم پیش فرماندهان رفتند پیش امام که فرمودند: شما ان‌شاءالله می‌روید کربلا و من هم می‌آیم آنجا با هم نماز می‌خوانیم. این برای ما خط مشی است. هاشمی اما با این نظر موافق نبود و عقیده داشت امام گفته‌اند ولو ایدایی بچنگید، ولی فرماندهان جنگ را تعطیل کرده‌اند و چند ماه است که هیچ خبری از عملیات نیست. از اول امسال پشت سر هم نیروآمده و برگشته است!

هاشمی می‌گفت: جنگ الآن فقط از طرف عراق است. الآن ملت‌هاست که هر روز یک کارخانه یا مکانی را می‌زنند. هر روز دارد شهرمان را می‌زنند. از طرف ما که جنگی نیست. هر روز مردم‌مان را قطار می‌کنیم و می‌آوریم اینجا؛ سه ماه می‌مانند و بعدش هم برمی‌گردند. امام چند روز قبل با اوقات تلخی درباره این تأخیرها با من حرف زدند...

چشم هاشمی به نظر محسن رضایی بود و انتظار داشت او حرف آخر را بزند. محسن رضایی هم



بررسی یک جلسه مهم ۲۴ ساعت پیش از آغاز کربلای ۵ - پایانی

چرا هیچ خبری از عملیات نیست؟!

با لبخند گفت: این جمع فایده نکرد! با هم برویم ان‌شاءالله خدا کمک می‌کند.

علی ششمخانی درباره انجام عملیات‌های محدود و ایدایی نکته مهمی داشت که باید مطرح می‌کرد. ادامه صحبت آقا محسن را گرفت و گفت: ما عملیات‌های محدود را طبق حکم امام اجرا کرده‌ایم... ما برای عملیات وسیع برنامه‌ریزی می‌کردیم. علت هم دارد. همین الان که شب عملیات‌مان است، مهمات خمپاره ۱۲۰ ما به اندازه یک آتش شکستن خط نیست! اگر عملیات ایدایی می‌کردیم، همین مقدار مهمات را هم نداشتیم. به همین دلیل پذیرفتیم که مدتی متوقف بشود.

حجت‌الاسلام محمدعلی عراقی خطاب به آقای هاشمی گفت: بحث‌های دسته‌جمعی شده. نیم ساعت هم شما مذاکره دو نفره داشته باشید و برادران هم در این فرصت نماز ام‌ام زمان را می‌خوانند و دوباره به جلسه برمی‌گردند و جواب را می‌گیرند. ساعت از چهار صبح گذشته بود. همه صلواتی فرستادند و رفتند... بعد از مدتی دوباره جلسه تشکیل شد و فرمانده عالی جنگ، تصمیم قطعی خود را برای انجام عملیات در زمان مقرر اعلام کرد. آقای هاشمی گفت ما با آقایان مشورت کردیم و قرار شد ان‌شاءالله فردا شب عملیات انجام شود. فقط برادر محسن رضایی می‌تواند این عملیات را متوقف کند... خدا نمر می‌دهد ان‌شاءالله. به هر حال ما یک جنگ قطعی با عراق باید داشته باشیم و بهترین جای جنگ هم همین جاست و بهترین شرایط زمانی همین حالاست. بچه‌ها حتماً انگیزه بیشتری دارند که انتقام را از دشمن بگیرند. بعد از شکستن خط، ان‌شاءالله میدان به میدان می‌رویم جلو. ما ۲۰ کیلومتر که برویم جلو، به بصره رسیده‌ایم.

همه حاضران «ان‌شاءالله» گفتند و جلسه تمام شد؛ اما این آغاز راهی بود که در تاریخ جنگ‌مان ماندگار شد؛ آغاز عملیات مهمی با نام کربلای ۵...

خاطره

جای گلوله



جلو می‌روم. ابتدا من و پشت سرم زینب. باید احسان را می‌دیدم تا خیالم راحت بشود. در تابوت را باز می‌کنند. وقتی چشمم به چند تکه استخوان می‌افتد که از بس در خاک مانده، نمور شده و رنگش عوض شده، بند از بند وجود گسسته می‌شود. با خودم می‌گویم: «آیا این همان جوان رشید و چهارشانه من است که حالا این چنین شده؟» اکراه دارم به استخوان‌ها دست بزنم. نکند استخوان شهید دیگری باشد؛ تا این سؤال از ذهنم عبور می‌کند، خودم به خودم پاسخ می‌دهم: «اگر مطمئن نیستی، به نشونه وجود داره که بتونی بفهمی احسانه یا نه. به پاش نگاه کن. به روی پای راستش. اگر جای گلوله هنوز روی پاشه، پس مطمئن باش که خودشه.» خودش است. هنوز جای گلوله... روی پایش دیده می‌شود. حالا خیالم راحت می‌شود.

راوی: سیده‌فاطمه میرکریم‌پور
(همسر شهید مدافع حرم سیداحسان میرسیار)

قاب

خط خوش وسط بیابان



هم ساخت تابلوها با ما بود و هم نوشتن روی آنها. کلی با هم بحث می‌کردیم که روی تخته‌های چوبی چه چیزی بنویسیم تا حس و حال بیشتری به بچه‌های رزمنده بدهد. وقت نوشتن هم که می‌شد، تمام تلاش‌مان این بود که خوش‌خطرتر از همیشه بنویسیم. انگار نه انگار این تابلوها قرار بود وسط بیابان و روی خاکریزها نصب شود....

تازه‌ها

داغ ۱۶ عزیز

اگر ندانید که حمیدرضا حاجی‌بابایی این روزها نماینده مردم همدان در مجلس شورای اسلامی است، حتماً یادتان هست که او چندین سال وزیر آموزش و پرورش بود. کتاب «حاج جلال» خاطرات پدر او، حاج جلال حاجی‌بابایی است که همه فرزندان‌ش را در دوران دفاع مقدس به جبهه‌ها فرستاد و دو فرزندش در سال‌های ۱۳۶۱ و ۱۳۶۴ به شهادت رسیدند. به غیر از این دو فرزند، جنگ، ۱۴ نفر دیگر از حاج جلال را هم گرفت، با این حال خود او هم لباس رزم پوشید و به جبهه رفت. این کتاب را انتشارات «سوره مهر» به تازگی منتشر کرده است.



صداق

هفته نامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

صاحب امتیاز

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مدیرمسئول:یدالله جوانی

سردبیر:علی حیدری

شورای سیاست گذاری:

علی قاسمی،سیامکباقری،سعداللهزارعی،

فرهادمهدوی،مهدی سعیدی،فتح الله پیرشان،

محمدرضامهدیاراسماعیلی،حسین عبداللهی فر

دبیرتحریریه:سیدفخرالدین موسوی

مدیرفنی: محمد صالح نادری

صفحه آرا:علی اکبر هدایتی

عکاس: حامد گوردوزی

ناظر چاپ:سعید قاسمی

چاپ: مرکز چاپ سپاه: ۰۲۱)۳۸۵۲۲۴۴۶

تلفن: ۰۲۱)۷۷۴۶۰۱۰۰ و sswEEKly.ir

@ssweeklY

info@ssweeklY.ir

نمابر: ۷۷۴۸۸۴۴۶

سامانه پیامک: ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳

شماره ۹۸۶ | دوشنبه ۶ بهمن ۱۳۹۹

صبحانه

خوشبختی را دریابیم

خوشبختی نامه‌ای نیست که به ناگاه از راه برسد، لباسی نیست که آن را تهیه کنیم و بپوشیم، ماشینی نیست که ما را به مقصد برساند و خانه‌ای بزرگ نیست که در آن آسوده و راحت، آرام بگیریم. خوشبختی شاید لبخندی از سر مهربانی باشد، یاری رساندن به بیماری است که چشم انتظار است. خوشبختی شاید همان غذای ساده است که به نیازمندی می‌بخشیم. خوشبختی همان نگاه پر مهر است که از سر قدردانی به پدر و مادر خود هدیه می‌دهیم. خوشبختی چیزی از جنس توکل و ایمان و احترام است، آن را باید ساخت.

تلخند



کارتونیست: عماد حجیج از اردن

داستان

نان و عسل

حالا چطوری دو هفته تنها تو این اتاق بمونم؟ دق می‌کنم که!

پیرمرد پقی می‌زند زیر خنده.

- نترس برا اونم یه راهی پیدا می‌کنم خانوم خانوما...

ساعت از هشت صبح گذشته و آفتاب کم رمق زمستان از شیشه پنجره روی فرش قرمز کف حال ریخته است. سفره کوچکی میان حال و سفره کوچکی توی اتاق پیرزن پشت نایلون شفافی پهن شده است. پیرمرد چای توی استکان را شیرین می‌کند و از لای نایلونی که سرا سر در اتاق را پوشانده تو می‌دهد.

رمق زمستان از شیشه پنجره روی فرش قرمز کف حال ریخته است. سفره کوچکی میان حال و سفره کوچکی توی اتاق پیرزن پشت نایلون شفافی پهن شده است. پیرمرد چای توی استکان را شیرین می‌کند و از لای نایلونی که سرا سر در اتاق را پوشانده تو می‌دهد.

- بخور حاج خانوم، باید جون بگیري! چند لقمه نون و عسل برات گرفتم بخور زود خوب بشی بیایی بیرون تو برام جایِ بریزی!

پیرزن عرق‌های روییده بر پیشانی‌اش را پاک می‌کند. نگاهی به در اتاق که دیشب پیرمرد از جا در آورده و نایلونی جایش چسبانده، می‌اندازد. احساس می‌کند مریضی‌اش سبک‌تر شده است. با ذوق لقمه نان و عسل را توی دهانش می‌گذارد.

سنگینی یک کوه روی دوش پیرمرد می‌گذارد. تشکر می‌کند و سمت داروخانه می‌رود. ساعت از هشت شب گذشته است. پیرمرد توی پذیرایی تنها نشسته و هر چند دقیقه یکبار احوال پیرزن را از پشت در اتاق جویا می‌شود. دوباره پشت در اتاق می‌رود.

- حوری جان... چطوری خانوم؟ چیزی لازم نداری؟

چند دقیقه‌ای می‌گذرد، اما صدایی جز هق هق گریه‌های پیرزن نمی‌شنود. مرد دستش را روی دستگیره در می‌گذارد و همین که می‌خواهد داخل شود، صدای پیرزن بالا می‌رود: «نه آقا جلال! نیایی تو، نمی‌خوام تو هم مریض بشی، من خوریم هیچی هم نمی‌خوام!»

پیرمرد کمی عقب می‌رود و از پشت ماسکش با صدایی مهربان می‌گوید: «اداری گریه می‌کنی حوریه جان؟ دکتر گفت خدا رو شکر خفیف گرفتی زود خوب می‌شی گریه نداره که!»

- مگه من برا مریضیم گریه می‌کنم؟ گریه من از اینه که چهل و دو ساله تنهایی سر سفره نشستم

صیدقه شاهسون

نویسنده

پرستار جوان با پوشش کامل و تمام تجهیزات به پیرمرد نزدیک می‌شود.

- حاج آقا با عرض شرمندگی جواب آزمایش خانوم شما مثبت بود... باید خیلی مراقبش باشید.

چشم‌های ریز پیرمرد پشت شیشه عینکش از شنیدن حرف پرستار جوان درشت می‌شود.

- یعنی چی دخترم؟ حالا من باید چیکار کنم؟

- برید داروهاش رو بگیرید و مرتب بهش بدید. آب میوه و سوپ و مایعات گرم هم فراموش نشه. چون از نوع ضعیفش گرفتن و مشکل خاصی ندارن باید تو خونه قرنطینه بشن... یعنی جدا تو یه اتاق باشن تا کاملاً خوب بشن...

خودتون هم باید خیلی رعایت کنید که کرونا شنیدن کلمه کرونا باری از غصه به اندازه نگیرید.

شنیدن کلمه کرونا باری از غصه به اندازه

راه نرفته

صبر همسرانه

محمد ابراهیم زاده

مشاور خانواده

یکی از عوامل بسیار مهم در بهبود روابط زن و مرد و نیز استحکام آن به کارگیری جملات زیبا و امیدبخش در زندگی مشترک است. این قدرت کلمات سبب می‌شود در زندگی احساس شادی و اعتماد به نفس داشته باشید. گاهی در خلوت خود فکر کنید و جملات متناسب با روحیه همسران بسازید و آنها را در مواقعی که نیاز است، بر زبان جاری کنید. زمانی که احساس می‌کنید او به کمک شما نیاز دارد، یا در موقعیتی است که اعتماد به نفس ندارد. جملات ساده اما امیدبخش و لذت‌بخش می‌تواند روابط شما را گرم و صمیمی نگه دارد. جملاتی مانند تو را همین‌گونه که هستی، قبول دارم؛ علاقه و سلیقه تو برایم ارزشمند است؛ به تو و تلاش‌هایت افتخار می‌کنم؛ بودن در کنار تو آرامش‌بخش است؛ دوست ندارم ناراحت باشی و جملات زیبای دیگر.

برای همسران، مادری یا پدری نکنید. شما همسر او هستید نه والد او، با گفتن جملاتی مانند: «حتماً ناهارت رو بخوری‌ها»، «مواظب باش خواب نمونی»، «کلید رو حتماً ببری؛ پشت در می‌مونی» و... درست مثل مادر و پدرها خواهید شد. این جملات اگر چه نشانه علاقمندی است، اما در پس خود یک والد دلسوز دارد که از نقش همسری دور می‌شود و جلوی اقتدار و اعتماد به نفس را می‌گیرد.

صبور باشید. صبورۃ کردن در مشکلات، با سکوت کردن و خودخوری متفاوت است. صبور بودن یعنی به همسر خود فرصت بدهید تا خودش را پیدا کند و مشکل به وجود آمده را حل کند، در کنارش باشید و برای هر قدم مثبتی که برمی‌دارد، او را تشویق کنید.

هرگز و تحت هیچ شرایطی به همسران دروغ نگویید. دروغ تمام ساخته‌های ذهنی همسران را تخریب می‌کند و باعث از بین رفتن چهار نقطه کلیدی و مهم می‌شود: اعتماد، قول، رابطه و علاقه!

صادقانه

نعمت پایدار

پیامبر(ص) می‌فرماید: خوشبخت کسی است که سرای باقی را که نعمتش پایدار است، بر سرای فانی که عذابش بی‌پایان است، برگزیند و از آنچه در اختیار دارد برای سرائی که به آنجا می‌رود، پیش فرستد قبل از آنکه آنها را برای کسی بگذارد، که او با انفاق آن خوشبخت می‌شود؛ ولی خودش با گرداوری آن (دارایی‌ها) بدبخت شده است.

اعلام‌الدین فی صفات المؤمنین، ص ۳۴۵

قبیله عشق

فرشته بی‌گناه



فوزیه قبل از انقلاب در بیمارستان

پاوه مشغول کار بود. او برای مردم آنجا از جان و دل کار می‌کرد. در حمله کومله‌ها به بیمارستان پاوه در حالی که مشغول کمک به پاسداران بود، از ناحیه پهلوی به شدت زخمی می‌شود. او را به اتاق پاسدارها می‌برند. خواهرم ۱۶ ساعت در حالی که به شدت خونریزی داشته، در همان جا می‌ماند. دکتر چمران که فوزیه را می‌بیند ناراحت می‌شود، او درباره فوزیه شیردل می‌گوید: «خداوند! چه منظره‌ای داشت این خانه پاسداران چه دردناک! گویی صحرای محشر است! انبوهی از کرده‌های مسلح و غیرمسلح در پشت در به انتظار کمک ایستاده بودند، آثار غم و درد بر همه چهره‌ها سایه افکنده بود در همین وقت دختر پرستاری که پهلوش هدف گلوله دشمن قرار گرفته بود و خون لباس سفیدش را گلگون کرده بود، از در بیرون می‌بردند. آنقدر از بدنش خون رفته بود که صورتش سفید و بی‌رنگ شده بود؛ پاسداران جوان به شدت متأثر بودند. نه پزشکی نه دارویی... این فرشته بی‌گناه ساعتی بعد در میان شیون و ضجه زدن‌ها جان به جان‌آفرین تسلیم کرد.»

به نقل از **مریم شیردل خواهر شهید فوزیه شیردل**

«فوزیه شیردل» دوم اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۳۸ متولد شد. پس از اخذ مدرک سوم راهنمایی وارد بهداری شد و پس از گذشت سه سال از خدمت در بهداری شهر کرمانشاه به پاوه منتقل شد و در بیمارستان این شهر به عنوان بهیسا ارفای نقش کسرد. او روز ۲۵ مرداد ۱۳۵۸ در جریان حمله گروهک ضد انقلاب دموکرات به پاوه، در حالی که فوزیه شیردل مشغول کمک کردن به یاران شهید دکتر مصطفی چمران بود و در دلش عشق به امام موج می‌زد، مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرد و پس از گذشت ۱۶ ساعت خونریزی به شهادت می‌رسد.

حسن ختام

مرا بپذیر

در میان گل‌های زیبای گلستان‌ها گشته‌ام، اما خسار بیابان وصل تو مرا خوش‌تر است؛ صدای زیبای پرندگان نغمه‌خوان را شنیده‌ام که نجوای‌شان هوش از سر آدم می‌برد، اما ناله‌های از سر هجران تو گوش‌نوازتر است؛ آفتاب گرم بهار، جانم را نوازش داده، ولی عشق سوزان تو مرا آب می‌کند و سر را پایم سوختن در شور و شوق به تورسیدن را دوست‌تر می‌دارد. آقاسی من! تو را دوست دارم و در راه طلب تو گام بر می‌دارم. به شوق رسیدن به تو ندبه‌سر می‌دهم، اگر چه سر تا پا گناهکارم و روسیاه، اما خوب می‌دانی در خیل مشتاقان تو هستم، بگذار سیاهی لشکر تو بمانم، مرا در سیل خروشان عاشقانت بپذیر، اجازه بده تا این موج مرا هم با خود همراه کند، شاید در آب مطهر عشق به تو، ای مولا و سرورم تطهیر شوم. من شما را و اجداداتان را سر و جانم فدای‌شان باد، دوست دارم؛ اما عاشقی را بیش از این نیاموخته‌ام.

یا فارس الحجاز! مرا بپذیر تا پا در رکاب تو باشم.

سلامت

جادویی در کار نیست!



شاید در ذهن شما هم این سؤال ایجاد شده است که چرا یک فرد مانند یک نوجوان حجم زیادی از غذا را می‌خورد و یک کیلو هم اضافه نمی‌کند؛ در حالی که فردی دیگر با خوردن مقدار کمی غذای پر کالری دچار اضافه وزن می‌شود؟ پاسخ در تفاوت‌های فردی، فعالیت بدنی، توده عضلانی و میزان متابولیسم افراد است. متابولیسم فرآیندی است که طی آن بدن ما آنچه را می‌خوریم به انرژی مورد نیاز برای زنده ماندن و عملکرد اعضای بدن (همه چیز از تنفس گرفته تا پلک زدن) تبدیل می‌کند. متابولیسم سریع مانند کوره گرم است که به سرعت کالری را می‌سوزاند؛ اما متابولیسم آهسته به سوخت(کالری) کمتری نیاز دارد. اگر چه میزان سوخت و ساز بدن ما به ژنتیک وابسته است، اما می‌توانیم با افزایش توده عضلانی بدن‌مان متابولیسم را تقویت کنیم. چگونه؟ بسا ورزش کردن و تحرک می‌توانند از چربی بدن خود بکاهید و عضلات خود را بیشتر کنید. با افزایش سن، توده عضلانی بدن به طور طبیعی کاهش می‌یابد، اما شما می‌توانید بسا ورزش کردن با این کاهش مقابله کنید. برخی ادعا می‌کنند رژیم غذایی با چای سبز و قفل‌ل چربی متابولیسم بدن را بالا می‌برد؛ اما حقیقت این است که هیچ غذای جادویی سرعت متابولیسم را افزایش نمی‌دهد. برخی مطالعات نشان داده‌اند که چای سبز و قفل‌ل قرمز تند به طور موقت میزان متابولیسم را افزایش می‌دهند. مسیر رسیدن به یک سبک زندگی سالم و تناسب اندام شامل یک الگوی غذایی متعادل و پر از غذاهای غنی از مواد مغذی است، نه یک رژیم غذایی که با قفل‌ل قرمز تشکیل می‌شود.



کتیبه سبز

گوشه چشم تو

درد فراق، ساده مداوا نمی‌شود باید به هم رسید، وْ اِلّا نمی‌شود از شنبه بسته‌ایم به جمعه دخیل اشک تا تو نیایی این گره‌ها و ا نمی‌شود هر شب به این امید که یک آن ببینمت کوچچه به کوچچه می‌دَوَم اما نمی‌شود بی‌خود دلم خوش است به اشعار انتظار این حرف‌ها برای من آقا نمی‌شود یک گوشه چشم تو دل ما را ربود و برد مجنون که بی‌خود عاشق لیلا نمی‌شود مثل من گدا سر کویت زیاد هست اما کریم مثل تو پیدا نمی‌شود تنها تویی که واسطه فیض رحمتی ورنه برات عفو من امضا نمی‌شود

علی صالحی